



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارشد
علیه
اصحاب
السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پروہش نامہ

مخبرِ اقبال

بعضین مسلمانانہ بین المذاہب امام حسین (ع)

سال ہفتم، شمارہ 72، پھل 1971

اسلامی اور اسلامیات و اسلامیات

- اسلامیت و اسلامیات، عربی و اسلامی
- عربی و اسلامی اور اسلامیات، عربی و اسلامی
- اسلامیات و اسلامیات، عربی و اسلامی
- اسلامیات و اسلامیات، عربی و اسلامی
- اسلامیات و اسلامیات، عربی و اسلامی
- اسلامیات و اسلامیات، عربی و اسلامی

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهش نامه معارف حسینی 25: نخستین فصلنامه تخصصی امام حسین علیه السلام

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

فصلنامه آیت بوستان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
پژوهش نامه معارف حسینی ۲۵: نخستین فصلنامه تخصصی امام حسین علیه السلام	۱۲
مشخصات کتاب	۱۲
اشاره	۱۳
فهرست عناوین	۱۸
شخصیت شناسی حبیب بن مظاهر	۲۰
اشاره	۲۰
مقدمه	۲۱
زندگی نامه حبیب	۲۱
زمانه حبیب بن مظاهر	۲۲
اشاره	۲۲
۱- همراهی با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)	۲۲
۲- پیروی از امام علی (علیه السلام)	۲۲
۳- اطاعت از امام حسن (علیه السلام)	۲۳
۴- در رکاب امام حسین (علیه السلام)	۲۴
اشاره	۲۴
الف) دعوت از امام (علیه السلام)	۲۴
ب) بیعت با مسلم بن عقیل	۲۶
ویژگی های شخصیتی حبیب بن مظاهر	۲۸
اشاره	۲۸
۱- عبودیت و بندگی	۲۸
۲- فقیه	۲۹
۳- مُحدث	۲۹
۴- حامل اسرار الهی	۳۰

۳۱	۵- تیزبینی و دوراندیشی
۳۲	۶- یاری رساندن امام (علیه السلام)
۳۲	۷- خیرخواهی برای امام (علیه السلام)
۳۲	۸- روحیه شهادت طلبی
۳۳	۹- شجاعت
۳۳	۱۰- دفاع از آرمان های اسلام
۳۳	۱۱- ضرورت بیعت مردم با امام
۳۴	۱۲- رد امان نامه دشمن
۳۶	نتیجه
۳۷	منابع
۴۰	حبيب بن مظاهر اسوه برتر ولايت مداری و فضایل اخلاقی
۴۰	اشاره
۴۱	مقدمه
۴۱	فضایل اخلاقی
۴۱	ولايت مداری
۴۲	زندگی نامه حبيب بن مظاهر
۴۳	شاخصه های ولايت مداری در زندگانی حبيب بن مظاهر
۴۳	اشاره
۴۳	۱. شناخت اهل بیت(علیهم السلام) و جایگاه آنها در آفرینش
۴۴	۲. محبت و عشق به معصومان(علیهم السلام)
۴۵	۳. تبعیت محض از اهل بیت(علیهم السلام)
۴۵	۴. بیزاری از دشمنان اهل بیت(علیهم السلام)
۴۶	۵. محور دانستن امامان(علیهم السلام) در زندگی
۴۶	مصادق های ولايت مداری حبيب
۴۶	اشاره
۴۶	۱. ولايت مداری با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

۴۷	۲. ولایت مداری با امیرمومنان (علیه السلام)
۴۸	۳. ولایت مداری با امام مجتبی (علیه السلام)
۴۸	۴. ولایت مداری با امام حسین (علیه السلام)
۴۸	اشاره
۴۸	۱.۴. نگارشِ نامه و دعوت از امام (علیه السلام)
۴۸	۲.۴. همراهی با مسلم بن عقیل و جذب نیرو برای او
۴۹	۳.۴. دریافت نامه ای خصوصی از امام حسین (علیه السلام)
۴۹	۴.۴. لتیک گفتن به نداء غربت امام (علیه السلام) و رساندن خود به کربلا
۴۹	۵.۴. کوشش برای جذب نیرو برای امام (علیه السلام)
۵۰	۶.۴. دفاع از ولایت در قالب موعظه دشمن
۵۱	۷.۴. تقویت روحیت وفاداری به یاران امام (علیه السلام)
۵۱	۸.۴. فرماندهی جناح چپ لشکر در روز عاشورا
۵۱	۹.۴. عدم پذیرفتن امان نامه
۵۱	۱۰.۴. همراهی با امام (علیه السلام) در طول جنگ
۵۲	۱۱.۴. وداع با امام (علیه السلام)
۵۲	۱۲.۴. رجز خواندن و شهادت در رکاب امام (علیه السلام)
۵۲	۱۳.۴. ناراحتی شدید امام (علیه السلام) از شهادت «حبیب» و دعا برای او
۵۲	تجلی فضایل اخلاقی در زندگانی حبیب بن مظاهر
۵۲	اشاره
۵۳	۱. شجاعت
۵۳	۲. بصیرت
۵۳	۳. علم و فقاہت
۵۴	۴. روایتگری احادیث اهل بیت (علیهم السلام)
۵۴	۵. آگاهی از علم لدنی و اخبار غیبی
۵۴	۶. پرهیزگاری و نیکوکاری
۵۵	۷. قرائت و حفظ قرآن

۵۵	۸. سحرخیزی و نیایشگری
۵۵	۹. اخلاق نیک و غیرت
۵۶	۱۰. همسرگزینی مناسب و تربیت صحیح فرزند
۵۶	۱۱. زهد و بی رغبتی به دنیا
۵۷	نتیجه
۵۸	منابع
۶۰	چگونگی شهادت حبیب بن مظاهر اسدی
۶۰	اشاره
۶۱	مقدمه
۶۱	معرفی شخصیت حبیب بن مظاهر
۶۲	نقش حبیب در سپاه سیدالشهدا (علیه السلام)
۶۳	فعالیت های حبیب در حمایت از سیدالشهدا (علیه السلام)
۶۶	زجرخوانی حبیب در میدان نبرد
۶۷	شهادت حبیب بن مظاهر
۶۹	تأثیرگذاری شهادت حبیب بر امام حسین (علیه السلام)
۶۹	سر حبیب در کوفه
۷۰	نتیجه
۷۲	منابع
۷۴	مطالعه بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر در سخنان امام حسین (علیه السلام)
۷۴	اشاره
۷۵	۱. مقدمه
۷۷	۲. ادبیات نظری پژوهش
۷۷	۲-۱. بینامتنیت
۷۷	۲-۲. روابط بینامتنی
۷۷	اشاره
۷۸	۲-۲-۱. نفی جزئی

۷۸	۲-۲-۲. نفی متوازی
۷۸	۲-۲-۳. نفی کلی
۷۸	۲-۳. حبیب بن مظاهر
۷۸	۲-۳-۱. نام، کنیه، لقب
۷۹	۲-۳-۲. زندگی نامه
۸۰	۲-۳-۳. وقایع دوران حیات
۸۱	۲-۳-۴. حبیب بن مظاهر در زیارت نامه ها
۸۱	۲-۳-۵. حبیب بن مظاهر در بیان بزرگان
۸۲	۳. بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر در سخنان امام حسین (علیه السلام)
۸۲	اشاره
۸۳	۳-۱. سخنان امام حسین (علیه السلام) درباره حبیب بن مظاهر
۸۳	اشاره
۸۳	۳-۱-۱. پرچم داری حبیب بن مظاهر
۸۴	۳-۱-۲. نامه امام حسین (علیه السلام) به حبیب بن مظاهر
۸۵	۳-۱-۳. استجازه استنصار از بنی اسد توسط حبیب بن مظاهر و پاسخ امام حسین (علیه السلام)
۸۵	۳-۱-۴. خطاب امام حسین (علیه السلام) به حبیب بن مظاهر در شب عاشورا
۸۶	۳-۱-۵. اشاره امام حسین (علیه السلام) به سؤال حبیب بن مظاهر درباره امام سجاد (علیه السلام)
۸۷	۳-۱-۶. سخن امام حسین (علیه السلام) درباره حبیب بن مظاهر هنگام شهادت او
۸۷	۳-۱-۷. استنصار از حبیب بن مظاهر بعد از شهادت او توسط امام حسین (علیه السلام)
۸۸	نتیجه
۸۹	منابع
۹۲	سیمای حبیب بن مظاهر در «حماسه کربلاء»
۹۲	اشاره
۹۳	۱- مقدمه
۹۳	اشاره
۹۵	پیشینه

۹۵	۲- سیمای حبیب در «حماسه کربلاء»
۹۵	اشاره
۹۵	۲-۱. حبیب، محبوب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
۹۶	۲-۱. محبوب سید الشهداء (علیه السلام)
۹۸	۲-۳. علم و بصیرت
۹۹	۲-۴. شجاعت
۱۰۰	۲-۵. زهد و عبادت
۱۰۱	۲-۶. شیدای امام (علیه السلام)
۱۰۱	۲-۷. یقین و صلابت ایمان
۱۰۳	نتیجه
۱۰۴	منابع
۱۰۶	نقد و بررسی گزارش های شیر خوارگی امام حسین (علیه السلام)
۱۰۶	اشاره
۱۰۷	مقدمه
۱۰۹	۱. نقد منابع
۱۰۹	۲. بررسی گزاره های تاریخی
۱۰۹	اشاره
۱۱۰	۲-۱. گزارش های شیرخوارگی امام حسین (علیه السلام)
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	۲-۱-۱. تغذیه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
۱۱۱	۲-۱-۲. تغذیه از شیر ام ایمن
۱۱۲	۲-۱-۳. تغذیه از شیر ام الفضل
۱۱۲	۳. نقد سندی
۱۱۲	اشاره
۱۱۳	۳-۱. ضعف سندی
۱۱۳	اشاره

۱-۳. ضعف در سند تغذیه امام (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) -----	۱۱۳
۳-۲. ضعف در سند تغذیه امام (علیه السلام) از ام ایمن -----	۱۱۴
۳-۱-۳. ضعف در سند تغذیه امام (علیه السلام) از ام الفضل -----	۱۱۵
۳-۲. خبرضعیف -----	۱۱۷
۴. نقد محتوایی -----	۱۱۸
اشاره -----	۱۱۸
۴-۱. عدم حضور ام الفضل در مدینه -----	۱۱۸
۴-۲. عدم تطابق سن ام ایمن برای شیردهی امام حسین (علیه السلام) -----	۱۱۹
۴-۳. عدم تطابق سن قثم بن عباس با امام حسین (علیه السلام) -----	۱۱۹
۴-۴. تعارض در اخبار -----	۱۲۰
۵. فضیلت سازی عباسیان -----	۱۲۲
۶. نظر اندیشوران معاصر درباره این اقوال -----	۱۲۲
نتیجه -----	۱۲۳
منابع -----	۱۲۵
نکته هایی از معارف حسینی -----	۱۳۲
اشاره -----	۱۳۲
عاشورا و امام حسین (علیه السلام) از دیدگاه اندیشمندان غیر مسلمانان -----	۱۳۲
معرفی کتاب -----	۱۳۶
درباره مرکز -----	۱۴۲

پژوهش نامه معارف حسینی 25: نخستین فصلنامه تخصصی امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

فصل نامه علمی _ تخصصی

سال هفتم، شماره 25، بهار 1401

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر محمدحسین مردانی نوکنده

سر دبیر: دکتر سید محمد کاظم طباطبایی

مدیر داخلی: غفار عموزاده آرائی

مدیر اجرایی: دکتر حسین قلندری

ویراستار فارسی: سعید صنعتی

مترجم و ویراستار انگلیسی: دکتر محمدرضا فخر روحانی

ویراستار دیجیتال: محمد منصوری

طراح جلد: حسن فرزنانگان

صفحه آرا: علی قنبری

مدیر روابط عمومی: علیرضا شابدین

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

هیئت تحریریه: دکتر نجف لک زایی استاد دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)

دکتر مجتبی رحماندوست دانشیار دانشگاه تهران

دکتر ناصر رفیعی محمدی دانشیار جامعه المصطفی العالمیه

دکتر علی بیات دانشیار دانشگاه تهران

دکتر علی حاجی خانی دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

دکتر غلامرضا خوش فر دانشیار دانشگاه گلستان

دکتر محمدرضا سنگری استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دکتر مصطفی دلشاد تهرانی استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

دکتر محمد رضا فخر روحانی استادیار دانشگاه قم

دکتر مهدی مردانی (گلستانی) استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

نشانی پستی: گرگان _ صندوق پستی 853-49175، فصل نامه پژوهش نامه معارف حسینی

کدپستی: 4916935379

نمابر: 017-32131590 همراه: 09113701235

ایمیل فصل نامه: <http://www.maarefehosseini.ir> ayate.boostan@gmail.com

شمارگان: 1200 نسخه بها: 000/125 ریال

این فصل نامه با همکاری اداره کل تبلیغات اسلامی گلستان منتشر می گردد.

ص: 1

اشاره

فصل نامه بین المللی پژوهش نامه معارف حسینی نشریه ای با موضوع مطالعات اسلامی (با تمرکز بر معارف امام حسین (علیه السلام)) به زبان فارسی و گستره بین الملل و جهان اسلام و نوع انتشار مجله ای به شماره ثبت 75858 فعالیت خویش را با رویکرد علمی _ تخصصی آغاز نموده است.

فصل نامه بین المللی پژوهش نامه معارف حسینی در پایگاه های زیر نمایه می شود:

1. بانک نشریات کشور www.magiran.ir

2. مرکز اطلاعات و مدارک علمی جهاد دانشگاهی www.sid.ir

3. پایگاه مجلات تخصصی نور www.noormags.ir

4. پرتال جامع علوم انسانی _ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

5. سامانه نشریات علمی کتابخانه ملی ایران iranjournals.nlai.ir

6. کتابخوان همراه پژوهان pajooaan_ir@

مشاور عالی:

حجت الاسلام نورالله ولی نژاد

مشاوران علمی فصل نامه در عرصه بین الملل:

1. دکتر لیاقت علی تکیم (دانشگاه مک مستر کانادا)

2. دکتر محمد حسین علی (دانشگاه کربلا)

3. دکتر سید حسن عیسی الحکیم (دانشگاه کوفه)

4. دکتر هادی التمیمی (الجامعة الإسلامية نجف اشرف)

5. دکتر سید سلمان هادی آل طعمه (پژوهشگر کربلا)

6. دکتر محمد حسنین نادر (سر دبیر مجله معرفت نور پاکستان)

7. سید حیدر غازی جاسم الموسوی (دانشگاه بابل، مؤسسه ترجمه الکفیل)

8. دکتر اولیور شاربروت (دانشگاه بیرمنگهام انگلیس)

9. دڪٽر محمد رضا كاظمي (سرديير مجله علمي تاريخ پاڪستان)

ص: 2

شیوه نگارش و چگونگی پذیرش مقاله در آیت بوستان- پژوهش نامه معارف حسینی

- مقاله باید حاصل پژوهش علمی در یکی از موضوعات مرتبط با معارف حسینی باشد.

- هیئت تحریریه در رد پذیرش و ویرایش مقاله ها آزاد است.

- تقدم و تاخر چاپ مقاله ها با بررسی و نظر هیئت تحریریه مشخص می شود.

- مسئولیت درستی مطالب مندرج در مقاله به عهده نویسنده است و فصلنامه آیت بوستان هیچگونه مسئولیتی در قبال آن ندارد.

- در هر مقاله ، فاصله خطوط 1 ، حاشیه از دو طرف 4 و از زیر و زیر 5 سانتی متر باشد و هر مقاله باید حداکثر 18 صفحه A4 (با قلم نازنین (12) و برپایه دستور خط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (www.persianacademy.com) نگاشته شود.

- مقالات باید در محیط Word 2000 / 2003 XP حروف چینی و به دفتر فصلنامه ارسال شود.

- در صفحه عنوان ، به ترتیب ، عنوان مقاله نازنین (15) زیر عنوان نازنین (13) ، نام نویسنده / نویسندگان (نازنین) (13) ، رتبه علمی و نام دانشگاه یا سازمان وابسته همان قلم ، چکیده (در 5 تا 8 خط ، کلید واژه ها (5 تا 7 واژه ، شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده در پاورقی آورده شود. اطلاعات مندرج در بند پیشین به زبان انگلیسی ، در صفحه ای جداگانه آورده شود.

- تصویرها ، جدولها و نمودارها با مشخصات دقیق در صفحات جداگانه آورده شود.

- هر مقاله باید شامل مقدمه مواد روشها و بحث و نتیجه گیری باشد.

- توضیحات در انتهای مقاله به صورت پی نوشت ذکر شود.

- ارجاعات تمام نقل و قولها مستقیم و غیر مستقیم باید به صورت زیر تنظیم شود : (نام خانوادگی نویسنده / نویسندگان ، سال نشر: شماره صفحه)

اگر از یک نویسنده در یک سال بیش از یک اثر منتشر شده باشد ، این آثار با ذکر حروف الف : ب ، و... ی a b و... پس از سال انتشار از هم متمایز شوند.

- اگر کتاب بیش از سه نویسنده داشته باشد، پس از نام نخستین نویسنده عبارت « و همکاران» نوشته شود؛ اثری که نام نویسنده ندارد به نام کتاب ارجاع داده شود؛ اثری که توسط مؤسسه یا سازمانی فراهم آمده باشد به نام مؤسسه یا سازمان ارجاع شود.

- فهرست منابع و مآخذ در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا و به صورت زیر تنظیم شود: کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده / نویسندگان (سال نشر). نام کتاب. نام و نام خانوادگی افراد دخیل (مصحح، مترجم، ویراستار و...). شماره چاپ محل نشر ناشر کتابی که نام مؤلف ندارد: نام کتاب سال نشر (شماره چاپ محل نشر: ناشر کتابی که تالیف یک مؤسسه است: نام مؤسسه مؤلف. سال نشر نام کتاب شماره چاپ. محل نشر: ناشر.

مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده / نویسندگان سال نشر عنوان مقاله». نام ویراستار یا گردآورنده.

نام مجموعه مقالات محل نشر: نام ناشر. شماره صفحات مقاله.

- حق چاپ مقاله، پس از پذیرش برای آیت بوستان پژوهش نامه معارف حسینی) محفوظ است و نویسنده نمی تواند آن را به نشریه دیگر ارائه دهد.

- مقاله های دریافت شده بازگردانده نمی شود.

فصلنامه آیت بوستان - پژوهش نامه معارف حسینی

شخصیت شناسی حبیب بن مظاهر... 7

دکتر علی فارسی مدان

حبیب بن مظاهر اسوه برتر ولایت مداری و فضایل اخلاقی... 27

دکتر سید مسعود عمرانی

چگونگی شهادت حبیب بن مظاهر اسدی... 47

دکتر محمد سالم محسنی

مطالعه بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر در سخنان امام حسین (علیه السلام)... 61

دکتر محمدرضا شاهرودی، دکتر محمد فراهانی

سیمای حبیب بن مظاهر در «حماسه کربلاء» سروده سعید العسلی... 79

دکتر سید مهدی نوری کینقانی

نقد و بررسی گزارش های شیر خوارگی امام حسین (علیه السلام)... 93

مریم رضایی سرشت، دکتر مهدی نورمحمدی

نکته هایی از معارف حسینی... 119

دکتر محمد حسین مردانی نوکنده

معرفی کتاب... 123

دکتر محمدرضا فخر روحانی

دکتر علی فارسی مدان⁽¹⁾

تاریخ دریافت: 11/08/00 تاریخ پذیرش: 19/11/00

چکیده

حبیب بن مظاهر در شمار اصحاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، امام علی، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) بود. بعد از به حکومت رسیدن یزید (حک. 60-64)، حبیب به همراه دیگر رهبران شیعی کوفه از امام حسین (علیه السلام) دعوت کردند تا به کوفه بیاید. وی جزو اولین افرادی بود که با مسلم بن عقیل بیعت کرد و دیگران را نیز به بیعت با مسلم فراخواند. وقتی امام (علیه السلام) به کربلا رسید، حبیب به سبب اقدامات ابن زیاد، حاکم کوفه، مخفی شد و شبانه خود را از کوفه به کربلا رساند. حبیب بن مظاهر در دهم محرم سال 61 هجری در واقعه عاشورا به شهادت رسید.

کلیدواژه‌ها: امام حسین (علیه السلام)، حبیب بن مظاهر، بنی اسد، عاشورا، کربلا.

ص: 7

1- . فارغ التحصیل سطح چهار حوزه علمیه قم، پژوهشگر و نویسنده. alifarsimadan98@gmail.com

یکی از زیبایی های حادثه عاشورا، وجود یاران و اصحاب وفادار امام حسین (علیه السلام) است که ایشان را در رسیدن به اهداف نهضت حسینی و پیام رسانی رسالت عاشورا به جهانیان یاری نمودند. امام (علیه السلام) در توصیف یاران خویش فرمودند: «همانا من یارانی را بهتر از شما و خاندانی را بهتر و نیکوتر از خاندانم نمی شناسم، خداوند از ناحیه من به همه شما پاداش نیک عنایت فرماید» (ر.ک. ابو مخنف کوفی، 1417: 2/ 91؛ مفید، 1413: 2/ 91؛ طبرسی، 1417: 1/ 455). حبیب بن مظاهر از جمله یاران تأثیرگذار در حادثه کربلا و از تربیت یافتگان مکتب امام علی (علیه السلام) بود که امام حسین (علیه السلام) را در عاشورا یاری رساند.

این نوشتار درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است: آیا حبیب جزو اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است؟ چرا حضرت مسلم تنها ماند؟ حبیب بن مظاهر چگونه خود را به کربلا رساند؟ حبیب بن مظاهر چه ویژگی ها و خصوصیات دارد؟ این جستار به روش کتابخانه ای به بررسی ویژگی های شخصیتی حبیب بن مظاهر می پردازد.

زندگی نامه حبیب

حبیب فرزند مظاهر بن رباب بن اُشتر است. کنیه اش، ابوالقاسم و ساکن کوفه بود (ناظم زاده، 1392: 354) سال تولد وی در اسناد تاریخی ذکر نشده است. اگر شهادت حبیب را در سن 75 سالگی بدانیم (ر.ک. امین، 1403: 4/ 554؛ مسعودی، 1385: 23؛ ناظم زاده، 1392: 355)، ایشان چهارده سال پیش از هجرت در خاندان بزرگ بنی اسد در یمن متولد شد و سالنهم هجری به همراه خانواده به مدینه آمده است (مسعودی، 1385: 23). ابن حجر عسقلانی (1415: 2/ 142) در کتاب خود نام او را «حتیت» ثبت کرده است؛ در حالی که همگان نام ایشان را حبیب ذکر کرده اند. مورخان و نویسندگان نام پدر ایشان را اسامی مختلفی نظیر «مُطَهَّر» (ر.ک. ابن حجر عسقلانی، 1415: 2/ 142؛ حلّی، 1383: 99؛ طبرسی، 1390 الف: 237؛ خویی، بی تا: 5/ 201؛ مازندرانی، 1416: 20/ 328)، «مشکور» (ر.ک. خویی، بی تا: 5/ 201؛ تفرشی، 1418: 1/ 399) و «مطهر» (ر.ک. بلاذری، 1417: 11/ 162؛ ابن طاووس، 1380: 91) ثبت کرده اند. حبیب از اشراف و

چهره های سرشناس، مورد اعتماد و احترام اهالی کوفه و از قبیله بنی اسد بود (آقاتهرانی، 1385: 163). همان قبیله ای که افتخار تجهیز و تدفین شهدای کربلا نصیبشان شد. حبیب سرانجام در سال 61 هجری به همراه امام حسین (علیه السلام) در کربلا به شهادت رسید.

زمانه حبیب بن مظاهر

اشاره

زندگی پر خیر و برکت حبیب بن مظاهر به چند بخش تقسیم می شود:

1- همراهی با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

آیا حبیب بن مظاهر جزو اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود؟ با بررسی صورت گرفته در منابع تاریخی و اسناد علمی روشن گردید، این موضوع مورد اختلاف است. به گزارش ابن حجر عسقلانی (1415: 142/2)، حبیب بن مظاهر جزو اصحاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده و ایشان را درک کرده است. وی مدت محدودی از جوانی اش را در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گذرانیده. حتی در نقلی آمده است: «او به خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مشرف شده و از آن حضرت احادیث شنیده است» (ر.ک. واعظ کاشفی، 1358: 304). یکی دیگر از نویسندگان او را جزو «اکابر تابعین» ذکر نموده (ر.ک. شوشتری، 1392: 477/2) اما علمای رجال او را در زمره اصحاب امام علی (علیه السلام)، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) به شمار آورده اند. چنانچه در کتاب اعیان الشیعه آمده است: «شیخ طوسی، ابن اثیر و ابن عبدالبر ایشان را جزو اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان نکرده اند و سخنی درباره صحابی بودن او نگفته اند» (ر.ک. امین، 1403: 554/4).

2- پیروی از امام علی (علیه السلام)

حبیب بن مظاهر در دوران امام علی (علیه السلام) در کوفه سکنا داشت و همراه ایشان بود. به گزارش عالمان رجال، حبیب جزو اصحاب امام علی (علیه السلام) (ر.ک. حلی، 1383: 99؛ برقی، 1383: 4؛ تفرشی، 1418: 399؛ خویی، بی تا: 201) و یکی از یاران مقرب و از نزدیکان ایشان بوده تا جایی که امام (علیه السلام) او را در شرطة خمیس (1) گمارده بود (ابن طاووس، 1380:

ص: 9

1- . گروهی از یاران همیشه مسلح امام علی (علیه السلام) که با آمادگی کامل در همه جا به امام (علیه السلام) در امور حکومتی یاری می رساندند. شیخ مفید (1413: 2) در مورد تعداد آنها می گوید: «كَانُوا شُرَطَةَ الْخَمِيسِ سِتَّةَ آلَافٍ رَجُلٍ أَنْصَارَهُ»؛ و تعداد ایشان را 6000 نفر ذکر می کند. طبری (1387: 158/5) نیز تعداد آنها را 40 هزار نفر بیان کرده است.

91؛ خویی، بی تا: / 201). وی در تمام جنگ ها در رکاب امام علی (علیه السلام) شمشیر زده است و از نزدیکان امام (علیه السلام) به شمار می رفت (ابن طاووس، 1380: 91؛ آقانهانی، 1385: 163). لازم به ذکر است، تشکیل گروه شرطه خمیس، مربوط به جنگ ها بوده چرا که آن حضرت در اواخر عمر مبارکشان، مظلوم و تنها بودند.

بنابر نقل کشی (1409: 78)، عالم بزرگ رجالی، حبیب بن مظاهر و میثم تمار و رشید هجری از تربیت یافتگان مکتب امام علی (علیه السلام) بوده که ماجرا و داستان تقرب این بزرگواران به خدا و اهل بیت (علیهم السلام) را نقل کرده است.

3- اطاعت از امام حسن (علیه السلام)

بنابر گزارش علمای رجال، حبیب بن مظاهر از اصحاب و یاران امام حسن (علیه السلام) نیز بوده است (ر.ک. تفرشی، 1418: / 399؛ خویی، بی تا: / 201) اما در کتب و اسناد تاریخی هیچ گزارشی از فعالیت حبیب بن مظاهر در این دوره ثبت نشده است. شاید علت آن را در سیاستی که امام حسن (علیه السلام) در پیش گرفت، باید جست. امام (علیه السلام): «از جان خود بیم داشت زیرا گروهی از رؤساء و یاران او در نهان با معاویه مکاتبه کرده و از وی اطاعت کرده بودند». این جماعت به معاویه وعده داده بودند که امام حسن (علیه السلام) را دستگیر کرده و به او تسلیم کنند و در میان لشکر آن حضرت گروه اندکی از پیروان و خواص او حاضر به مقاومت و پایداری بودند اینان نیز در برابر لشکریان معاویه استقامت نمی کردند، لذا معاویه برای آن حضرت نوشت و پیشنهاد صلح کرد. امام (علیه السلام) پیشنهاد صلح را پذیرفت و در ضمن قرارداد صلح مقرر شد که معاویه سب علی (علیه السلام) را ترک کند و شیعیان آن جناب را آزار نرساند و حقوق تضییع شده را به اهلش برگرداند، معاویه این پیشنهادها را پذیرفت» (طبرسی، 1390 ب: 298). همچنین امام (علیه السلام) بعد از صلح فرمودند: «اگر من با معاویه مصالحه نمی کردم، احدی از شیعیان ما بر روی زمین نبود مگر اینکه کشته می شد» (مجلسی، 1362: 4). اما پس از اینکه صلح نامه تمام شد، معاویه

برای مردم خطبه خواند و گفت من به هیچ یک از این شروط عمل نخواهم کرد و آنها را زیر پا می گذارم (طبرسی، 1390 ب: 298)!

با توجه به این سیاست امام (علیه السلام)، حبیب بن مظاهر نیز مانند یاران باوفای امام (علیه السلام)، سیاست سکوت را پیش گرفت و شاهد مظلومیت امام حسن (علیه السلام) بود زیرا بدوناذن امام (علیه السلام) اجازه انجام کاری نداشت و این دوره سخت با شهادت امام (علیه السلام) به پایان رسید که نتیجه تلخ آن؛ تیرباران پیکر مطهر امام (علیه السلام) بود که حبیب بن مظاهر همچون امام حسین (علیه السلام) و یاران و اصحاب دیگر نظاره گر آن واقعه سخت و بی احترامی ها بودند. امام حسین (علیه السلام) فرمودند:

«وَاللَّهِ لَوْ لَا عَهْدُ الْحَسَنِ (علیه السلام) إِلَيَّ بِحَقِّنِ الدَّمَاءَ وَأَنْ لَا أُهْرِيَقَ فِي أَمْرِهِ مِجْجَمَةً دَمٍ لَعَلِمْتُمْ كَيْفَ تَأْخُذُ سُيُوفُ اللَّهِ مِنْكُمْ مَاخِذَهَا وَ قَدْ نَقَضْتُمْ الْعَهْدَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ وَأَبْطَلْتُمْ مَا اشْتَرَطْنَا عَلَيْكُمْ لِأَنْفُسِنَا» (مفید، 1413: 19/2)؛

سوگند به خدا اگر برادر من پیمان نبسته بود که در پای جنازه او به اندازه شیشه حجامت خون ریخته نشود، می دیدید چگونه شمشیرهای الهی از نیام ها بیرون می آمدند و دمار از روزگار شما بر می آوردند.

4- در رکاب امام حسین (علیه السلام)

اشاره

حبیب بن مظاهر در زمان جوانی که حدود 25 سال داشت، با امام حسین (علیه السلام) که حدود 10 سال سن داشت؛ آشنا شد و در برابر ایشان فروتن و متواضع بودند (مسعودی، 1385: 23). مورخان و نویسندگان حبیب را از اصحاب امام (علیه السلام) برشمردند (ر.ک. حلّی، 1383: 99؛ برقی، 1383: 4؛ تفرشی، 1418: 399؛ خویی، بی تا: 201/5) که همراه امام حسین (علیه السلام) در دهم محرم سال 61 هجری قمری به شهادت رسید. فعالیت های ارزشی حبیب بن مظاهر در این دوره به نهایت خود رسید که شامل چند بخش می باشد:

الف) دعوت از امام (علیه السلام)

معاویه در سال 60 ق در دمشق درگذشت (ابن خلدون، 1408: 23/3؛ طبری، 1387: 323/5؛ ابن الطقطقی، 1418: 115؛ ابن کثیر دمشقی: 1407: 116/8). هنگامی که یزید به حکومت رسید، بزرگان و رهبران شیعه کوفه از جمله حبیب بن مظاهر از امام

حسین (علیه السلام) دعوت کردند تا به کوفه بیایند. نقل شده جلسه ای در منزل سلیمان بن صُرد، در شهر کوفه برگزار شد. سلیمان، شخصیت هایی از اهل کوفه را دعوت کرد. وی در سخنرانی خود برای آنان چنین گفت:

«إِنَّ معاوية قد هلك وإنَّ حسيناً قد تقبَّض على القوم ببيعته، وقد خرج إلى مكة، وأنتم شيعته وشيعة أبيه، فإن كنتم تعلمون أنكم ناصروه ومجاهدوا عدوه، فأعلموه، وإن خفتم الفشل والوهن فلا تغرّوا الرجل في نفسه»؛

معاویه به هلاکت رسیده است و حسین (علیه السلام) با یزید بیعت ننموده و از مدینه به مکه حرکت کرده است. اگر در خودتان توان یاری و نصرت او را می بینید و حقیقتاً او را کمک خواهید کرد و می توانید با دشمن او جهاد کنید، پس برای او نامه ای بنویسید و اگر نمی توانید و گمان می کنید از عهده این کار بر نمی آید، او را دعوت نکنید.

سلیمان با تمام شخصیت ها اتمام حجت کرد که اگر توان جهاد و جنگ با دشمنان سیدالشهدا (علیه السلام) را دارید، نامه بنویسید و او را دعوت کنید و در غیر این صورت اقدامی نکنید. آنان در جواب گفتند: «ما او را دعوت می کنیم، با دشمن او می جنگیم و جان خود را در راه او تقدیم می کنیم». در همان مجلس نامه ای بدین مضمون نوشتند:

«للهسين بن علي عليهما السلام من سليمان بن صرد والمسيب بن نجبة ورفاعة بن شداد وحبيب بن مظاهر... : سلامٌ عليك، فإنا نحمد إليك الله الذي لا إله إلا هو. أمّا بعدُ، ... إنه ليس علينا إمام، فأقبل لعلَّ الله أن يجمعنا بك على الحق. والتَّعمان بن بشير في قصر الإمارة، لسنا نُجمَعُ معه في جمعة ولا نخرج معه إلى عيد، ولو قد بلغنا أنك أقبلت إلينا أخرجناه حتّى نُلحقه بالشَّام إن شاء الله»؛

نامه ای برای حسین بن علی (علیه السلام) از جانب سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد و حبيب بن مظاهر... درود بر توباد که ما حمد خدایی می کنیم که جز او خدایی نیست. اما بعد: ... اینک ما را امام نیست، بیا. شاید خدا به وسیله شما ما را بر حق همدل کند. نعمان بن بشیر در قصر حکومت است ما به نماز جمعه او نمی رویم و به نماز عیدش حاضر نمی شویم و اگر خبر یابیم که سوی ما روان شده ای بیرونش می کنیم و به شامش می فرستیم ان شاء الله (ر.ک).

این دعوت به این نامه خلاصه نشد و پس از دو یا سه روز، نامه دیگری به وسیله افراد و گروه های دیگر برای آن حضرت فرستاده شد (میلانی، 1389: 173).

(ب) بیعت با مسلم بن عقیل

وقتی نامه کوفیان به امام حسین (علیه السلام) رسید. امام (علیه السلام) در پاسخ به نامه شیعیان، سفیر خود، مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد (ابن اثیر، 1385: 21/4) و فرمودند:

«... إِنِّي بَاعْتُ إِلَيْكُمْ أَخِي وَابْنَ عَمِّي وَثِقَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَإِنْ كَتَبَ إِلَيَّ أَنَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ رَأْيُ مَلَائِكُمْ وَذَوِي الْحِجَا وَالْفَضْلِ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ مَا قَدِمْتُ بِهِ رُسُلُكُمْ وَقَرَأْتُ فِي كُتُبِكُمْ أَقْدَمَ عَلَيْكُمْ...»

من پسرعمو و برادر مورد اطمینان خودم را که از اهل بیت من است، به نام مسلم بن عقیل به سوی شما می فرستم تا اوضاع شما را برای من گزارش کند. پس اگر نماینده من اجتماع شما را ببیند و برای من گزارش کند، آن وقت من به سوی شما حرکت می کنم (ر.ک. طبری، 1387: 5/353؛ مفید، 1413: 2/39).

مسلم در ورود به کوفه، به خانه مختار رفت (ابن اثیر، 1385: 22/4) و شیعیان به دیدار مسلم می آمدند و با ایشان بیعت می کردند. حبیب بن مظاهر با پیوستن به مسلم دو هدف عمده را دنبال نمود:

1. بیعت: اولین هدف حبیب بیعت با مسلم بن عقیل بود و از اولین افراد بود که با حضور در خانه مختار با مسلم بیعت کرد. بنا بر گزارش مورخان، عبدالله حنفی، عابس شاکری و حبیب بن مظاهر از اولین افراد کوفی بودند که با مسلم بیعت کردند (ر.ک. طبری، 1387: 5/355؛ ابن اعثم کوفی، 1411: 5/34). ابتدا عابس بن ابی شیبب برخاست و بعد از حمد خدا گفت: «من تو را از کار افراد و دیگران خبر نمی دهم و نمی دانم در دل چه دارند و از جانب آنها وعده فریبده نمی دهم، به خدا از چیزی که درباره آن تصمیم گرفته ام سخن می کنم. وقتی دعوت کنید می پذیرم. همراه شما با دشمنان می جنگم و با شمشیرم از شما دفاع می کنم تا به پیشگاه خدا بروم و از این کار جز ثواب خدا چیزی نمی خواهم». بنا بر نقل طبری (1387: 5/355)؛ بعد از کلام ایشان

«رحمک الله! قد قضيت ما فی نفسک، بواجز من قولک، ثم قال: وانا والله الذی لا اله الا هو علی مثل ما هذا علیه»؛

خدایت رحمت کند، آنچه را در خاطر داشتی با گفتار مختصر بیان کردی. سپس گفت: به خدایی که جز او خدایی نیست، من نیز روشی مانند روش او (عباس) دارم.

همین کلام در نقل دیگری چنین آمده است: «ثم قام حبيب بن مظاهر الأسدي الفقعسي قال: وأنا والله الذی لا إله إلا هو علی ما أنت علیه؛ حبيب بن مظاهر أسديّ بر پای جست و گفت: والله که من در دوستی و اطاعت شما همچنان باشم که عباس گفت و تقریر کرد» (ر.ک. ابن اعثم کوفی، 1411:5/34).

2. دعوت به بیعت: حبيب بن مظاهر تمام سعی و تلاش خود را بکار بست تا دیگران را نیز به بیعت با مسلم بن عقیل که بیعت با امام حسین (علیه السلام) است، تشویق و ترغیب نماید. چنانکه نقل شده وقتی در منزل مختار در حضور مسلم، عباس و حبيب بیعت کردند و کلمات حماسی گفتند، نتیجه آن چنین شد:

«و تبایعت الشيعة علی کلام هذين الرجلين؛

پس، آنگاه فوج فوج از شیعه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می آمدند و همین نوع سخن می گفتند» (ابن اعثم کوفی، 1411:5/34).

همچنین نقل شده، «پس از آن مجلس، حبيب با مسلم بن عوسجه و دیگر بزرگان شیعه کوفه، برای امام حسین (علیه السلام) بیعت می گرفتند (ناظم زاده، 1392: 360) که با تلاش آنها بیعت کنندگان برای امام حسین (علیه السلام) به بیشتر از هجده هزار نفر رسید (مسعودی، 1385: 30). اما بعد از مدتی با ورود ابن زیاد به کوفه، مسلم تنها ماند و حبيب دیگر قدرت هیچ فعالیتی نداشت و به ناچار در میان قبائل خود مخفی شدند و منتظر فرصت ماندند (ر.ک. ناظم زاده، 1392: 361). عبیدالله در نخستین خطبه اش در مسجد به مردم گفت: «یزید سرپرستی شهر شما را به من سپرده و به من دستور داده با مظلومان مُنصف باشم و به محرومان بخشش کنم و با کسانی که اطاعت و حرف شنوی دارند همانند

پدري نيكوكار و مهربان باشم. اما كسانى كه مخالفت مى كنند و عهد و پيمان را مى شكند، با تازيانه و شمشير جوابشان را خواهم داد» (ر.ك. طبرى، 1387: 5/359). «ابن زياد در نخستين اقدام خود، مردم را تهديد كرد و دستور داد تمام قبائل، شخصيت ها و اشراف كوفه تك تك شناسايى شوند و به مرور آنها را به حضور طلبيد و پس از شناسايى و معرفى، از آنان تعهد گرفت تا از او اطاعت كنند. همچنين ابن زياد، با شايعه پراكنى، عزل و نصب سران قبائل، ارسال جاسوس، نظارت شديد، قتل و كشتار و زندانى كردن شيعيان برنامه هاى خود را پيش بُرد» (ر.ك. ميلانى، 1389: 192-203).

ج) ورد به كربلا: با اقدامات ابن زياد در كوفه، ياران و اصحاب مسلم را گرفتند و مسلم تنها ماند و بقيه پا به فرار گذاشتند. دو قبيله مسلم بن عوسجه و بنى اسد، حبيب و مسلم را پنهان ساختند تا از گزند عبيدالله بن زياد مصون بمانند (ر.ك. زنگنه و همكار، 1389: 99)؛ چرا كه عبيدالله بن زياد، ايشان و برخى ديگر را تحت تعقيب قرار داده بود (ميلانى، 1389: 208). هنگامى كه خيمه امام حسين (عليه السلام) در كربلا برپا شد و خبر آن به كوفه رسيد، بلافاصله حبيب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه كه همچنان در خفا بودند؛ شبانه و مخفيانه از كوفه حركت كردند، شب ها حركت مى كردند و روزها مخفى مى شدند تا اينكه روز هفتم يا هشتم (و بنا بر نقلى روز ششم و يا هفتم، ر.ك. ميلانى، 1389: 191) وارد كربلا شدند و خود را به كربلا رساندند (ر.ك. ناظم زاده، 1392: 361).

ويژگى هاى شخصيتى حبيب بن مظاهر

اشاره

در اين بخش به ابعاد شخصيتى حبيب بن مظاهر اشاره مى شود:

1- عبوديت و بندگى

حبيب، به پارسايى و شب زنده دارى معروف بود (ناظم زاده، 1392: 354). وي با قرآن انس داشت و همواره به تلاوت قرآن مشغول بود. چنانكه در مورد حبيب گفته اند: «حبيب حافظ قرآن مجيد بود و هر شب قرآن ختم مى كرد و بعد از نماز صبح تا طلوع قرآن تلاوت مى كرد» (ر.ك. واعظ كاشفى، 1358: 304؛ شوشترى، 1392: 4/479). اين از ويژگى هاى شهداى كربلا، به ويژه امام حسين (عليه السلام) بود. زيرا يكي از زيبايى هاى

عاشورائیان، معنویت و عبادت آنان بود. همانطور که در تاریخ گزارش شده است؛ روز نهم محرم امام حسین (علیه السلام) دریافت که دشمنان قصد آغاز جنگ را دارند و محاصره را تنگتر می کنند و کمتر به پندها و اندرزها توجه دارند، لذا به حضرت عباس (علیه السلام) فرمود:

«إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَصْرِفَهُمْ عَنَّا فِي هَذَا الْيَوْمِ فَافْعَلْ لَعَلَّنَا نُصَلِّيَ لِرَبِّنَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ أَنِّي أَحِبُّ الصَّلَاةَ لَهُ وَتِلَاوَةَ كِتَابِهِ»؛

اگر بتوانی امروز دشمنان را از جنگ با ما منصرف سازی این کار را انجام ده، شاید امشب برای پروردگاران نماز بخوانیم، چرا که خدا می داند من نماز برای او و تلاوت آیات قرآنش را دوست دارم (ر.ک. ابومخنف کوفی، 1417: 195؛ ابن طاووس، 1348: 89).

حبیب بن مظاهر در مورد ویژگی سحرخیزی و عابد بودن اصحاب و یاران امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «چه بد قومی هستند آنان که ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و افرادی که اهل نیایش در سحرگاهان هستند، می کشند» (ابن اعثم الکوفی، 1411: 5/98).

2- فقیه

حبیب بن مظاهر دارای جایگاه فقاہت بوده است، این ویژگی از نامه امام حسین (علیه السلام) به ایشان روشن می شود: «مِنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَى الرَّجُلِ الْفَقِيهِ حَبِيبِ بْنِ مُظَاهِرٍ»؛ از حسین بن علی (علیه السلام) به حبیب بن مظاهر؛ مردی فقیه و دانشمند (احمدی میانجی، 1426: 3/145).

3- محدث

یکی دیگر از شاخصه های حبیب، نقل روایت و راوی بودن است. حتی بنا بر نقلی، او از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) احادیث شنیده است (ر.ک. واعظ کاشفی، 1358: 304). برای نمونه شیخ صدوق از ایشان یک روایت ذکر کرده است: «عَنْ حَبِيبِ بْنِ مُظَاهِرٍ الْأَسَدِيِّ بَيَّضَ اللَّهُ وَجْهَهُ أَنَّهُ قَالَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) أَيُّ شَيْءٍ كُنْتُمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ (علیه السلام) قَالَ كُنَّا أَشْبَاحَ نُورٍ نَدُورُ حَوْلَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ فَتَعَلَّمُ الْمَلَائِكَةُ التَّسْبِيحَ وَ التَّهْلِيلَ وَ التَّحْمِيدَ»؛ از حبیب بن مظاهر اسدی- بیض الله- وجهه روایت شده که او

محضر حضرت حسین بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) عرضه داشت: پیش از آن که خداوند عزّ و جلّ آدم (علیه السلام) را بیافریند شما چه بودید و کجا بودید؟ حضرت فرمودند: ما شبیح های نوری بودیم که اطراف عرش خالق رحمان دور می زدیم و به فرشتگان تسبیح (سبحان الله) گفتن و تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و تحمید (الحمد لله گفتن) را تعلیم می دادیم (ابن بابویه، 1385: 1/23).

4- حامل اسرار الهی

حبیب بن مظاهر از جمله کسانی است که به علوم منایا و بلایا آشنایی داشته است، یعنی از حوادث آینده اطلاع داشته و حامل اسرار الهی بوده است (ر.ک. امین، 1403: 554/4؛ ناظم زاده، 1392: 356). از جمله آن؛ پیش گویی او از آینده میثم تمار و نحوه شهادت او است. این واقعه و داستان را کشی از فضیل بن زبیر نقل کرده است:

«میثم تمار در حالی که بر اسب خود سوار بود در جایی که بنی اسد نشسته بودند، به استقبال حبیب بن مظاهر اسدی آمد. آنان با یکدیگر سخن گفتند. حبیب گفت: شخص بزرگی را می نگریم که جلو سرش مو ندارد و شکم بزرگ دارد و در «دارالرزق» خربزه می فروشد. می بینم او را به جرم دوستی اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دار زده اند و شکم او را با چوب پاره کرده اند! میثم در جواب حبیب گفت: من مردی را می شناسم که دو گیسوی بافته دارد. او برای نصرت پسر دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خود خروج می کند و کشته می شود و سرش در کوفه جولان خواهد زد. سپس بعد از این گفتگو از یکدیگر جدا شدند. اهل آن مجلس گفتند: ما دروغگوتر از این دو نفر ندیده بودیم!! راوی می گوید: هنوز اهل مجلس پراکنده نشده بودند که رشید هجری آمد و ایشان را طلبید و از اهل مجلس سراغ ایشان را گرفت. آنان گفتند: از یکدیگر جدا شدند و ما شنیدیم چنین و چنان می گفتند. رشید گفت: خدا میثم را رحمت کند، او فراموش کرده بگوید: به آن کسی که سر حبیب را می برد مبلغ صد درهم بیشتر عطا خواهد شد. وقتی رشید رفت آن گروه گفتند: به خدا این شخص از همه دروغگوتر است، پس از این جریان آن گروه گفتند: به خدا قسم چند شب و روزی بیش نگذشت که دیدیم میثم تمار بر در خانه عمرو بن حریث بالای دار است!! و سر حبیب بن مظاهر را هم آوردند. آنچه را که آنان گفته بودند همان شد»

5- تیزبینی و دوراندیشی

یکی دیگر از ویژگی های حبیب دوراندیشی و تیزبینی ایشان بود که با تفکر، همراهی امام حسین (علیه السلام) و شهادت در راه خدا را انتخاب کرد و عاقبت به خیر شد. امام حسین (علیه السلام) در نامه ای از حبیب بن مظاهر خواست تا به ایشان ملحق شود:

فَأَنْتَ تَعْلَمُ قَرَابَتَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْتَ أَعْرَفُ بِنَا مِنْ غَيْرِكَ، وَأَنْتَ ذُو شَيْمَةٍ وَغَيْرَةٍ، فَلَا تَبْخُلْ عَلَيْنَا بِنَفْسِكَ، يُجَازِيكَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

ای حبیب! تو خویشاوندی ما را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خوب می دانی و ما را بهتر از دیگران می شناسی. تو انسانی آزاده و غیرتمندی، پس جان خود را از ما دریغ مدار که روز قیامت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پاداش تو را خواهد داد (احمدی میانجی، 1426: 3/145).

حبیب با اشتیاق این دعوت را پذیرفت و با وجود سختی ها و محاصره هایی که عبیدالله بن زیاد در نظر گرفته بود، خود را به کربلا رسانید. در حالی که برخی افراد با وجود دعوت از آنها، از یاری امام حسین (علیه السلام) امتناع ورزیدند. برای نمونه، «امام حسین (علیه السلام) در راه کوفه به قصر بنی مقاتل رسید، دید آنجا چادری زده اند، پرسید این چادر متعلق به چه کسی است؟ گفته شد: از آن عبید الله بن حرّ بن جعفی است. فرمود: او را نزد من دعوت کنید، کسی را به دنبالش فرستاد. اما عبید الله بن حرّ گفت: و الله من از کوفه بیرون نیامده ام مگر بدین خاطر که نمی خواستم وقتی که حسین (علیه السلام) به کوفه وارد می شود من آنجا باشم، و الله نه می خواهم من او را ببینم و نه او مرا ببیند! فرستاده امام (علیه السلام) جریان را به او گزارش داد. امام (علیه السلام)، برخاست و بر ابن حرّ وارد شد و از او دعوت کرد تا در قیامش شرکت کند ولی عبید الله بن حرّ همان سخنان را تکرار کرد. حضرت فرمود: پس اگر ما را یاری نمی کنی از خدا بپرهیز از اینکه جزو کسانی باشی که با ما می جنگند. و الله هر کس که فریاد ما به گوشش برسد ولی یاریمان نکند هلاک خواهد شد! سپس از نزد او برخاست» (ابومخنف کوفی، 1417: 176).

6- یاری رساندن امام (علیه السلام)

در مورد حبیب بن مظاهر آمده است: «كَانَ حَبِيبٌ مِنَ السَّبْعِينَ الرَّجَالِ الَّذِينَ نَصَرُوا الْحُسَيْنَ (علیه السلام) وَلَقُوا جِبَالَ الْحَدِيدِ وَاسْتَقْبَلُوا الرَّمَاخَ بِصُدُورِهِمْ وَالسُّيُوفَ بِجُوهِهِمْ»؛ حبیب بن مظاهر از آن هفتاد نفری بود که امام حسین (علیه السلام) را یاری کردند و کوه های آهن را دیدند و نیزه ها را به وسیله سینه های خود و شمشیرها را با صورت های خود استقبال نمودند (بحرانی، 1413: 17/334؛ قمی، 1414: 26/2؛ کشی، 1409: 79).

7- خیرخواهی برای امام (علیه السلام)

حبیب بن مظاهر فرد عادی نبود. وی همواره برای کسب رضایت امام (علیه السلام) تلاش نمود، چه زمانی که در کوفه تمام تلاش خود را برای بیعت با مسلم به کار بست و چه زمانی که وارد کربلا شد و یاران اندک امام حسین (علیه السلام) را در برابر کثرت دشمنان دید و از امام (علیه السلام) درخواست کرد تا به ایشان اجازه دهد تا به سمت قبیله بنی اسد برود و برای امام (علیه السلام) یار و اصحاب جمع آوری نماید. زمانی که نزد بنی اسد آمد او را شناختند و حمایت از فرزند رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) را خواستار شد که برخی دعوت او را در حمایت از امام (علیه السلام) اجابت کردند (ر.ک. ابن اعثم کوفی، 1411: 5/90؛ بحرانی، 1413: 17/237؛ مجلسی، 1403: 386/44).

8- روحیه شهادت طلبی

از ویژگی های حبیب بن مظاهر و یاران سیدالشهدا (علیه السلام)، عدم ترس از مرگ و روحیه شهادت طلبی است. چنانکه نقل شده است: حبیب بن مظاهر در کربلا مزاح می کرد و می خندید. یزید بن حصین همدانی⁽¹⁾ می گفت: ای برادر! اکنون وقت خنده نیست! حبیب گفت: «فَأَيُّ مَوْضِعٍ أَحَقُّ مِنْ هَذَا بِالسُّرُورِ وَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا أَنْ تَمِيلَ عَلَيْنَا هَذِهِ الطَّغَامُ بِسُيُوفِهِمْ فَتُعَانِقَ الْحُورَ الْعَيْنَ»؛ چه موضعی از این موضع برای مسرت سزاوارتر است؟ به خدا قسم چیزی مانع ما نیست غیر از اینکه این گروه ستمکار ما را با شمشیرهای خود شهید کنند و بعدا ما با حور العین معانقه نماییم (کشی، 1409: 79- مجلسی، 1403: 45/93).

ص: 19

1- . وی معروف به سید الفقراء بود.

از دیگر ویژگی‌ها و خصائص حبیب بن مظاهر، شجاعت و خودگذشتگی و جهاد در راه خدا است. این ویژگی در حبیب بسیار ویژه بوده و او را از سایر شهدا متمایز می‌کند، زیرا حبیب یکی از فرماندهان سپاه امام حسین (علیه السلام) بود که امام (علیه السلام) فرماندهی طرف چپ سپاه را به ایشان واگذار کرده بود (ابن شهر آشوب، 1379: 4/100؛ جزائری، 1427: 1/222) و از این جهت باید در شجاعت، ایثار و جهاد در راه خدا الگو باشد تا در روحیه دیگران اثرگذار باشد. لذا در مورد حبیب گفته شده است: «انه كان حنيف الاجابه له عده المبارز؛ هرگاه حبیب را مبارزی به جنگ دعوت می‌کرد، او به سادگی اجابت می‌کرد» (آقاتهرانی، 1385: 170).

10- دفاع از آرمان‌های اسلام

یکی از خصائص حبیب آن بود که بر خود واجب می‌دانست، از اسلام و احکام و آرمان‌های آن دفاع کند. بر این اساس در تمام مراحل قیام امام حسین (علیه السلام) از دعوت نمودن ایشان تا لحظه شهادت بر این اصول خود استوار و محکم ایستاد. به طور مثال، هنگامی که امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به نماز ایستاد، ابن حصین، یکی از فرماندهان سپاه اموی فریاد زد: هان ای حسین! نماز تو پذیرفته نیست! چرا که آن حضرت از امیر و خلیفه آنان فرمان نبرده و در ستم و پیداد و پایمال ساختن حقوق مردم با آنان همراهی و همکاری نکرده است و در برابر ستم و حق‌کشی بپا خاسته و پرچم آزادی و آزادگی و نجات و نیک‌بختی انسان را برافراشته است! حبیب بن مظاهر، آن دانشور خداجو پاسخ داد: «لَا يُقْبَلُ مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ وَأَنْصَارِهِمْ وَتُقْبَلُ مِنْكَ وَأَنْتَ شَارِبُ الْخَمْرِ»؛ آیا نماز و نیایش نسل و تبار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و یاران آنان پذیرفته نمی‌شود و نماز تو که هنوز از بد مستی و شرابخوارگی و گناه دوری نمی‌جویی پذیرفته می‌شود؟ (ابن نما حلی، 1406: 65).

11- ضرورت بیعت مردم با امام

حبیب بن مظاهر در اخلاق سیاسی معتقد بود که باید مردم در انتخاب و بیعت با امام مشارکت مؤثر داشته باشند. چنانکه امام علی (علیه السلام) مشروعیت لازم را داشتند اما چون

مقبولیت نداشتند در ابتدا به ناچار از حکومت فاصله گرفتند. لذا امام علی (علیه السلام) در خطبه سوم به نقش مردم در تحقق حکومت اشاره فرمودند: «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ ... لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا ...»؛ اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، و یاران حجت را بر من تمام نمی کردند...، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می ساختم... (شریف الرضی، 1379: 49).

بر این اساس لازم است در جامعه، همه این مراتب به حکم عقل عملی شود و هر آنچه عقل به ضرورت آن گواهی دهد، شرع نیز به ضرورت آن گواهی خواهد داد. لذا دولت یا به وسیله نصب از جانب خداوند مشخص شده یا به قدرت سرنیزه و زور بر مردم حکومت یافته، یا اینکه توسط مردم، نوع آن مشخص و مسئولین آن انتخاب شده اند. در نوع سوم، هر جا و هر زمان، سیره عقلی بر این بوده که به نظر خویش صالح ترین و لایق ترین افراد را به ولایت و حکومت خویش برگزینند و به وسیله بیعت یا هر شکل دیگر، مراتب اطاعت و تسلیم خود را به وی ابراز دارند (ر.ک. منتظری، 1409: 2/ 283-284). بنابراین در نامه بزرگان کوفه خدمت امام حسین (علیه السلام) (ر.ک. طبری، 1387: 5/ 352) و پاسخ آن حضرت به آنان (ر.ک. طبری، 1387: 5/ 353) نیز سخن از امر مردم و انتخاب مردم به میان آمده است. در اینجا، حبیب بن مظاهر و بزرگان کوفه، امامت را امر امت دانسته و رضایت مردم را در آن، شرط دانسته اند و امام (علیه السلام) نیز در پاسخ آنان، رأی عموم مردم و افراد با فضیلت و درایت، یعنی اهل حل و عقد (خبرگان) را که به طور طبیعی رضایت و رأی مردم را به دنبال دارد ملاک حرکت خویش و پذیرش حکومت آنان قرار داده اند (ر.ک. منتظری، 1409: 2/ 301).

12- رد امان نامه دشمن

یکی از تاکتیک های دشمن برای تضعیف روحیه سپاه امام حسین (علیه السلام)، وسوسه نمودن یاران امام (علیه السلام) و تطمیع آنان بود تا بدین وسیله امام (علیه السلام) را منزوی کرده و بدون یار و یاور بماند. چنانکه در گذشته این حرب و نیرنگ جواب داده بود و با این مکر امام حسن (علیه السلام) را مجبور به صلح نمودند. معاویه شخصی را نزد عبید الله بن عباس که امیر لشکر سپاه امام حسن (علیه السلام) بود، فرستاد و او را به جانب خود دعوت نمود و ضمانت داد که

مبلغ 1000000 درهم رشوه دهد، نصف این مبلغ را نقد و نصف دیگر آن را موقعی که داخل کوفه شود. عبید الله با یاران خصوصی خود شبانه به لشکر معاویه پیوست (مجلسی، 1362: 39). بنابراین عذر امام حسن (علیه السلام) در پذیرفتن صلح این بود که اکثر اصحابش موافق رأی و نظر ایشان نبودند، پس چگونه این جماعت می توانستند برای مقابله با دشمن به امام (علیه السلام) خود یاری رسانند (ابن طاووس، 1374: 366).

در کربلا به افراد مختلف مانند حضرت عباس (علیه السلام) و بردارش و حبیب بنمظاهر امان نامه فرستادند. برای حضرت ابوالفضل (علیه السلام) و بردارش دو بار امان نامه فرستادند. ابتدا عبد الله بن ابی محل که عمه اش ام البنین دختر حزام همسر امام علی (علیه السلام) و مادر حضرت عباس (علیه السلام) بود، از عبیدالله بن زیاد امان نامه ای گرفت و توسط غلام خویش به نام کرمان فرستاد و گفت: این امان را دایی شما فرستاده است. حضرت ابوالفضل (علیه السلام) و بردارش فرمودند: «به دایی ما سلام برسان و بگو ما به امان شما نیاز نداریم. امان خدا از امان پسر سمیه بهتر است» (ر.ک. طبری، 1387: 5/415). بار دوم شب نهم محرم بود که شمر امان نامه آورد که حضرت عباس (علیه السلام) در پاسخ فرمود: «لَعَنَكَ اللَّهُ وَلَعَنَ أَمَانَكَ...»؛ خداوند تو و امان نامه ات را لعنت کند. آیا تو ما را امنیت می دهی ولی فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در امن و امان نباشد (ر.ک. ابو مخنف کوفی، 1417: 190؛ مفید، 1413: 89/2؛ طبرسی، 1417: 1/454). که شمر با این جواب عصبانی و غضبناک به سمت لشکر خود بازگشت (ابن طاووس، 1348: 89). این حربه و ابزار فریبنده (یعنی فرستادن امان نامه) برای حبیب بن مظاهر و دیگر یاران امام حسین (علیه السلام) نیز انجام شد؛ اما آنها با جوانمردی و شجاعت خودداری کردند و اسیر این نقشه شوم دشمن نشدند و تطمیع نگردیدند. آنها در نپذیرفتن امان نامه دشمن اینگونه استدلال کردند: «لَا عُذْرَ لَنَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ إِنْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ وَمِنَّا عَيْنٌ تَطْرِفُ حَتَّى قُتِلُوا حَوْلَهُ»؛ ما نزد پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عذری نداریم اگر امام حسین (علیه السلام) کشته شود و چشمی از ما باز باشد. آنان بالاخره در اطراف حسین (علیه السلام) کشته شدند (ر.ک. کشی، 1409: 79؛ مازندرانی، 1416: 329/2؛ نراقی، 1422: 63؛ خویی، بی تا: 202/5).

حبيب بن مظاهر از شهدای کربلا است. در اینکه او جزو اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده، اختلاف نظر وجود دارد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که وی مدت محدودی از جوانی اش را در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گذرانده است. اما در اینکه او یکی از اصحاب امام علی (علیه السلام) بوده و در تمام جنگ ها در خدمت امام (علیه السلام) شمشیر زده است و از نزدیکان ایشان بوده، همه منابع متفق القول هستند. از فعالیت ایشان در زمان امام حسن (علیه السلام) گزارشی نشده؛ شاید علت آن صلح امام (علیه السلام) باشد که سکوت را اختیار کرده بودند. عمده فعالیت های جهادی حبيب بن مظاهر در عصر امام حسین (علیه السلام) است. وی از دعوت کنندگان امام (علیه السلام) بود و برای ایشان اصحاب و نیرو جمع آوری نمود اما با ورود عبیدالله بن زیاد به کوفه و با اقدامات تهدیدآمیز خود و نیز با کارهایی مانند شایعه پراکنی، عزل و نصب سران قبایل، ارسال جاسوس، نظارت شدید، قتل و کشتار، زندانی کردن شیعیان، فضای خفقان سیاسی بر کوفه حاکم شد که نتیجه آن، تنها ماندن مسلم و عدم همراهی امام حسین (علیه السلام) توسط کوفیان شد و برخی از یاران مانند حبيب بن مظاهر مخفیانه و به دور از چشم عبیدالله خود را به کربلا رساندند. با بررسی منابع تاریخی، برخی از ویژگی ها و خصائص شخصیتی حبيب بن مظاهر نظیر عبودیت و بندگی، تلاوت قرآن و انس با قرآن، فقیه، مُحدث و راوی حدیث از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، حامل اسرار الهی، تزیینی و دوراندیشی، یاری رساندن امام (علیه السلام)، خیرخواهی برای امام (علیه السلام)، روحیه شهادت طلبی، شجاعت و جهاد در خدا، دفاع از آرمان های اسلام، ضرورت انعقاد امامت با انتخاب مردم و رد امان نامه دشمن آشکار می شود که این ویژگی های ممتاز باعث شد، تا لحظه آخر دستاز حمایت امام (علیه السلام) نکشد.

— قرآن کریم.

— ابن اثیر، عز الدین أبو الحسن علی بن ابی الکرّم (1385ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر- دار بیروت.

— ابن اعثم کوفی، أبو محمد أحمد (1411ق)، الفتوح، تحقیق علی شیر، بیروت، دارالأضواء.

— ابن الطقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (1418ق)، الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، بیروت، دار القلم العربی.

— ابن بابویه، محمد بن علی (1385ش)، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری.

— ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (1415ق)، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة.

— ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (1408ق)، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر (تاریخ ابن خلدون)، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفكر.

— ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (1379ق)، مناقب آل أبی طالب (علیه السلام)، قم، نشر علامه.

— ابن طاووس، علی بن موسی (1348ش)، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه فهری، تهران، جهان.

— _____ (1374ش)، الطرائف، ترجمه داود إلهامی، قم، نوید اسلام.

— _____ (1380ش)، لهوف، ترجمه میر ابوطالبی، قم، دلیل ما.

— ابن کثیر دمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر (1407ق)، البداية و النهاية، بیروت، دار الفكر.

— ابن نما حلّی، جعفر بن محمد (1406ق)، مثير الأحران، قم، مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه و الشریف).

— ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی (1417ق)، وقعة الطفّ، قم، جامعه مدرّسین.

— احمدی میانجی، علی (1426ق)، مکاتیب الأئمة(عليهم السلام)، قم، دار الحديث.

— امین، سید محسن (1403ق)، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

— آقانهانی، مرتضی (1385ش)، یاران شیدای حسین بن علی (علیه السلام)، قم، انتشارات باقیات.

— بحرانی اصفهانی، عبدالله (1413ق)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)، قم، مؤسسة الإمام المهدي(عجل الله تعالى فرجه و الشریف).

— برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد (1383ق)، رجال البرقی - الطبقات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

— بلاذری، أحمد بن يحيى بن جابر (1417ق)، انساب الأشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت، دار الفكر.

تفرشی، سید مصطفی بن حسین حسینی (1418ق)، نقد الرجال، قم، مؤسسه آل البيت(عليهم السلام).

— جزائری، نعمت الله (1427ق)، رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي.

— حلی، حسن بن علی بن داود (1383ق)، رجال ابن داود، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

— خویی، سید ابوالقاسم موسوی (بی تا)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال بی جا (نرم افزار نور، جامع فقه 2).

— زنگنه، ابراهیم با همکاری علی زنگنه (1389ش)، شهدای کربلا در واقعه عاشورای سال 61، مشهد، طنین قلم.

— شریف الرضی، محمد بن حسین (1379ش)، نهج البلاغة، ترجمه دشتی، قم، مشهور.

— شوشتری، قاضی نورالله (1392ش)، مجالس المومنین، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

— طبرسی، فضل بن حسن (1390ق/ الف)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، اسلامیه.

— ----- (1390ق/ ب)، زندگانی چهارده معصوم(عليهم السلام)، ترجمه إعلام الوری،

تهران،

- _____ (1417ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البيت (عليهم السلام).
- _____ طبری، أبوجعفر محمد بن جریر (1387ق)، تاریخ الأَـمم و الملوك (تاریخ طبری)، تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث. قمی، عباس (1414ق)، سفینه البحار، قم، اسوه.
- _____ کشی، محمد بن عمر (1409ق)، رجال الکشی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- _____ مازندرانی، محمد بن اسماعیل حائری (1416ق)، منتهی المقال فی أحوال الرجال، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام).
- _____ مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (1362ش)، زندگانی حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) (ترجمه جلد 44 بحار الأنوار)، تهران، اسلامیه.
- _____ (1403ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- _____ مسعودی، مجید (1385ش)، مرزبان خورشید 2 (سه رفیق)، قم، انتشارات دلیل ما.
- _____ مفید، محمد بن محمد (1413ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
- _____ منتظری، حسینعلی (1409ق)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه صلواتی و شکوری، قم، مؤسسه کیهان.
- _____ میلانی، سیدعلی حسینی (1389)، ناگفته هایی از حقائق عاشورا، قم، مرکز حقایق اسلامی.
- _____ ناظم زاده قمی، سیداصغر (1392ش)، اصحاب امام حسین (علیه السلام) از مدینه تا کربلا، قم، موسسه بوستان کتاب.
- _____ نراقی، میرزا ابو القاسم بن محمد بن احمد (1422ق)، شعب المقال فی درجات الرجال، قم، کنگره بزرگداشت نراقی.
- _____ واعظ کاشفی، ملاحسین (1358ش)، روضه الشهداء، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

دکتر سيد مسعود عمرانی (1)

تاریخ دریافت: 14/09/00 تاریخ پذیرش: 28/11/00

چکیده

جامعه اسلامی، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند به معرفی الگویی شایسته و ولایت مدار است که تمامی ابعاد رفتاری اش با اسلام واقعی، هم خوانی داشته باشد. یکی از این الگوهای شایسته، حبيب بن مظاهر است که از نظر امام شناسی و فضایل اخلاقی، در اوج بزرگی بود. حبيب به رغم معصوم نبودن، دارای صفاتی است که او را از سایر اصحاب اهل بیت (علیهم السلام) جدا می سازد. در این نوشتار، سعی شده است با روش توصیفی - تحلیلی، شاخصه های ولایت مداری و فضایل اخلاقی وی با استناد به گزارش های تاریخی و روایات معتبر بررسی و تبیین شود.

کلیدواژه ها: امام حسین (علیه السلام)، حبيب بن مظاهر، عاشورا، فضایل اخلاقی، کربلا، ولایت مداری.

ص: 27

عاشورا محلّ نزاع صفات نیک و بد و فضائل و رذائل است. امام حسین (علیه السلام) و یاران با وفایش مظهر کامل صفات اخلاقی بودند که در برابر همه رذیلت ها، خباثت ها و زشتی هایی که لشکر امویان به فرماندهی عمر سعد از خود نشان دادند، جنگیدند. تاریخ عاشورا، زیباترین شاخصه های وفاداری و ولایت مداری را برای اصحاب امام حسین (علیه السلام) و اوصافی مانند رذالت و فرومایگی را برای لشکر امویان، ثبت کرده است. مقایسه خصلت ها و ویژگی های رفتاری این دو لشکر، برای امروز ما درس آموز و عبرت انگیز است.

حبیب بن مظاهر در شمار طلایه داران اصحاب امام حسین (علیه السلام) است که از ابتدا تا آخرین دقایق زندگی خود، در کنار امامان خویش ایستاد و با تمام وجود از آنها دفاع کرد. اکثر مقالاتی که پیرامون وی نگاشته شده، ماجرای شهادت و ایثار او را در روز عاشورا بررسی کرده اند؛ اما مقاله پیش رو می کوشد با توجه به جایگاه ویژه او نزد اهل بیت (علیهم السلام) شاخصه های ولایت مداری، فضایل اخلاقی و ابعاد رفتاری اش را مورد واکاوی قرار دهد تا محبان ائمه اطهار (علیهم السلام) بتوانند بیش از پیش با شناخت و الگوگیری از این شخصیت، گفتار و عمل خود را مورد تأیید امام زمان (عجل الله تعالی فرجه و الشریف) قرار داده و مثل سردار سلیمانی ها، جلوه حبیب بن مظاهر در عصر خود شوند.

فضایل اخلاقی

فضایل جمع فضیله، به معنای درجه، برتری و امتیاز است و متضاد آن، رذیله است که به معنای پستی و عیب می باشد و جمع آن رذایل، به معنای پستی و فرومایگی است (بستانی، 1375: 666). واژه اخلاق، جمع خُلُق به معنای خوی و طبع است که وقتی می گویند: سوء الخُلُق یعنی بد اخلاقی؛ سَهْلُ الخُلُق یعنی نرم خوی و خوش طبع (همان، 372). بنابراین می توان گفت منظور از فضایل اخلاقی همان درجه و بزرگی خوی طبیعی یک فرد است.

ولایت مداری

ولایت در لغت از ماده وَلَی به معنای ای نظیر تسلّط، نزدیکی، قدرت، فرمانروایی،

نصرت، محبت، عهده داری کاری، حکم، پشتیبانی، زمامداری، سرپرستی و تصرف در اشیاء و امور انسان ها آمده است. ولی راغب، در کتاب مفردات معنای اصلی آن را، نزدیکی دو چیز به هم دانسته به طوری که فاصله ای میانشان نباشد. این نزدیکی یا پهلوی درآمدگی بی فاصله شامل هر نوع نزدیکی مادی و مکانی و معنوی می شود (راغب اصفهانی، 1412: 1/885). بر این اساس، نزدیکی و پیوند قلبی یا محبت ورزی افراد به مولا- و صاحب تصرف خود، تعریف جامعی از معانی ولایت است. به گفته علامه طباطبائی (1417: 13/317)، ولایت، به معنای سرپرستی و مالکیت تدبیر است. این معنا، معنایی عمومی است و در تمامی مشتقات آن جریان دارد. از نظر وی ولایت عبارت است از یک نوع قرب و نزدیکی که موجب نوع خاصی از حق تصرف و مالکیت تدبیر می شود. روایات بسیاری، ولایت را از اساسی ترین و مهم ترین پایه ها و ارکان دین اسلام برشمرده اند؛ زیرا شامل مسأله سرپرستی و زمامداری امور دینی اعم از ظاهری و باطنی، جسمی و روحی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی، عبادی و اجتماعی می شود؛ در واقع توحید و ولایت یک حقیقت اند و یکی ظهور دیگری است، ولایت مجرای توحید است؛ چون ولایت تنها به خداوند اختصاص دارد و پیامبران و اولیای خاص الهی همگیمجاری و مظاهر ولایت مطلقه و کلیه ربوبی حق تعالی می باشند (ر.ک. کلینی، 1407: 1/168؛ طهرانی، 1426: 2/206).

زندگی نامه حبیب بن مظاهر

حبیب بن مظاهر ملقب به اسدی و منسوب به قبیله بنی اسد است. این طایفه، افتخارات فراوانی داشت و افراد آن، خوش نام و خدمت گزار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) بودند. این قبیله، پس از حادثه عاشورا، افتخار دفن شهدای کربلا را از آن خود کرد (شیخ مفید، 1413: 2/14).

منابع متقدم، نام پدر حبیب را، گاه به صورت مُظَهَّری و گاه مُظَهَّر و برخی مُظَهَّر ذکر کرده اند اما با استناد به آنچه در زبان ها و زیارات مشهور است، مُظاهَر صحیح تر می باشد (مامقانی، 1423: 17/394). وی حدود یک سال قبل از بعثت پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به دنیا

آمد. وقتی او به دنیا آمد، پیامبر گرامی اسلام حدود 39 سال داشتند. به این ترتیب، حبیب توفیق پیدا کرد نزدیک به 24 سال در برهه ای از تاریخ زندگی کند که دوران حیات پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بود (ابن حجر عسقلانی، 1415: 2/142). بعد از رحلت آن حضرت، نامش در زمره شیعیان حضرت علی (علیه السلام) نوشته شده و سپس محضر مبارک امام مجتبی (علیه السلام) را درک کرد تا اینکه در رکاب قبله عاشقان؛ حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به شهادت رسید و نامش در زمره هفتاد و دو شهید کربلا، ثبت و در تاریخ جاودانه شد. بنابراین وی از جمله افرادی بود که چشم هایش به دیدار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و پنج امام معصوم (علیهم السلام) روشن شد (ابن داوود، 1392: 4).

درباره چرایی جدا بودن قبر حبیب از سایر شهدا، تحلیل ها و گزارش هایی نظیر این که قبیله بنی اسد، به پاس حرمت و شأن حبیب که رئیس قبیله ایشان بود، او را نزدیک سر مطهر امام حسین (علیه السلام) دفن کردند، بیان شده است؛ ولی مستند قابل اعتباری برای این تحلیل نیافتیم و شاید این توجیه، تنها به عنوان یک احتمال مطرح شده باشد. اکنون قبر پاک این فدایی پاک باخته با ضریح کوچک و زیبایی که دارد، در حرم مطهر حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و در سمت چپ در ورودی از سمت قبله قرار داد (قاندان، 1387: 122).

شاخصه های ولایت مداری در زندگانی حبیب بن مظاهر

اشاره

صرف محبت داشتن و ادعای ولایت و شیعه گری، نمی تواند مجوزی برای امتیاز نسبت به سایر افراد باشد؛ چرا که در میان افرادی که برای امام حسین (علیه السلام) نامه نوشتند و ادعای محبت کردند، فقط تعداد بسیار کمی مثل حبیب به گفته خود عمل نموده و جزو شهدا در رکاب آن حضرت قرار گرفتند. با دقت در سخنان اهل بیت (علیهم السلام) شاخصه هایی را ملاحظه می کنیم که علاوه بر محبت، باید به آنها مزین شد تا در ادعایمان صادق و از این امتیازات بهره مند باشیم. برخی از مهم ترین این شاخصه ها عبارتند از:

1. شناخت اهل بیت (علیهم السلام) و جایگاه آنها در آفرینش

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر اساس احادیث مشهور از قبیل حدیث متواتر ثقلین، بارها تا لحظات پایان عمر خود، امتشان را به شناخت اهل بیت (علیهم السلام) و محبت و اطاعت از ایشان

در کنار قرآن، سفارش فرموده اند. معصومان نیز در روایات بسیاری، معرفت امام معصوم را عامل سعادت دنیا و آخرت، جهل و نافرمانی به او را، عامل شقاوت و هلاکت ابدی، معرفی نموده اند. به عنوان نمونه در روایتی آورده شده که امام صادق (علیه السلام) به معلی بن خنیس می فرماید: «اگر بنده ای صد سال میان رکن و مقام خدا را بندگی کند، روزها را روزه بگیرد و شب ها را به تهجد و راز و نیاز بگذراند تا جایی که از شدت پیری، ابروانش روی چشمانش را بگیرد و استخوان های گردنش، در سینه اش فرو رود ولی نسبت به حق ما جاهل باشد و جایگاه ما را نشناسد، هرگز برای او پاداشی نخواهد بود» (مجلسی، 1403: 177/27). حبیب نیز که بزرگ شده این مکتب است، به این مهم توجه نموده و دنبال شناخت هرچه بیشتر مقام نورانیت اهل بیت (علیهم السلام) بوده است. بنا بر روایتی، وی از امام حسین (علیه السلام) پرسید که شما پیش از آفرینش آدم چه بودید؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «ما اشباهی از نور بودیم که دور عرش می چرخیدیم و فرشتگان را تسبیح و تحمید و تهلیل می آموختیم» (همان، 311/57).

2. محبت و عشق به معصومان (علیهم السلام)

محبت، یعنی رغبت و میل انسان به چیزی. اگر این میل باطنی و رغبت دل به چیزی شدید و قوی شود، آن را عشق می نامند (طریحی، 1375: 30/2). در روایتی رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «هیچ بنده ای ایمان ندارد، مگر اینکه من نزد او از خودش محبوب تر باشم و ذریه من پیش او از ذریه خودش محبوب تر باشد و اهل من، نزد او از اهل خودش محبوب تر بوده و ذات من، پیش او از ذات خودش محبوب تر باشد» (مجلسی، 1403: 86/27) بر اساس این حدیث، محبت اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باید در حدی باشد که نه تنها خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ بلکه فرزندان ایشان را بر خود و فرزندان خویش مقدم دانسته، دوستی آنها را بیش از دوستی هر کسی بداند و اگر هر اندازه از این حد پایین تر باشد، به همان اندازه در ایمان، نقص وجود خواهد داشت. به عبارت دیگر، درجات ایمان با درجات حب معصومان (علیهم السلام) سنجیده می شود. نقل شده است محبت اصحاب امام حسین (علیه السلام) و از جمله حبیب به قدری به آن حضرت زیاد بوده که حتی درد شمشیر، تیر و

نیزه را احساس نمی کرده اند (اسمعیلی، 1392: 392) و همین بس که وجود مبارک امام حسین (علیه السلام)، تعبیر عشاق را برای توصیف اصحاب خود، اختیار نموده است (مجلسی، 1403: 41/205).

3. تبعیت محض از اهل بیت (علیهم السلام)

در آیه مودّت، دوستی خویشاوندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مزد رسالت آن حضرت معرفی شده است (شوری/23). مودّت، نوع خاصی از محبّت است. محبتی که همراه با تبعیت از محبوب باشد و اثر آن در عمل محبّ ظاهر گردد (طباطبایی، 1417: 16/166). همچنین امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «از شیعیان ما نیست کسی که به زبان، شیعه بودن خود را اظهار کند؛ ولی در رفتار، مخالف ما و رفتار ما باشد. شیعه کسی است که با زبان و قلبش موافق ما باشد و از آثار ما پیروی کند و طبق رفتار ما رفتار نماید» (حرّ عاملی، 1409: 15/247). تبعیت از امام (علیه السلام) به سن و سال، جوان یا پیر بودن نیست. در زمان حضرت علی (علیه السلام) افرادی بودند که ولایت امام (علیه السلام) را بر خود لازم می دانستند، هرچند از نظر سن، اختلاف زیادی با آن حضرت داشتند؛ از جمله می توان به سلمان فارسی اشاره کرد که با وجود اینکه حدود 200 سال با امام (علیه السلام) اختلاف سنی داشت؛ اما مانند بردگان، در برابر حضرت خاضع و فروتن بود (طریحی، 1375: 6/91). حبیب نیز چندین سال از سیدالشهدا (علیه السلام) بزرگ تر بود؛ اما چنان در برابر آن حضرت خود را کوچک می دانست که گویا چندین سال از ایشان کوچک تر است و این همان شرط تبعیت از امام (علیه السلام) است که باید بی چون و چرا امر امام (علیه السلام) را اطاعت کرد.

4. یزازی از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)

در بیست سوره از قرآن، ماده براءت و مشتقات آن، سی بار ذکر شده است؛ قرآن براءت و تبرّی را بیشتر به معنای لغوی به کار برده است و اصل مشترک در آن مفارقت کردن از دشمنان خدا و خروج از عهد و پیمان مشرکان و کفار و منقطع شدن و گسستن از پیروان باطل است (مصطفوی، 1430: 1/259). در احادیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان شیعه (علیهم السلام) نیز بر اهمیت تبرّی تأکید شده و براءت را یکی از مهم ترین و استوارترین

همراهی حبیب با امام علی (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) در تمام جنگ ها و همچنین حرکت به موقع و شایسته وی در خارج شدن از کوفه و پیوستن به امام حسین (علیه السلام)، رجزخوانی او در روز عاشورا، سخنرانی او پیرامون حمایت از امام (علیه السلام) و انزجار از حکومت یزید، بهترین مصداق ابراز تبری و مخالفت وی با مخالفان اهل بیت (علیهم السلام) بوده است.

5. محور دانستن امامان (علیهم السلام) در زندگی

روایات اهل بیت (علیهم السلام) و ادعیه ای که از آن بزرگان به دست ما رسیده، بیانگر این است که حضور و وجود معصومان (علیهم السلام) به عنوان واسطه فیض الهی در عالم، در هر برهه ای از زمان، منبع نزول برکات الهی، واسطه روزی تمامی مخلوقات و موجب نگهداری و آرامش عالم هستی، بوده و می باشد (مجلسی، 1423: 423). طبق فرمایش حضرت امیر (علیه السلام) محوریت امام (علیه السلام) در زندگی، شبیه به محور سنگ آسیاب است که هرچند به ظاهر سنگ، گندم ها را آرد می کند؛ اما اگر محور میان آن سنگ، از بین رفته و برداشته شود، حتی یک دانه گندم نیز آرد نخواهد شد (مجلسی، 1403: 96/34). حبیب بن مظاهر با این روایات بهخوبی آشنا بوده و از همین جهت در تمام عمر خود، با گفتار و رفتار خود، همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) بوده است و این، نشانگر توجه عمیق او به ولایت مداری می باشد.

مصداق های ولایت مداری حبیب

اشاره

همراهی با ولایت و امامت در زندگانی او به چند برهه زمانی قابل تقسیم است که عبارتند از:

1. ولایت مداری با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

با توجه به اینکه برخی تاریخ نگاران، سال تولد حبیب را یک سال پیش از بعثت نوشته اند، سال هایی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه دعوت خویش را آغاز کرده اند، او کودکی بیش نبوده و زمانی که آن حضرت، حاکم مسلمانان بود و در مسند قدرت و حکومت قرار داشت، وی در ایام جوانی به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مشرف شد و توفیق آن را یافت که در شمار

صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار گیرد (ابن حجر عسقلانی، 1415: 142/2؛ سماوی، 1387: 102). این قول با برخی روایت های تاریخی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده، مناسب تر است؛ چرا که طبق آن نقل ها، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به حبیب، علاقه خاصی داشت، پیشانی اش را می بوسید و می فرمود: «من او را دوست دارم، زیرا فرزندم حسین (علیه السلام) را دوست دارد. و جبرئیل به من خبر داد که او از یاران فرزندم حسین (علیه السلام) در کربلا خواهد بود» (مجلسی، 1403: 242/44). برخی نیز، او را از تابعین به شمار آورده اند. مطابق این قول، وی بیشترین بهره معنوی را از امیر مومنان (علیه السلام) و امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) برده است که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد (خویی، 1390: 7/5).

2. ولایت مداری با امیر مومنان (علیه السلام)

پس از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و وقایع تلخی که برای امت مسلمان پیش آمد و بسیاری ولایت را تنها گذاشتند، حبیب از جمله کسانی بود که نه تنها در مسیر حق و ولایت علوی ثابت قدم و استوار ماند بلکه در شمار یاران خاص، حواریون و شاگردان ویژه مولای متقیان (علیه السلام) همانند میثم تمار و رشید هجری و جزو حاملان علوم حضرت علی (علیه السلام) قرار گرفت (سماوی، 1387: 101).

حبیب، از زمانی که امام علی (علیه السلام) کوفه را مرکز خلافت خویش قرار داد، به این شهر آمد و ساکن آنجا شد و در رکاب آن بزرگوار در همه نبردها حضور داشت. آموخته هایش از امیر مومنان (علیه السلام)، او را در علومی همچون فقه، تفسیر، قرائت، حدیث، ادبیات، جدل و مناظره، پیشتاز ساخته بود (همان، 102). وی در زمره گروه ویژه از اصحاب حضرت علی (علیه السلام) در شرطه خمیس بود و از اینجا می توان به میزان عشق، اخلاص، فداکاری و اطاعت محض او از مولایش پی برد، چرا که این یاران ویژه، گروه آماده و گوش به فرمانی بودند که در پی مأموریت های خاص اعزام می شدند و با امیر مومنان (علیه السلام) پیمان شهادت و اطاعت بسته بودند (طوسی، 1373: 60). حبیب، برای هرگونه فداکاری در راه مبارزه با ظلم و حمایت از حق، آمادگی داشت. وی حتی از سرانجام حیات خویش نیز آگاه بود و مولای متقیان (علیه السلام) او و میثم تمار را از پیش آمدهای آینده مطلع کرده بود (قمی، 1414: 26/2).

3. ولایت مداری با امام مجتبی (علیه السلام)

با شهادت حضرت علی (علیه السلام) در سال چهل هجری، امام مجتبی (علیه السلام) رهبر مسلمانان شد. اما با اتفاقاتی که پیش آمد و به امضای قرارداد صلح میان آنحضرت و معاویه انجامید، کم کم شرایط بر محبّان اهل بیت (علیهم السلام) سخت تر شد. در این دوران، حتّی عبيدالله بن عباس، فرمانده سپاه امام حسن (علیه السلام) به ایشان خیانت کرد، ولی حبیب از چهره های بارز شیعه در کوفه و از وفاداران خطّ امامت و در اطاعت امام مجتبی (علیه السلام) بود. دورانی که تبلیغات امویان بر ضدّ محبان اهل بیت (علیهم السلام) گسترده می شد و شیعیان در وضع خفقان باری به سر می بردند (القصیر، 1431: 49).

4. ولایت مداری با امام حسین (علیه السلام)

اشاره

محبت، بصیرت و بالتّبع ولایت مداری حبیب در زمان ها و مکان های مختلف بروز پیدا کرد، برخی از آنها عبارتند از:

1.4. نگارش نامه و دعوت از امام (علیه السلام)

پس از شهادت امام مجتبی (علیه السلام) و پس از مرگ معاویه، یزید بر تخت خلافت نشست. امام حسین (علیه السلام) از بیعت با یزید امتناع کرد و از مدینه به مکه هجرت نمود. در کوفه، شیعیان در منزل سلیمان بن صرد خزاعی جمع شدند و تصمیم گرفتند از آن حضرت، دعوت کنند تا به کوفه بیاید و با حمایت شیعیان آنجا، بر ضدّ امویان قیام کند. نخستین دعوت نامه ای که از کوفه به مکه ارسال شد، به امضای چهار نفر رسید که یکی از آنها حبیب بود (شیخ مفید، 1413: 37/2). این نامه در آن شرایط خفقان، روحیه ولایت مداری و حق محوری حبیب را نشان می دهد. چرا که او هم نامه نوشت و هم مثل کوفیان بی وفا، امام حسین (علیه السلام) را تنها نگذاشت.

2.4. همراهی با مسلم بن عقیل و جذب نیرو برای او

اهل کوفه، نامه های فراوانی برای امام حسین (علیه السلام) نوشتند. حضرت برای ارزیابی اوضاع کوفه، نماینده خود مسلم بن عقیل را به آنجا فرستاد. در جلسه ای که در حضور او تشکیل شد، ابتدا عابس شاکری، آمادگی خود را برای هرگونه ایثار و فداکاری در راه امام (علیه السلام) اعلام

نمود. پس از سخنان عابس، حبیب اولین نفری بود که سخنرانی کرد و با عزمی استوار چنین گفت: «رحمت خدا بر تو باد ای عابس! حرفت را شنیدم. آنچه در دل داشتی با کوتاه ترین و رساترین کلمات بر زبان آوردی. به خدای یگانه سوگند، ما هم بر همین عقیده ایم» (همان، 38). در مقام عمل نیز حبیب و مسلم بن عوسجه، از فعال ترین چهره های این حرکت انقلابی بودند که مخفیانه و دور از چشم مأموران حکومت، به نفع حضرت مسلم از مردم بیعت می گرفتند. با عوض شدن والی کوفه و آمدن ابن زیاد که سیاست سرکوب و زندانی کردن را پیش گرفته بود، افراد قبیله حبیب و مسلم بن عوسجه، آن دورا مخفی کردند تا از گزند عیب‌الله بن زیاد در امان بمانند و در هنگام لازم به جانب داری از حق و ولایت برخیزند (سماوی، 1387: 102).

3.4. دریافت نامه ای خصوصی از امام حسین (علیه السلام)

به نقلی، هنگامی که امام عاشقان اراده نمود از مکه به سمت کوفه، حرکت کند، نامه ای خصوصی به حبیب بن مظاهر نوشت. مضمون این نامه در برخی نقل ها، چنین است: «از حسین بن علی بن ابی طالب به دانشمند فقیه، حبیب بن مظاهر: اما بعد، ای حبیب! تو خویشاوندی و قرابت ما را به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می دانی و ما را بهتر از هر کس می شناسی. تو که صاحب اخلاق نیکو و غیرت می باشی، در فدا کردن جان در راه ما دریغ مکن تا جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پاداش آن را در قیامت به تو عطا کند» (القصیر، 1431: 74). این نامه، نشانگر اهمیت حبیب و عظمت صفات اخلاقی او، نزد امام عاشقان است.

4.4. لیبیک گفتن به نداء غربت امام (علیه السلام) و رساندن خود به کربلا

حبیب و مسلم بن عوسجه وقتی از بی وفایی کوفیان، و از نزدیک شدن کاروان حسینی به کوفه آگاه شدند، تصمیم گرفتند به امام (علیه السلام) بپیوندند و علی رغم اینکه کوفه تحت کنترل بود و ورود و خروج اشخاص زیر نظر حاکم ستمگر، ابن زیاد، قرار داشت اما این دو مرد شجاع و باوفا، روزها را مخفی می شدند و شب ها راه می پیمودند تا سرانجام در کربلا به محضر امام حسین (علیه السلام) رسیدند (سماوی، 1387: 102).

5.4. کوشش برای جذب نیرو برای امام (علیه السلام)

حبیب، هم خودش شیفته فداکاری در راه ولایت بود و هم می کوشید دیگران را به این

جبهه فلاح و رستگاری بکشاند. او در روز هفتم محرم با دیدن یاران اندک امام (علیه السلام) و سپاه فراوان دشمن، از آن حضرت اجازه خواست تا به سمت قبیله اش برود و آنان را به نصرت آن حضرت فرا خواند. امام (علیه السلام)، اجازه فرمود. او نزد قبیله خود رفت و غربت و محاصره امام (علیه السلام) و اهل بیت مظلومشان (علیهم السلام) را در کربلا به آنان خبر داد و از آنها خواست که به یاری حجت خدا و فرزند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بشتابند. قوم او اظهار هم بستگی کردند و هفتاد نفر آماده پیوستن به امام (علیه السلام) شدند. در مسیر حرکت، ابن زیاد از این تصمیم با خبر شد و پانصد سوار از نیروهای خود، به فرماندهی ازرق در پی آنان فرستاد تا مانع پیوستن ایشان به امام (علیه السلام) شوند. تلاش و مجاهدت حبیب و همراهانش به جایی نرسید و چون دیدند یارای مقابله با سواران کوفه را ندارند، شبانه به خانه های خود بازگشتند، اما حبیب دوباره نزد امام (علیه السلام) رفت و آنچه را پیش آمده بود گزارش داد. امام (علیه السلام) نیز فرمود: «هر چه خدا خواهد، همان خواهد شد. هیچ نیرو و قوتی نیست، مگر به قدرت خداوند» (طبری، بی تا: 416/5).

6.4. دفاع از ولایت در قالب موعظه دشمن

عصرتاسوعا، هنگامی که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) از دشمن مهلت گرفت تا فردا صبر کنند، حبیب به آنان چنین گفت: «به خدا سوگند، در قیامت نزد خدا، بد مردمی هستند که می خواهند اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و پیروان آنان را که زاهدان، پارسایان، شب زنده داران هستند به قتل برسانند» (همان، 415). روز عاشورا نیز زمانی که ابو ثمامه وقت نماز را به امام (علیه السلام) یادآوری نمود، حضرت در حق او دعای خیر کرد و فرمود: «به آنها بگویید از جنگ دست بردارند تا نماز بگذاریم». در این حال، یکی از افراد سپاه ابن سعد به نام حصین بن تمیم فریاد برآورد که نماز او (امام حسین (علیه السلام)) پذیرفته نخواهد بود. حبیب از این گفتار برآشفته و گفت: «گمان کردی که نماز از آل رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) قبول نمی شود، ولی از تو ای الاغ (یا شرابخوار) پذیرفته می شود؟» سپس حصین بر او حمله ور شد و حبیب نیز دست به شمشیر برد و با ضربه ای به صورت اسب او کوبید که اسب با شتاب به زمین خورد و بر روی او افتاد (طبری، بی تا: 439/5).

7.4. تقویت روحیه وفاداری به یاران امام (علیه السلام)

اوج ادب را در شب عاشورا مشاهده می کنیم؛ وقتی نافع بن هلال از گفت و گوی امام حسین (علیه السلام) با زینب کبری (علیها السلام) فهمید که آن بانوی شجاع از وفا و ماندگاری اصحاب، اطمینان ندارد، به سرعت خود را به حبیب رساند. او نیز سایر اصحاب را صدا زد و دسته جمعی به سوی خیمه حضرت زینب (علیها السلام) رفتند و حبیب به نمایندگی از یاران، چنین گفت: «سلام و درود بر شما ای سروران ما، ای خاندان رسالت! این شمشیرهای جوانان شماس است که سوگند خورده اند تیغ در نیام نبرند، مگر آن که بر گردن دشمنانتان فرود آورند و در سینه دشمنانتان بنشانند». امام (علیه السلام) از خیمه بیرون آمدند و از حبیب و همراهانش تشکر نمود و از خدا تقاضای پاداش نیک برای آنها درخواست کرد (دهدشتی بهبهانی، 1409: 274/4).

8.4. فرماندهی جناح چپ لشکر در روز عاشورا

صبح روز عاشورا هنگامی که امام حسین (علیه السلام) لشکر خود را آراست، سمت راست را به زهیر بن قین و جناح چپ را به حبیب بن مظاهر و قلب لشکر به را به برادرش قمر بنی هاشم سپرد. و این نشانگر این است که جناب حبیب، شجاع و معتمد امام حسین (علیه السلام) بوده است (طبری، بی تا: 422/5).

9.4. عدم پذیرفتن امان نامه

حبیب و دیگر اصحاب امام حسین (علیه السلام) از پذیرفتن امان نامه دشمن خودداری کردند و استدلالشان این بود «اگر حسین (علیه السلام) کشته شود، ما عذری نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نخواهیم داشت» (کشی، 1363: 293).

10.4. همراهی با امام (علیه السلام) در طول جنگ

یاران امام (علیه السلام)، یکایک به محضر حضرت می رسیدند و اجازه می گرفتند و سپس به میدان می رفتند و می جنگیدند و به شهادت می رسیدند. و امام (علیه السلام) هم گاه به بالین آنها می رفتند. به عنوان نمونه، هنگامی که مسلم بن عوسجه بر خاک افتاد، امام (علیه السلام) و حبیب خود را به بالین او رساندند. حبیب از مسلم خواست اگر توصیه ای دارد، بگوید. مسلم

گفت: تو را وصیت می‌کنم که همراه این مرد (امام حسین (علیه السلام)) باشی و تا جان داری در رکابش بجنگی و به شهادت برسی. حبیب گفت: به خدای کعبه سوگند که چنین خواهم کرد (طبری، بی تا: 435/5).

11.4. وداع با امام (علیه السلام)

وقتی حبیب از امام عاشقان (علیه السلام) اذن وداع خواست، حضرت فرمود: «تو یادگار جدّ و پدرم هستی و پیر شده ای، چگونه راضی شوم که به میدان روی!» حبیب، گریست و عرض کرد: «می‌خواهم در نزد جدّت روسفید باشم و پدر و برادرت مرا از یاری کنندگان خود به حساب آورند (اسماعیلی، 1392: 431).

12.4. رجز خواندن و شهادت در رکاب امام (علیه السلام)

صبح عاشورا، فرصتی بود که حبیب، این یار غیور امام حسین (علیه السلام)، عشق و اخلاص و وفای خود را نشان دهد. وقتی به میدان رفت، در دل سپاه دشمن شجاعانه می‌جنگید و این رجزها را می‌خواند: «من حبیب بن مظاهرم. آن گاه که آتش نبرد بر افروخته شود، یگه سوار میدان نبردم. شما اگر چه از نظر نفقات از ما بیشترید اما ما مقاوم تر و وفادارتریم، حجت و دلیل ما برتر و منطق ما آشکارتر است و ما از شما پروا پیشه تر و استوارتریم». سرانجام این فرمانده فداکار پس از هلاکت 62 نفر از سپاه دشمن، در حالی که موهای سفید صورتش از خون سرش رنگین بود، در سن 75 سالگی به فیض شهادت رسید (طبری، بی تا: 435/5).

13.4. ناراحتی شدید امام (علیه السلام) از شهادت «حبیب» و دعا برای او

چون حبیب به شهادت رسید، بر امام (علیه السلام) گران آمد و چهره مبارکش در هم شکسته شد، در حقیقت دعا کرد و فرمود: «خودم و یارانم را به حساب خدا می‌گذارم» (همان، 440). این، اوج شکوه و ولایت مداری حبیب است که نه تنها عاقبتش ختم به خیر شد بلکه در رکاب امام خود، به فیض شهادت رسید و آنقدر مقرب بود که شهادتش باعث در هم شکستگی چهره امام حسین (علیه السلام) شد.

تجلی فضایل اخلاقی در زندگانی حبیب بن مظاهر

اشاره

از مهم ترین جلوه های ولایت مداری، تجلی فضایل اخلاقی امام معصوم (علیه السلام) در سیره

فردی و اجتماعی محب و شیعه می باشد. بدین معنا که بتوانیم در تمام دوران حیات خود، امامان معصوم (علیهم السلام) را الگوی خود در زندگی قرار دهیم، اعمال و رفتارمان را مطابق با آنها تنظیم کرده و هر آنچه را احساس می کنیم رضایت اهل بیت (علیهم السلام) در آن نیست، از آن فاصله بگیریم. برخی از شاخصه های اخلاقی و رفتاری که در زندگانی حبیب بن مظاهر بیشتر جلوه گر و قابل الگوگیری است عبارتند از:

1. شجاعت

شیخ کشی در رجال (1363: 293) می نویسد: «حبیب از آن هفتاد نفر بود که امام حسین (علیه السلام) را یاری نمودند و کوه های آهن را ملاقات کردند (یعنی لشکر دشمن که غرق در آهن و فولاد بودند) و تیر و شمشیرها را به سینه و صورت خود استقبال می کردند، دشمن به آنها امان می داد و به اموال آزمند می نمود، لکن نه امان نامه آنها را قبول کردند و نه به اموال و وعده های ایشان رغبت نمودند».

2. بصیرت

یکی از القاب حبیب و سایر یاران امام حسین (علیه السلام) اهل البصائر است. داشتن بصیرت و آگاهی در هر زمان ضروری است؛ زیرا اگر دارای این ویژگی نباشیم، ای بسا در زمین دشمن بازی کنیم و همان حرف های دشمن را تکرار نماییم. در روز عاشورا، عمرو بن الحجاج از فرماندهان عمر بن سعد رو به لشکر خود کرد و درباره لشکر امام حسین (علیه السلام) گفت: «همانا شما با افرادی می جنگید که شیران زمان و دارای بصیرت هستند». عمر سعد هم سخن عمر بن الحجاج را تصدیق کرد و گفت: «راست گفتم، نظر ما همان نظر توست» (شمس الدین، 1401: 183).

3. علم و فقاہت

یکی از ویژگی های حبیب، آشنایی وی با احادیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) بود. طبق نقلی در نامه خصوصی امام حسین (علیه السلام) اینگونه مدح حبیب ذکر شده است: «از حسین بن علی بن ابی طالب به دانشمند فقیه، حبیب بن مظاهر: اما بعد، ای حبیب! تو خویشاوندی و قرابت ما را به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می دانی و ما را بهتر از هر کس می شناسی. تو

که صاحب اخلاق نیکو و غیرت می باشی، در فدا کردن جان در راه ما دریغ مکن تا جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پاداش آن را در قیامت به تو عطا کند» (القصیر، 1431: 74).

4. روایتگری احادیث اهل بیت (علیهم السلام)

روایات مختلفی در زمینه های ولایت و مباحث فقهی از قبیل طواف حج در کتاب های فقهی شیعه از حبیب بن مظاهر ذکر شده است و نشانگر این است که شخص ولایت مدار باید مسیر بزرگان و امامان خویش را با بیان احادیث و ترویج فرهنگشان حفظ نماید (حرعاملی، 1409: 13/379؛ مجلسی، 1403: 57/311).

5. آگاهی از علم لدنی و اخبار غیبی

علامه بر اینکه حبیب، فقیه و روایتگر احادیث اهل بیت (علیهم السلام) بود، به خاطر اخلاص و ارادت فراوان وی به حضرت علی (علیه السلام) از علم منایا و بلایا نیز برخوردار بود و می دانست که افراد مختلف، در چه زمانی و چگونه از این دنیا مفارقت می کنند. از فضل بن زبیر نقل شده که روزی میثم تمار سوار بر اسب خود، از راهی می گذشت. حبیب بن مظاهر سواره بر او گذشت و چنان نزدیک یکدیگر شدند که گردن اسب آنها بهم رسید. حبیب روی مبارک به میثم نمود و فرمود: مردی را می نگرم که در راه دوستی اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کنار خانه دارالرزقبر سر دار می کشند و شکم او را می شکافند (یعنی ای میثم با تو چنین خواهند کرد). میثم نیز که از علم منایا و بلایا برخوردار بود، فرمود: من نیز مردی را می بینم که برای یاری فرزند دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیرون می رود، او را می کشند و سر او را در کوفه می گردانند. راوی گفت: واللہ روزگاری نگذشت که دیدیم میثم را بر سر دار کشیدند و سر حبیب را در کوفه گردانیدند و آنچه خبر دادند همه واقع شد (کشی، 1363: 292).

6. پرهیزگاری و نیکوکاری

از اصحاب امام حسین (علیه السلام) با القابی نظیر «العُبادُ السَّاک» عبادت کنندگان» و «الانقیاء الابرار؛ پرهیزگاران و نیکوکاران» یاد شده است (سماوی، 1387: 9). یکی از مصادیق بارز پرهیزگاری، مراعات در کسب لقمه حلال است. امام حسین (علیه السلام) خطاب به لشکر عمر سعد فرمود: «شما از من سربچی می کنید و سخنان مرا نمی شنوید؛ زیرا

شکم های شما از حرام پر و بر دلهایتان مهر زده شده است». مهم ترین درسی که از این عبارت می توان گرفت این است که لقمه حرام در زندگی چه اثراتی دارد (مجلسی، 1403: 8/45).

7. قرائت و حفظ قرآن

نقل شده که حبیب علاوه بر آن که سیمایی جذاب داشت، از کمال معنوی هم برخوردار بود. از او به عنوان حافظ و قاری قرآن نام برده شده است (دریاب نجفی، 1379: 38). این خصلت نیک یعنی تلاوت و حفظ قرآن و تدبّر در معنای آن، در روایات امامان شیعه (علیهم السلام) بسیار مورد تأکید قرار گرفته است (مجلسی، 1403: 341/93).

8. سحرخیزی و نیایشگری

یکی دیگر از صفات رفتاری لشکریان امام حسین (علیه السلام) آن است که در وقت سحر، اهل نیایش و راز و نیاز با خدای متعال بوده اند. لذا حبیب در روز عاشورا خطاب به لشکر دشمن می گوید: «چه بد قومی اند آنان که ذریّه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و افرادی را که اهل نیایش در سحرگاهان هستند، می کشند» (اسماعیلی، 1392: 392). در احوال حبیب نوشته اند، وی شب ها پس از نماز عشاء تا صبح، قرآن را ختم می کرد. این نقل، گواه تهجد و شب زنده داری و الفت او با حضرت معبود بوده است (همان).

9. اخلاق نیک و غیرت

امام حسین (علیه السلام) در نامه خصوصی که برای حبیب نگاشته اند او را به صاحب اخلاق نیکو و غیرت توصیف کرده اند (القصیر، 1431: 74)، موید آن، نقلی است که حتی شب عاشورا، حبیب با یزید بن حُصّین از اصحاب امام (علیه السلام) مزاح می کرده است و وقتی او گفت: حالا چه وقت شوخی و خنده است؟ پاسخ داد که چه وقتی بهتر از اکنون سزاوار خنده و مزاح است. به خدا سوگند دیری نخواهد پایید که نیروهای دشمن با شمشیر به ما حمله خواهند کرد و ما در بهشت، حورالعین را در آغوش خواهیم گرفت. همچنین در وصف حالت حبیب در روز عاشورا، آورده اند که هرچه به لحظه شهادتش نزدیک می شد، چهره اش بشاش تر می گردید و با یارانش بیشتر مزاح می کرد، به گونه ای که اعجاب ایشان

10. همسرگزینی مناسب و تربیت صحیح فرزند

برخورد مناسب با همسر و فرزندان، و آموزش مسایل دینی و امام شناسی از جمله اعمالی است که پیشوایان دینی از ما خواسته و عدم مراعات آن رامؤاخذه کرده اند؛ درباره زندگی خانوادگی و فرزندان حبیب در تاریخ مطلب زیادی نوشته نشده است. آنچه برجای مانده، حکایتگر این است که یکی از افراد تأثیرگذار در زندگی او، همسرش بوده که مهم ترین نقش خود را در زندگی حبیب، در زمان قیام امام حسین (علیه السلام) ایفا کرده است. وقتی نامه امام (علیه السلام) به حبیب رسید، همسرش در کنار او بود و از متن نامه باخبر شد و حبیب را به یاری آن حضرت تشویق کرد و گفت: «ای حبیب! تو را به خدا در یاری امام (علیه السلام) کوتاهی نکن». حبیب او را تأیید کرد و گفت: «می روم تا محاسنم با خون گلویم رنگین شود» (حائری، 1389: 537). درباره فرزندش نیز نقل شده که قاسم، پسر نوجوان حبیب بود که تحت آموزش و تربیت اسلامی پدر بزرگوارش، در روز عاشورا در کربلا حضور داشت اما به شهادت نرسید. تا اینکه ماجرای شهادت او چند سال بعد به خاطر انتقام از قاتل پدرش رقم خورد (طبری، بی تا: 440/5).

11. زهد و بی رغبتی به دنیا

به جرأت می توان گفت حبیب از جمله افرادی است که حضرت علی (علیه السلام) درباره آنان فرموده است: «دنیا به آنان روی می آورد ولی آنها به دنیا پشت کرده و با بی رغبتی و بی اعتنایی از کنار آن می گذرند» (سید رضی، بی تا: خطبه همام). کسی که اهل دنیا باشد، نمی تواند امام (علیه السلام) را همراهی کند؛ این همان نکته ای است که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) در یکی از منزلگاه ها به آن اشاره کرد و فرمود «مردم بنده دنیا هستند و دین بازیچه ای است بر سر زبانشان، تا زمانی که معیشت شان فراهم باشد، دور آن می گردند و زمانی که دچار بلا می شوند، دینداران کم هستند» (مجلسی، 1403: 383/44). بنابراین کسی که مثل حبیب اهل دنیا و عبد دنیا نباشد، از همه تعلقات دنیا رهاست و زمانی که با حق مواجه شود، خود را شتابان به سمت آن می رساند و تا پای

جان، امام خود را همراهی می کند و به همین علت نیز هر چقدر به وی پیشنهاد امان و پول فراوان شد، پذیرفت و گفت: «ما نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عذری نداریم که زنده باشیم، و فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را مظلومانه به قتل برسانند» (کشی، 1363: 293).

نتیجه

حبیب بن مظاهر یکی از الگوهای شایسته در جامعه امروز است که از نظر ولایت مداری و فضایل اخلاقی، در اوج بزرگی قرار گرفته است. با دقت در زندگی او شاخصه هایی را در ولایت مداری ملاحظه می کنیم که علاوه بر محبت، باید به آنها مزین شد تا در ادعایمان صادق و از این امتیازات بهره مند باشیم. از مهم ترین این شاخصه ها؛ شناخت عظمت اهل بیت (علیهم السلام)، محبت و عشق همراه با تبعیت از آنها، بیزاری از دشمنان و محور دانستن امام معصوم (علیهم السلام) در زندگی است. برخی سال تولد حبیب را یک سال پیش از بعثت و بالتبع در شمار صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نوشته اند، برخی نیز او را از تابعین، به شمار آورده اند، مطابق این قول، وی بیشترین بهره معنوی را از امیرمؤمنان (علیه السلام) و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) برده است. آنچه حایز اهمیت است حبیب در طول زندگانی با اهل بیت عصمت و طهارت همراه بوده و هیچ گزارشی پیرامون انتقاد او یا سرپیچی از فرمایشات ائمه (علیهم السلام) اظهار ذکر نشده است. برخی از شاخصه های اخلاقی و رفتاری که در زندگانی حبیب بن مظاهر بیشتر جلوه گر و قابل الگوگیری است؛ شجاعت، بصیرت، فقاقت، پرهیزکاری، حفظ و قرائت قرآن، سحرخیزی، غیرت، همسرگزینی و تربیت صحیح فرزند و بی رغبتی به دنیا می باشد. به جهت اخلاص و ارادت فراوان حبیب به اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه حضرت علی (علیه السلام)، از علم منایا و بلایا برخوردار بود و می دانست که افراد مختلف، در چه زمانی و چگونه از این دنیا مفارقت می کنند.

- ابن داوود، حسن بن علي (1392ق)، رجال ابن داوود، نجف، المطبعة الحيدرية.
- ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (1415ق)، الاصابة في تمييز الصحابة، بيروت، دارالكتب العلمية.
- اسماعيلي يزدي، عباس (1392ش)، سحاب رحمت، انتشارات دليل ما.
- بستاني، فواد افرام (1375ش)، فرهنگ ابجدی، تهران، نشر اسلامي.
- حائري مازندراني، محمد مهدي (1389ش)، معالي السبطين، ترجمه رضا كوشاري، قم، وحدت بخش.
- حر عاملي، محمد بن حسن (1409ق)، وسائل الشيعة، قم، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام).
- خويي، سيد ابوالقاسم (1390ق)، معجم رجال الحديث، بي جا، مركز نشر الثقافة الاسلامية في العالم.
- درياب نجفي، باقر (1379)، «حبيب بن مظاهر اسدي اسوه قاريان»، فرهنگ كوثر، شماره 38.
- دهدشتي بهبهاني، محمد باقر، الدمعه الساكبه، بيروت، موسسه الاعلمي للمطبوعات.
- راغب اصفهاني (1412ق)، مفردات الفاظ قرآن، بيروت، دارالقلم.
- سماوي، محمد طاهر (1387ش)، ابصار العين، قم، انتشارات اسوه.
- شمس الدين، محمد مهدي (1401ق)، أنصار الحسين (عليه السلام)، بي جا، مؤسسة دار الكتاب الاسلامي.
- شيخ مفيد (1413ق)، الارشاد في معرفه حجج الله، قم، موسسه آل البيت (عليهم السلام).
- طباطبائي، سيد محمد حسين (1417ق)، الميزان في تفسير القرآن، بيروت، موسسه الاعلمي للمطبوعات.
- طبري، محمد بن جرير (بي تا)، تاريخ الامم و الملوك، بيروت، التراث العربي.
- طريحي، فخرالدين (1375ش)، مجمع البحرين، تهران، نشر مرتضوي.
- طوسي، محمد بن حسن (1373ش)، رجال الطوسي، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.

- _ طهرانى، سيد محمد حسين (1426ق)، امام شناسى، مشهد، انتشارات علامه طباطبايى.
- _ قائدان، اصغر (1387ش)، عتبات عاليات عراق، تهران، مشعر.
- _ القصير، على (1431ق)، حياة حبيب بن مظاهر الأسدى، كربلا، العتبة الحسينية المقدسة.
- _ قمى، عباس (1414ق)، سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، قم، انتشارت اسوه.
- _ كشى، محمد بن عمر (1363ش)، اختيار معرفة الرجال، قم، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام).
- _ كلينى، محمد بن يعقوب (1407ق)، الكافى، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
- _ مامقانى، عبدالله (1423ق)، تنقيح المقال فى علم الرجال، قم، نشر مامقانى.
- _ مجلسى، محمدباقر (1423ق)، زاد المعاد، بيروت، مؤسسه أعلمى.
- _ ----- (1403ق) بحار الانوار، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- مصطفوى، حسن (1430)، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، بيروت، دار الكتب العلمية.

دکتر محمد سالم محسنی (1)

تاریخ دریافت: 14/07/00 تاریخ پذیرش: 28/10/00

چکیده

حبیب بن مظاهر اسدی از یاران برجسته و تأثیرگذار امام حسین (علیه السلام) است که در کربلا به شهادت رسید. این تحقیق با روش توصیفی به بررسی چگونگی مبارزه و شهادت حبیب بن مظاهر پرداخته و به این نتیجه انجامیده است که حبیب پس از دگرگونی اوضاع کوفه و شهادت مسلم بن عقیل، خود را به کربلا رساند و در حمایت از امام حسین (علیه السلام) بسیار تلاش کرد. حبیب در هر صحنه برای حمایت از امام حسین (علیه السلام) اعلام آمادگی می کرد و در موقعیت های حساس در برابر لشکر دشمن به محاجه و موعظه می پرداخت و در نبرد با آنان پیشگام بود. حبیب به سبب تجربه زیادی که در امور جنگ داشت، از سوی امام حسین (علیه السلام) به عنوان فرمانده جناح چپ لشکر منصوب شد. حبیب در میدان نبرد بازجهای خود، صبر، مقاومت، فداکاری و شجاعت اصحاب سیدالشهدا (علیه السلام) و نیز کینه توزی و شرارت دشمن را بازگو می کرد.

ص: 47

حبيب سرانجام توسط افرادى از بنى تميم به شهادت رسيد. قاتلان حبيب سر آن بزرگوار را از بدن جدا کرده، به گردن اسب آویختند و در میان لشکر گردش دادند و سپس به کوفه نزد ابن زیاد بردند. شهادت حبيب بر امام حسين (عليه السلام) بسيار سخت و شکننده بود.

کلیدواژه ها: اصحاب سيدالشهدا (عليه السلام)، حبيب بن مظاهر، عاشورا، كربلا.

مقدمه

حبيب بن مظاهر اسدى يکى از اصحاب برجسته و شناخته شده سيدالشهدا (عليه السلام) است. وى در دعوت امام حسين (عليه السلام) به کوفه نقش مهمى داشت و پس از ورود مسلم بن عقيـل به کوفه جزو نخستين افرادى بود که با او بيعت کرد و در بيعت گرفتن از ديگران نيز بسيار تلاش نمود. حبيب بعد از شهادت مسلم و آمدن امام حسين (عليه السلام) به كربلا، مخفيانه از کوفه خارج شد و خود را به سپاه سيدالشهدا (عليه السلام) رساند و در روز عاشورا در كربلا به شهادت رسيد.

هدف اين پژوهش معرفى جاىگاه و نقش حبيب بن مظاهر در سپاه سيدالشهدا (عليه السلام) و چگونگى مبارزه و شهادت او در كربلا است. براى رسيدن به اين منظور نگارنده به مطالعه اسناد و منابع تاريخى معتبر و متقدم تا قرن هفتم هجرى پرداخته و با استفاده از روش توصيفى شخصيت حبيب را اجمالاً معرفى کرده و نقش وى را در سپاه سيدالشهدا (عليه السلام) و صحنه نبرد و شهادتش را به طور مستند گزارش کرده است.

معرفى شخصيت حبيب بن مظاهر

حبيب بن مظاهر⁽¹⁾ اسدى از بزرگان اصحاب سيدالشهدا (عليه السلام) بود. وى جزو اصحاب خاص امام على (عليه السلام) و امام حسن (عليه السلام) نيز به شمار مى رفت (طوسى، 1373: 60، 93، 100؛ مفيد، 1413 الف: 3، 7؛ برقى، 1342: 4، 7). البته برخى او را از جمله صحابى رسول

ص: 48

1- . در برخى منابع نام پدر حبيب به صورت مُظَهَّر و مُظَهَّر نيز ضبط شده است.

خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز یاد کرده اند (ر.ک. ابن حجر عسقلانی، 1415: 2/142؛ سماوی، 1377: 100).

گفتگوی حبیب بن مظاهر با میثم تمار و رُشدید هجری درباره رویدادهای آینده آنان که از «به دار رفتن میثم و گرداندن سر حبیب در کوفه و اهدای جایزه صد درهمی به آورنده آن خبر دادند» (کشی، 1409: 78-79)، حکایتگر کمالات معنوی آن بزرگواران است و بدین خاطر برخی، آنها را در شمار اصحاب سرّ امیرالمؤمنین قرار دادند (محمدی ری شهری، 1388: 6/232-233).

حبیب بن مظاهر جزو نخستین کسانی بود که به امام حسین (علیه السلام) نامه نوشت و آن حضرت را به کوفه دعوت کرد (بلاذری، 1417: 3/369؛ دینوری، 1373: 231؛ طبری، 1387: 5/352؛ مفید، 1413: 2/37). او بعد از ورود مسلم بن عقیل به کوفه با وی بیعت کرد و در بیعت گرفتن از دیگران نیز نقش مهمی ایفا کرد (طبری، 1387: 5/355؛ ابن اعثم، 1411: 5/34؛ خوارزمی، 1381: 1/286). وقتی مسلم وارد شهر کوفه شد، نامه امام حسین (علیه السلام) را در جمع شیعیان قرائت کرد؛ در این میان، حبیب بن مظاهر در کنار دیگر شیعیان و بزرگان کوفه مانند عابس بن ابی شیب شاکری و سعید بن عبدالله حنفی از جا برخاست و در حمایت از مسلم اعلام آمادگی کرد. حبیب و یارانش وعده دادند که تا آخرین رمق حیاتشان مسلم را همراهی کرده و در برابر دشمنان ایستادگی کنند (طبری، 1387: 5/355؛ ابن اعثم، 1411: 5/33-34؛ مفید، 1413: 2/41؛ خوارزمی، 1381: 1/286). حبیب پس از شهادت مسلم بن عقیل، خود را به کربلا رساند و به سپاه سیدالشهدا (علیه السلام) پیوست. به تعبیر برخی، حبیب از جمله هفتاد نفری بود که در راه یاری امام حسین (علیه السلام)، کوه هایی از آهن را پیش روی خود دیدند ولی با سینه و صورت به استقبال نیزه ها و شمشیرها رفتند (کشی، 1409: 79).

نقش حبیب در سپاه سیدالشهدا (علیه السلام)

حبیب بن مظاهر پیرمرد با تجربه و فردی تأثیرگذار بود؛ از این رو در سپاه سیدالشهدا (علیه السلام) نقش مهمی به وی واگذار شد. در صبح روز عاشورا وقتی امام حسین (علیه السلام) به آرایش نظامی سپاه پرداخت و نقش فرماندهان را تعیین می کرد، حبیب را فرمانده

جناح چپ لشکر (میسره) قرار داد و زُهریر بن قَین را فرمانده جناح راست (مِیمَنه) تعیین کرد و پرچم را به برادرش ابوالفضل العباس سپرد (بَلادُری، 1417: 3/395؛ دینوری، 1373: 256؛ طبری، 1387: 5/422؛ مفید، 1413ب: 2/95؛ خوارزمی، 1381: 6/2-7).

فعالیت های حبیب در حمایت از سیدالشهدا (علیه السلام)

حبیب بن مُظاہر در حمایت از امام حسین (علیه السلام) تا پای جان ایستادگی کرد. او در موقعیت های حساس در خط مقدم رویارویی با دشمن، حضور داشت. از مهم ترین فعالیت ها و فداکاری های او به موارد زیر می توان اشاره کرد:

1- دعوت از طایفه بنی اسد: روز ششم محرم که سپاه پرشمار عمر سعد به کربلا رسیدند و در مقابل سپاه اندک امام حسین (علیه السلام) قرار گرفتند، حبیب بن مُظاہر نزد آن حضرت رفت و پیشنهاد کرد که در این نزدیکی ها روستایی است که جمعی از قبیله بنی اسد در آنجا زندگی می کنند، اگر اجازه بدهید من بروم از آنها دعوت کنم تا شاید ما را یاری کنند و به وسیله آنان برخی مشکلات ما برطرف شود. امام (علیه السلام) فرمود: برو از آنان طلب یاری کن. حبیب بن مُظاہر در دل شب و به صورت ناشناس حرکت کرد و خود را به قوم بنی اسد رساند، وقتی بر آنها وارد شد، به همدیگر سلام کردند. آنان حبیب را می شناختند و می دانستند که از قبیله بنی اسد است؛ از این رو، پرسیدند ای پسر عمو چه کار داشتی و برای چه اینجا آمدی؟ حبیب اوضاع را برای آنان گزارش داد و گفت از شما برای یاری فرزند دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دعوت می کنم که اینجا آمده و در محاصره سپاه 22 هزار نفری عمر سعد قرار گرفته است. اگر در این امر دعوت من را بپذیرید، در دنیا و آخرت سربلند گشته و پاداش الهی نصیب شما خواهد شد. دعوت حبیب بن مُظاہر مورد پذیرش قرار گرفت. مردان قبیله بنی اسد آماده شدند و با حبیب به سوی امام حسین (علیه السلام) حرکت کردند؛ اما در این میان، فردی از آنجا جاسوسی کرده، خبر را به عمر سعد رساند. ابن سعد یکی از یارانش به نام اُزرق بن حارث صیداوی را با چهار هزار نفر فرستاد تا مانع پیوستن بنی اسد به لشکر حسین (علیه السلام) شوند. آنها بر کناره فرات راه را بر قوم بنی اسد گرفتند و به شدت وارد

جنگ شدند. حبیب فریاد زد: وای بر تو ای آزرَق! چه شده تو را؟ ما را واگذار! اما این تلاش به جایی نرسید. وقتی بنی اسد وضعیت را چنین دیدند، به سوی خانه هایشان برگشتند و حبیب نزد امام حسین (علیه السلام) بازگشت و ماجرا را گزارش داد، امام (علیه السلام) فرمود: هر چه خدا بخواهد همان خواهد شد. هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به قدرت خداوند بلندمرتبه و با عظمت (بلاذری، 1417: 3/388؛ ابن اعثم، 1411: 5/90-91؛ خوارزمی، 1381: 1/345).

2- موعظه حبیب در عصر تاسوعا: وقتی لشکر عمر بن سعد در عصر تاسوعا به سوی خیمه های سیدالشهدا (علیه السلام) حمله کردند، حبیب بن مظاهر یکی از کسانی بود که در کنار حضرت عباس و جمعی دیگر که حدود بیست نفر بودند، در برابر دشمن رفته، به گفتگو پرداخت. در این رویداد وقتی حضرت عباس از آنها پرسید که چه می خواهید؟ آنان گفتند: دستور امیر عبیدالله بن زیاد رسیده که بر شما حمله کنیم تا تحت فرمان او درآیید یا شما را تحت فرمان او درآوریم. عباس گفت: عجله نکنید تا نزد امام حسین (علیه السلام) برگردم و آنچه را گفتید به او گزارش دهم (طبری، 1387: 5/416-417؛ مفید، 1413: 2/89-91). حضرت عباس از آنجا به سوی خیمه امام حسین (علیه السلام) برگشت تا پیام آنها را برساند و از حضرت کسب تکلیف کند اما بقیه اصحاب در برابر دشمن ایستادند و آنان را موعظه می کردند. در این میان حبیب بن مظاهر به زُهریر بن قین گفت اگر تمایل داری با این قوم سخن بگو و اگر می خواهی من با آنان سخن بگویم؟ زُهریر گفت شما این پیشنهاد را مطرح کردید پس با آنان سخن بگویید. آن گاه حبیب خطاب به لشکر کوفه فرمود:

«أما والله لبئس القوم يقدمون غدا على الله عز وجل وعلى رسوله محمد وقد قتلوا ذريته وأهل بيته وعباد أهل هذا المصر المتهجدین بالأسحار والذاکرین الله کثیرا»؛

فردای قیامت بدترین قوم نزد خداوند کسانی هستند که فرزندان پیامبرشان و خاندان و اهل بیتش و بندگان عابد این شهر را که سحرگاهان به شب زنده داری می پردازند و بسیار ذکر خدا می گویند، کشته اند (بلاذری، 1417: 3/392؛ طبری، 1387: 5/416-417؛ ابن اعثم، 1411: 5/98؛ مفید، 1413: 2/95؛ خوارزمی، 1381: 1/353-354).

3- ایستادگی حبیب در برابر گستاخی شمر: امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا قبل از آغاز جنگ بر شتر سوار شد و در برابر لشکر دشمن به احتجاج پرداخت. وقتی امام (علیه السلام) آنان را نصیحت و موعظه می کرد و نسبت خود را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان می نمود، شمر صدا زد:

«هُوَ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ إِنْ كَانَ يَدْرِي مَا يَقُولُ!»؛

خدا را به زبان و حرف می پرستم اگر می دانستم که حسین چه می گوید.

حبیب در برابر شمر ندا داد:

«وَاللَّهِ إِنِّي لَأَرَاكَ تَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى سَبْعِينَ حَرْفًا، وَأَنَا أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقٌ مَا تَدْرِي مَا يَقُولُ، قَدْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِكَ»؛

به خدا قسم تو خدا را به هفتاد حرف عبادت می کنی یعنی هفتاد نوع شک و تردید در دل تو وجود دارد. من گواهی می دهم که تو راست می گویی که آنچه را حسین بیان می دارد، نمی فهمی؛ چون خداوند بر قلب تو مهر زده است (طبری، 1387: 5/425؛ مفید، 1413: 2/98).

4- آمادگی حبیب در برابر مبارزه طلبی دشمن: وقتی عمر سعد نخستین تیر را پرتاب کرد و سپس لشکریانش تیراندازی را شروع کردند، دو نفر از آنان به نام یَسار، غلام زیاد بن ابی سفیان و سالم، غلام عبیدالله بن زیاد به میدان نبردا آمده، مبارز طلبیدند و گفتند چه کسی حاضر است به جنگ ما بیاید؟ در اینجا حبیب بن مظاهر و بُریر بن خُضَیر اعلام آمادگی کرده و برخاستند تا در برابر آنها به مبارزه بپردازند؛ ولی امام حسین (علیه السلام) به آنان فرمود: شما فعلا بنشینید. بعد عبدالله بن عُمیر کلبی اجازه نبرد خواست و امام (علیه السلام) به وی اجازه داد تا در برابر آن دو نفر به جنگ برود. عبدالله بن عُمیر وقتی در مقابل آنها رفت، سالم و یَسار پرسیدند تو که هستی؟ عبدالله خود را معرفی کرد. آنان حضور حبیب را در میدان مطرح کرده و گفتند ما تو را نمی شناسیم باید زُهِیر بن قَین یا حبیب بن مظاهر به جنگ ما بیایند. عبدالله به یَسار گفت: پسر زن بدکاره حالا کارت به جایی رسیده که افراد خاصی را به مبارزه می طلبی! هرکسی به مصاف شما بیاید از شما بهتر است. آن گاه بر یَسار و سالم حمله کرد و آن دو را از پای درآورد (طبری، 1387: 5/429-430؛ مفید، 1413: 2/101؛ خوارزمی، 1381: 2/11).

5- حضور حبیب بر بالین مسلم بن عوسجه: وقتی مسلم بن عوسجه در میدان جنگ به زمین افتاده و نفس های آخر را می کشید، امام حسین (علیه السلام) به طرف او رفت و فرمود: ای مسلم پروردگارت تو را رحمت کند؛ آن گاه حضرت این آیه قرآن را خواند: «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب/ 23)؛ برخی از مؤمنان به عهد خود وفا کرده و برخی دیگر به انتظار نشسته اند و از عهد خویش دست برنداشته اند.

در این حال، حبیب بن مظاهر نزدیک آمد و به مسلم گفت: از دست رفتن تو برایم خیلی سخت است؛ اما مژده باد تو را به بهشت. مسلم با صدای ضعیفی گفت: خدا شما را به خیر بشارت دهد. حبیب گفت: می دانم که به زودی به شما می پیوندم و گرنه هرچه وصیت می کردی آن را به بهترین نحو انجام می دادم (طبری، 1387: 435-5/436؛ مفید، 1413ب: 103-2/104؛ خوارزمی، 1381: 18-2/19؛ ابن نمای حلی، 1406: 63؛ ابن طاووس، 1383: 144-146). مسلم گفت: من تو را چنین وصیت می کنم که تا پای جان از حسین (علیه السلام) حمایت کنی و در کنارش کشته شوی. حبیب نیز گفت: قسم به پروردگار کعبه که چنین خواهم کرد (طبری، 1387: 436/5؛ خوارزمی، 1381: 19/2).

6- ایستادگی حبیب در برابر حُصَین بن تمیم: ظهر عاشورا هنگامی که امام حسین (علیه السلام) و یارانش از برگزاری نماز سخن می گفتند، فردی از لشکر دشمن به نام حُصَین بن تمیم در برابر آنها گستاخی کرد و گفت: نماز شما قبول نمی شود. در این حال، حبیب بن مظاهر گفت: نماز خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قبول نشود، نماز شما قبول می شود؟! حُصَین بن تمیم به سوی لشکر امام (علیه السلام) حمله کرد و حبیب در مقابل او رفت و با شمشیر به صورت اسیش زد و حُصَین به زمین افتاد تا اینکه یارانش آمدند و او را نجات دادند (بلاذری، 1417: 402/3؛ طبری، 1387: 439/5؛ خوارزمی، 1381: 20/2).

رَجَز خوانی حبیب در میدان نبرد

حبیب بن مظاهر وقتی با دشمن مبارزه می کرد، در رَجَزهای خود از صبر، استقامت، ایمان و تقوای لشکر سیدالشهدا (علیه السلام) و نیز شرارت و کینه توزی لشکر دشمن سخن می گفت.

حبيب در ابتدا چنين رجز خواند:

أُقْسِمُ لَوْ كُنَّا لَكُمْ أَعْدَادًا *** أَوْ شَطْرَكُمْ وَلَيْتُمْ الْأَكْتَادَا

يَا شَرَّ قَوْمٍ حَسْبَا وَ آدَا *** وَيَا أَشَدَّ مَعْشَرَ عِنَادَا

به خدا سوگند اگر ما در عدد و شماره به اندازه شما يا به قدر نصف شما بوديم، همه رو به فرار آورده و به ما پشت می کردید، ای بدترین مردم از حیث حسب و قوت و ای جماعتی که کینه توزترین مردم هستید! (طبری، 1387: 5/439؛ خوارزمی، 1381: 2/22). حبيب سپس در رجز ديگر، خود را معرفی کرده و صبر و پايداری لشکر امام حسين (عليه السلام) را اين گونه توصيف کرد:

أَنَا حَبِيبٌ وَ أَيْ مُظَاهِرٌ *** فَارِسٌ هَيَجَاءَ وَ حَرْبٌ تُسَعَّرُ

أَنْتُمْ أَعْدَاءُ عُدَّةٍ وَ أَكْثَرُ *** وَ نَحْنُ أَوْفَى مِنْكُمْ وَ أَصْبَرُ

وَ نَحْنُ أَعْلَى حُجَّةً وَ أَظْهَرُ *** حَقًّا، وَ أَتَقَى مِنْكُمْ، وَ أَعْدَرُ

من حبيبم و پدرم مُظاهر است، تک سوار میدان نبردم هنگامی که جنگ شعله ور شود. شما اگرچه در عِدّه و عُدّه از ما افزون ترید ولی ما از شما با وفاتر و شکیباتریم. حجت ما برتر و حقانیت ما آشکارتر است و از شما با تقواتریم و دلیل بهتری داریم (بلاذری، 1417: 3/402؛ طبری، 1387: 5/439-440؛ ابن اعثم، 1411: 5/107؛ خوارزمی، 1381: 2/22؛ ابن شهر آشوب، بی تا: 4/103؛ ابن نمای حلی، 1406: 62).

شهادت حبيب بن مُظاهر

حبيب بن مُظاهر وقتی وارد عرصه نبرد شد، جنگ شدیدی کرد و طبق نقل ابن شهر آشوب (بی تا: 4/103)، 62 نفر از دشمن را کشت. حبيب سرانجام به دست چند نفر از بنی تمیم به شهادت رسید. درباره قاتل حبيب گزارش ها اندکی اختلاف دارند. بلاذری (1417: 3/402) شهادت حبيب را چنين گزارش کرده است:

فقاتل قتالا شديداً، و حمل على رجل من بني تميم يقال له بدیل بن صريم فضربه بالسيف على رأسه فقتله، و حمل عليه رجل من بني تميم آخر قطعنه فوق ثم ذهب ليقوم فضربه الحصين بن تميم بالسيف على رأسه فسقط، و نزل إليه التميمي فاحتز رأسه؛

حبيب بر شخصى به نام بُدیل بن صَـریم از بنى تمیم حمله کرد و او را کشت. در این هنگام مرد دیگری از بنى تمیم با نیزه بر حبيب زد و حبيب به زمین افتاد. حبيب خواست تا از جایش برخیزد که حُصین بن تمیم با شمشیر به سرش کوبید و حبيب بار دیگر به زمین افتاد. در این هنگام آن مرد تمیمی آمد سر حبيب را از بدن جدا کرد.

گزارش ابن اثیر در الکامل (1965: 70/4) نیز با روایت بلاذُری هماهنگ است اما در گزارش های دیگر، بُدیل بن صَـریم به عنوان قاتل یا شریک در قتل حبيب معرفی شده است (فُضیل بن زُبیر اسدى کوفى، 1406: 152). خوارزمی (1381: 22/2) نیز بنا بر یک قول، بُدیل بن صَـریم را قاتل او معرفی کرده است. از عبارت طبرى به دست مى آید که بُدیل بن صَـریم یکی از کسانی است که در قتل حبيب شرکت داشته است. طبرى (1387: 439/5-440) چگونگی شهادت حبيب را به نقل از ابومخنف، چنین گزارش کرده است:

و قاتل قتالا شديدا، فحمل عليه رجل من بنى تميم فضربه بالسيف على راسه فقتله -و كان يقال له: بدیل بن صريم من بنى عقفان- و حمل عليه آخر من بنى تميم قطعنه فوق، فذهب ليقوم، فضربه الحصين بن تميم على راسه بالسيف، فوق، و نزل اليه التميمي فاحتز راسه»؛

حبيب جنگ شدیدی کرد و سرانجام مردی از بنى تمیم به نام بُدیل بن صَـریم از طایفه عقفان به طرف او حمله کرده با شمشیر بر او زد و سپس فرد دیگری از بنى تمیم با نیزه ضربتی وارد کرد که حبيب بر اثر آن ضربت به زمین افتاد. در این حال، حبيب خواست از جایش برخیزد که حُصین بن تمیم با شمشیر بر سرش کوبید و او بار دیگر نقش زمین شد. در این هنگام آن مرد تمیمی رفت و سر حبيب را از بدن جدا کرد. عبارت بلاذُری و طبرى بسیار مشابه همدیگرند. به نظر مى رسد یکی از آنها تصحیف شده باشد با این توضیح که یا عبارت بلاذُری در اصل چنین بوده «حمل عليه رجل من تمیم» و یا عبارت طبرى چنین بوده که «حمل على رجل من تمیم». بقیه گزارش آنها کاملاً با یکدیگر تطابق دارند.

در نهایت، بین حُصین بن تمیم و آن مرد تمیمی که سر حبيب را از بدن جدا کرده

بود، منازعه و اختلاف پیش آمد. حُصَین بن تمیم به آن مرد تمیمی گفت: من در قتل حبیب با تو شریک هستم اما وی گفت: نه به خدا قسم تنها من او را کشتم. آن گاه حُصَین بن تمیم گفت: سر حبیب را به من بده که به گردن اسب خود آویزان کنم تا مردم مشاهده کنند و بدانند که من در قتل او مشارکت داشتم، سپس سر را بگیر و نزد عبیدالله بن زیاد ببر، چون من به عطایایی که او به خاطر این سر می دهد، نیاز ندارم. اما مرد تمیمی امتناع ورزید و سر را به وی نداد. در آخر افرادی از قوم آنان در این مسئله مصالحه کردند و سرانجام مرد تمیمی سر حبیب را به حُصَین بن تمیم سپرد و او سر را به گردن اسب خود آویخته، در میان لشکر گردش داد و پس از آن به مرد تمیمی بازگرداند. آن مرد تمیمی سر حبیب را به کوفه نزد ابن زیاد برد (طبری، 1387: 5/440؛ بلاذری، 1417: 3/402-403؛ ابن اثیر، 1965: 4/70-71).

تأثیرگذاری شهادت حبیب بر امام حسین (علیه السلام)

مرگ حبیب بن مُظَاهر بر امام حسین (علیه السلام) بسیار سخت تمام شد، چنان که گفته شده: «هَذَا ذَلِكَ حُسَيْنًا؛ شهادت حبیب، حسین را دَرهم شکست و ناتوان کرد»؛ از این رو امام (علیه السلام) هنگام شهادت وی فرمود: «عِنْدَ اللَّهِ أَحْتَسِبُ نَفْسِي وَ حُمَاةَ أَصْحَابِي؛ جان خود و یاران حمایتگرم را به حساب خدا می گذارم» (طبری، 1387: 5/440؛ خوارزمی، 1381: 2/22؛ ابن اثیر، 1965: 4/71؛ ابن کثیر، 1407: 8/183).

سر حبیب در کوفه

مرد تمیمی که سر حبیب بن مُظَاهر را از بدن جدا کرده بود، آن را به کوفه آورد. وقتی وارد کوفه شد سر را به گردن اسب خود آویزان کرده، به قصر ابن زیاد برد. اما قاسم پسر حبیب سر پدر را دید. او که نوجوانی بیش نبود، به دنبال مرد تمیمی می رفت و از وی جدا نمی شد، هر وقتی قاتل پدرش داخل قصر می رفت همراه او داخل می شد و هرگاه از قصر بیرون می آمد، او نیز همراهش خارج می شد. مرد تمیمی به او مشکوک شد و پرسید ای پسر چرا به دنبال من می آیی؟ قاسم گفت: چیزی نیست. اما آن شخص گفت: حتماً خبری هست، بگو چه شده است؟ آن گاه قاسم گفت: این سر که نزد تو است، سر پدر من

است، پس به من بده تا آن را دفن کنم. آن شخص گفت: پسرک! این زیاد اجازه دفن نمی دهد و من نیز می خواهم او در برابر این سر به من پاداش نیکو عطا کند. پسر حبیب گفت: لکن خداوند در قبال این کار به تو جز پاداش سوء، چیزی عطا نخواهد کرد. قاسم گریست و گفت: به خدا سوگند کسی را کشتی که بهتر از تو بود (طبری، 1387: 5/440؛ بلاذری، 1417: 3/403). پسر حبیب همچنان در پی فرصت بود که انتقام پدرش را بگیرد تا اینکه در زمام مُصعب زُبیری در باجُمیرا داخل عسکر او شد و قاتل پدرش را در خیمه وی با شمشیر کشت (طبری، 1387: 5/440؛ بلاذری، 1417: 3/403).

نتیجه

مطالعه و بررسی احوال یاران و اصحاب سیدالشهدا (علیه السلام) نشان می دهد که آنبزرگواران در حمایت از امام حسین (علیه السلام) نهایت ایثار و فداکاری را از خود نشان دادند. از جمله اصحاب برجسته و سرشناس امام حسین (علیه السلام) در کربلا حبیب بن مُظاهر اسدی بود. او از ابتدا در دعوت امام (علیه السلام) به کوفه و سپس در حمایت از مسلم بن عقیل نقش مهمی ایفا کرد اما پس از دگرگونی اوضاع کوفه و آمدن امام حسین (علیه السلام) به کربلا، حبیب نیز خود را مخفیانه به کربلا رساند و به سپاه سیدالشهدا (علیه السلام) پیوست. حبیب بن مُظاهر تا قبل از نبرد روز عاشورا برای تقویت سپاه امام حسین (علیه السلام) بسیار تلاش کرد. او به روستایی در نزدیکی کربلا که جمعی از طایفه بنی اسد در آنجا زندگی می کردند، رفت و برای یاری امام حسین (علیه السلام) از آنان دعوت نمود. حبیب در موقعیت های حساس در صف مقدم نبرد حاضر شده و دشمن را موعظه و گاهی در برابر آنان احتجاج می کرد. حبیب به خاطر تجربه، شجاعت و پایداری که داشت، امام حسین (علیه السلام) او را در روز عاشورا به عنوان فرمانده جناح چپ (میسره) لشکر منصوب کرد. پس از شروع جنگ، وقتی دو نفر از لشکر عمر سعد به نام یَسار و سالم به میدان نبرد آمده، مبارز طلبیدند، حبیب و بُریر نخستین افرادی بودند که اعلام آمادگی کرده و برای نبرد با آنان حاضر شدند اما امام حسین (علیه السلام) در مرحله اول به آن دو اجازه نداد و عبدالله بن عُمیر کلبی را به میدان فرستاد. حبیب با رَجزهای کوبنده به میدان نبرد رفت و جنگ شدیدی کرد و سرانجام توسط مردانی از

بنی تمیم به شهادت رسید. شهادت حبیب برای امام حسین (علیه السلام) بسیار سخت تمام شد چنانکه برخی گفتند این مصیبت، حسین (علیه السلام) را درهم شکست و ناتوان کرد. از سوی دیگر، کشتن حبیب برای دشمن نیز بسیار مهم تلقی می شد چنانکه حُصین بن تمیم و مرد دیگری از بنی تمیم که در قتل حبیب دخالت داشتند، درباره سر مطهر حبیب باهم منازعه کردند تا اینکه اختلاف و منازعه آنها با میانجی گری قومشان چنین مصالحه شد که نخست حُصین بن تمیم سر حبیب را در میان لشکر گردش دهد تا همه مشارکت وی را در قتل حبیب ببینند و سپس آن را به مرد تمیمی بسپارد تا به کوفه نزد ابن زیاد ببرد.

ص: 58

— قرآن كريم.

— ابن اثير جزري، عزالدین علی بن ابی الکرّم (1965م)، الكامل فی التاريخ، بیروت، دار صادر.

— ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (1411ق)، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء.

— ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (1415ق)، الإصابة فی تمييز الصحابة، بیروت، دار الکتب العلمیة.

— ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، المناقب (یا مناقب آل ابی طالب)، تصحیح هاشم رسولی و محمد حسین آشتیانی، قم، انتشارات علامه.

— ابن طاووس، سید علی بن موسی (1383ش)، لهوف (سوگنامه سالار شهیدان)، ترجمه علیرضا رجالی تهرانی، قم، انتشارات نبوغ.

— ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (1407ق)، البداية و النهایة، بیروت، دار الفکر.

— ابن نمای حلی، جعفر بن محمد (1406ق)، مثير الاحزان، قم، مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه و الشریف).

— برقی، احمد بن محمد بن خالد (1342ش)، رجال البرقی (الطبقات)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

— بلاذری، احمد بن یحیی (1417ق)، جمل من أنساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر.

— خوارزمی، موفق بن احمد اخطب خوارزم (1381ش)، مقتل الحسين، تحقیق— محمد سماوی، قم، انوار الهدی.

— دینوری، احمد بن داود (1373ش)، الأخبار الطوال، تصحیح جمال الدین شیال، تحقیق محمد عبدالمنعم عامر، قم، الشریف الرضی.

— سماوی، محمد (1377ش)، إِبصار العین فی أنصار الحسین، تحقیق محمد جعفر طبسی، قم، مرکز الدراسات الاسلامیة لممثلیة الولی الفقیه فی حرس الثورة الاسلامیة.

– طبری، محمد بن جریر (1387ق)، تاریخ الطبری (تاریخ الأمم والملوک)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.

– طوسی، محمد بن حسن (1373ش)، رجال الطوسی، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.

– فضیل بن زبیر اسدی کوفی (1406ق)، تسمية مَنْ قُتل مع الحسين، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه آل البيت(عليهم السلام).

– کشی، محمد بن عمر (1409ق)، رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، تلخیص محمد بن حسن طوسی، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

– محمدی ری شهری، محمد (1388ش)، دانشنامه امام حسین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، همکاران: سید محمود طباطبائی نژاد، سید روح الله سید طباطبائی، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.

– مفید، محمد بن نعمان (1413ق الف)، الإختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندي، قم، المؤتمر العالمی لالفية الشيخ المفید.

----- (1413ق ب)، الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، تحقیق مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم، المؤتمر العالمی لالفية الشيخ المفید.

دکتر محمدرضا شاهرودی (1) دکتر محمد فراهانی (2)

تاریخ دریافت: 14/06/00 تاریخ پذیرش: 28/09/00

چکیده

مطالعه بینامتنی شخصیت ها، یکی از اقسام پدیده نوظهور بینامتنیت است. در این مطالعه بسامد نام اشخاص در یک متن استخراج می شود تا از این طریق شناختی عمیق از نقش و جایگاه آن شخص در منظومه فکری نویسندگان و گویندگان متون به دست آید. حبیب بن مظاهر، امام حسین (علیه السلام) را یاری و خون عزیز خویش را برای نهضت الهی او نثار کرد. او به سبب جایگاه والا- نزد اهل بیت (علیهم السلام) از جهت قوت ایمان و تقوا، وسعت علم، مجاهدت، وثاقت، عبادت، شجاعت، سخاوت، عزت و نهایتاً شهادت، سهم بسزایی در سخنان امام حسین (علیه السلام) دارد که احصای آن راه گشای شناخت دقیق تر و عمیق تر از این صحابی

ص: 61

1- . دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه تهران. mhshahroodi@ut.ac.ir

2- . استادیار گروه معارف دانشکده شهید مطهری (نویسنده مسئول). Yasekabood.org@gmail.com

شریف اهل بیت (علیهم السلام) و به تبع آن معرفت صحیح نهضت حسینی خواهد بود. در پژوهش حاضر قصد آن است که بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر به همراه کشف رابطه بین متون حاضر و غایب، در سخنان اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در نهضت عاشورا بحث و بررسی شود تا نقش او در حماسه عاشورا با احصای تعبیر امام (علیه السلام) خطاب به ایشان تبیین شود.

کلیدواژه ها: امام حسین (علیه السلام)، بینامتنی شخصیت ها، حبیب بن مظاهر، سخنان امام حسین (علیه السلام)، عاشورا، کربلا.

1. مقدمه

با تمامی تأکید و اهتمام بزرگان دین نسبت به اعتصام توأمان به ثقلین (1) و گره خوردگی تکامل بشریت به تأسی از آنها، امت چنانکه باید به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تمسک نجستند و پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، با منع کتابت حدیث و سپس تهدید، ارباب و گاهی قتل راویان احادیث معصومین (علیهم السلام) توسط امویان، تلاش گسترده ای در محو آثار ائمه اهل بیت (علیهم السلام) صورت گرفت، تا جایی که از کسانی چون ابوهیریه که مدت کوتاهی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را درک کردند، در جوامع حدیثی قریب به 5374 حدیث نقل شد (2) (سیوطی، 1420: 379)؛ لکن از شخصیتی چون امام حسین (علیه السلام) در مجامع روایی، روایات زیادی دیده نمی شود. از آن حضرت در دوران ده ساله امامتشان هیچ حدیث فقهی که راویان از ایشان روایت کرده باشند، نقل نشده است

1- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «...إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا- كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَهْلُ بَيْتِي عِزَّتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَقَدْ بَلَغْتُ إِنَّكُمْ سَتَرِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَهْلِكُوا...» (کلینی، 1362: 1، 294؛ ...من در میان شما دو چیز به جا می گذارم، که اگر بدانها بگروید هرگز گمراه نشوید: کتاب خدا عز و جل و خاندانم، عترتم، ای مردم بشنوید، من محققاً تبلیغ کردم، شما فردای قیامت سر حوض بر من وارد می شوید و از شما از آنچه درباره ثقلین کردید باز پرسم که ثقلین کتاب خدا جل ذکره و خاندان منند، از آنها جلو نیفتید تا هلاک نشوید...

2- «روی خمسة آلاف و ثلاثمائة و أربعة و سبعين حديثا، اتفق الشيخان منها على ثلاثمائة و خمسة و عشرين. و انفرد البخاري بثلاثة و تسعين، و مسلم بمائة و تسعة و ثمانين» (سیوطی، 1420: 379).

(طباطبایی، 1387: 2، 248).⁽¹⁾ به گفته برخی از تاریخ نگاران، حبیب بن مظاهر، جزو تابعین و نسل دوم مسلمانان پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به شمار می رود و بزرگانی چون شیخ طوسی او را به عنوان صحابه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ذکر نکرده اند (امین، 1406: 4، 554).

1- (طباطبایی، 1387: 2، 248). با این حال اصحاب و فرزندان امام (علیه السلام)، خصوصا امام سجاد (علیه السلام)، سخنان آن حضرت را ثبت و روایت کردند. جایگاه ویژه حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) بین فرق و مذاهب، زمینه را برای گسترش احادیث ایشان در قالب خطبه ها، نامه ها، اشعار و مانند اینها فراهم ساخت و هم اکنون گنجینه گران بهایی از سخنان امام (علیه السلام) که صحیح ترین و دقیق ترین منبع شناخت روح مکتب حسینی، هویت قیام عاشورا و شخصیت های اثر گذار در این حماسه است و اصلاح گران بزرگ جوامع بشری بهره های فراوانی از آن برده اند؛ در اختیار ماست و با تحقیق، تدقیق و تطبیق این سخنان، می توان حوادث صدر اسلام را تبیین و تحلیل کرد و در عین حال هرگونه تحریف لفظی و معنوی از نهضت حسینی و واقعه عاشورا را زدود. در میان سخنان امام حسین (علیه السلام) ذکر نام شخصیت های مثبت و منفی حاضر در صحنه قیام به چشم می خورد که احصاء و بررسی این شخصیت ها، نقش آنها را در نهضت حسینی برای تحلیل دقیق تر حماسه عاشورا مشخص می کند. حبیب بن مظاهر، عالم منایا و بلایا، قرین میثم تمار و رشید هجری، فقیه و محدث صدوق، عارف و مخلص به ولایت اهل بیت (علیهم السلام)، حافظ قرآن، شخصیت اثرگذار در حماسه عاشورا، از صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

1-2. بینامتنیت

بینامتنیت (1) یا در هم تنیدگی متون، نظریه ابداعی ژولیا کریستوا (فرانسوی (2) در سال 1966 میلادی، حاصل رویکرد نقد متن محور است. برای این اصطلاح در زبان عربی، قریب به بیست عنوان ذکر شده که بین آنها عبارت تناسی بیش از تعبیر دیگر شهرت یافته است. اگرچه بینامتنیت به زعم برخی از صاحبزنان با اصطلاحاتی نظیر تضمین، اقتباس و تلمیح نوعی مترادف دارد (عزام، 1387: 2)، ولی به این جهت که اصطلاحاتی از این دست، ناظر بر روابط ظاهری میان متون به شکلی سنتی هستند و در آنها بخش پنهان این رابطه ها مورد تدقیق و تحقیق قرار نمی گیرد و در بینامتنیت کشف روابط گسترده و پنهان متون، تأثیر و تأثرها، اهداف و چرایی ها مورد اعتناست (شاهرخانی و دیگران، 1397: 4)؛ می توان اقتباس، تلمیح، تضمین و مانند اینها را از زیرمجموعه های بینامتنیت، دانست. طبق این نظریه، متون در تعامل با متون معاصر و ماقبل خود شکل پیدا می کنند، از این رو عنوان بینامتنیت، ناظر بر تداخل یا تکرار متون گذشته یا معاصر، با هدف انکشاف نشانه های متن، برای درک و فهم بهتر و عمیق تر، در متون آینده است. این اصطلاح ناظر بر توصیف متونی است که در نقل قول ها، استشهادها، تلمیحات، تضمین ها و نظایر اینها ربط و پیوندهای آشکار و یا پنهانی یافته اند. «بینامتنی در ساده ترین حالتش به این معناست که متنی از متون و افکار گذشته دیگران چه خودآگاه چه ناخودآگاه تضمین و اقتباس گردد؛ به گونه ای که این متون و اندیشه ها در متن اصلی ذوب شود و متنی جدید و کامل عرضه گردد» (خزعلی، 1430: 64).

2-2. روابط بینامتنی

اشاره

در بینامتنی روابط شکلی و معنایی بین متون بررسی می شود که در حوزه نقد متن از

ص: 64

1- Intertextuality.

2- . اگرچه غالباً ژولیا کریستوا (فرانسوی و بلغارستانی تبار) را مبدع نظریه بینامتنیت می دانند، لکن، از دیگر سردمداران این جریان، می توان به ریفاتر، دریدا، رولان بارت و ژرار ژنت اشاره کرد. ناگفته نماند بعضی باخنین روسی را مبدع بینامتنیت می دانند (امین مقدسی و دیگران، 1389: 13).

مباحث حساس و جدی به شمار می آید؛ چه اینکه به واسطه آن فهم صحیح متن صورت می گیرد. بر اساس تقسیم بندی محمد بنیس، ارکان اساسی بینامتنیت شامل متن پنهان، متن حاضر و مهمترین رکن، یعنی روابط بینامتنی است که به معنای احاله یا سرایت لفظ یا معنا، از متن غایب به متن حاضر است. این باز آفرینی به سه قاعده نفی جزئی، نفی متوازی و نفی کلی (مسبوق، 1392: 208) صورت می گیرد.

1-2-2. نفی جزئی

در این قاعده، جزئی از متن غایب (کلمه، عبارت یا جمله)، در متن حاضر باز آفرینی می شود، گویی متن حاضر دنباله متن پنهان، با کمترین تغییر است (میرزایی و واحدی، 1388: 306). در این رابطه که شکل آسان و سطحی روابط بینامتنی است، معمولاً لفظ و معنای متن حاضر با متن پنهان موافقت دارد.

2-2-2. نفی متوازی

این رابطه که از نفی جزئی برتر است و بر آمیختگی متن غایب با متن حاضر، بدون تغییر ذاتی، دلالت می کند (مسبوق، 1392: 208). در نفی متوازی از معنای متن پنهان دفاع و با دامنه معنایی بیشتر یا نوعی نوآوری در متن حاضر نمودار می شود.

3-2-2 نفی کلی

برترین رابطه در قواعد بینامتنیت، نفی کلی است که در آن، متن غایب در قالب متن حاضر دوباره سازی شده و در معنایی غیر از متن پنهان به کار می رود. چنانکه دستیابی و کشف لایه های عمیق این رابطه با تلاش فکری زیادی به دست می آید و برای درک صائب متن حاضر در آن، به بازخوانی متن پنهان نیاز است چه اینکه بدون فراخوانی متن پنهان، درک معنای متن حاضر بانقص مواجه می شود و ممکن است خواننده، متن حاضر را نارسا، ناگویا و حتی کم بها تلقی کند (میرزایی و واحدی، 1388: 306). رابطه بین سخنان امام حسین (علیه السلام) در این مقاله، با این سه معیار تبیین شده است.

3-2. حبیب بن مظاهر

1-3-2. نام، کنیه، لقب

در نام حبیب بین علمای خاصه و عامه سیره و تراجم، اختلافی وجود ندارد ولی در

نام پدر ایشان مظهر به علت سهو مصنفین، خطای نسخه نویسان یا تصحیف، اقوال مختلفی وجود دارد. کما اینکه در الکامل (ابن اثیر، 1385: 4، 59-70) و البداية و النهاية (ابن کثیر، 1407: 8، 179-183) او را به اسم حبيب بن مظهر و اخبار الطوال (دینوری، 1368: 256) و انساب (سمعی، 1382: 12، 325) با نام حبيب بن مظهر یاد کرده اند. اما قول مشهور درباره نام او همان حبيب بن مظهر است؛ چنانکه بزرگانی نظیر ابومخنف، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ طبرسی، ابن شهر آشوب، ابن نما حلی، سید ابن طاوس و دیگران نقل کرده اند. محمد سماوی و سید محسن امین کنیه حبيب بن مظهر را ابوالقاسم ثبت کرده اند (سماوی، 1377: 102؛ امین، 1406: 4، 553). اغلب مصنفین علوم حدیث، رجال، تراجم، تاریخ و انساب او را با لقب الأسدی یاد کرده اند؛ علاوه بر آن القابی چون عمید الأنصار، شیخ الأنصار و النجیب (القصیر، 1431: 33-34) نیز برای حبيب بن مظهر به کار رفته است.

2-3-2. زندگی نامه

حبيب بن مظهر در سرزمین نجد (1) به دنیا آمد و در کوفه اقامت گزید. او پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را درک کرد و از آن حضرت حدیث شنید و پس از آن ملازم امیرالمؤمنین (علیه السلام) و در ردیف بزرگانی چون میثم تمار، رشید هجری و عمرو بن حمق خزاعی از اصحاب سرّ و حاملان علوم آن حضرت شد تا جایی که در زمرة گروه ویژه «شرطة الخمیس» (القصیر، 1431: 49) قرار گرفت. سپس در دوره امامت امام حسن (علیه السلام) در خط ولایت و اطاعت از آن حضرت، به عنوان شخصیت بارز شیعه در کوفه به یاری و حمایت از ایشان پرداخت. در عصر امامت امام حسین (علیه السلام) و دهه آخر حکومت معاویه، شرایط اختناق و سرکوب را تحت ولایت آن حضرت صبورانه پشت سر گذاشت و پس از به خلافت رسیدن یزید، با نهضت حسینی همراه شد و جزو چهار نفری بود که نخستین دعوت نامه برای امام (علیه السلام) را از کوفه به مکه ارسال کردند (مفید، 1413: 2، 37). هنگامی که مسلم بن عقیل وارد کوفه

ص: 66

1- «نجد، سرزمین وسیعی است که در بالای آن، تهامه و یمن و در پایین آن عراق و شام واقع است» (حموی، 1995: 5، 262).

شد، حبیب به یاری مسلم بن عوسجه برای مسلم بن عقیل از مردم کوفه بیعت می گرفت. بعد از شهادت مسلم بن عقیل با دریافت نامه یاری خواهی امام حسین (علیه السلام) (موسوعه الامام الحسین (علیه السلام)، 1378: 2، 755)، مخفیانه خود را به کربلا- و کاروان حسینی رساند و در رکاب آن حضرت در سن 75 سالگی⁽¹⁾ (امین، 1406: 4، 554) به شهادت رسید.

3-3-2. وقایع دوران حیات

دورانی که حبیب بن مظاهر در آن عمر خویش را سپری کرد، از جمیعجهاات در تاریخ بشریت، شرایط ویژه ای دارد. اگرچه بسیاری از وقایع که در این ایام رخ داد به دلایل مختلف ثبت نشده است؛ لکن حبیب بن مظاهر حوادث مهمی را در دوران حیات خویش درک کرده است. ازجمله در دو سالگی بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ 14 سالگی، هجرت آن حضرت از مکه به مدینه؛ از 16-23 سالگی، غزوات پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ 24 سالگی، حجة الوداع ایشان؛ 25 سالگی، رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، نقض وصیت آن حضرت درباره خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و شهادت حضرت زهرا (علیها السلام)؛ 27 سالگی، استمرار نقض وصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، به خلافت رسیدن عمر بن خطاب و احراق مصاحف توسط او؛ 37 سالگی، ادامه نقض وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و خلافت عثمان بن عفان؛ 49 سالگی، بیعت امت اسلام با علی بن ابیطالب (علیه السلام) و انتقال عاصمه دولت اسلامی از مدینه منوره به کوفه؛ 50 سالگی، جنگ جمل؛ 51 سالگی، وقعه صفین؛ 53 سالگی، جنگ نهروان؛ 54 سالگی، شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امامت و خلافت امام حسن مجتبی (علیه السلام)؛ 55 سالگی، صلح و 64 سالگی شهادت آن حضرت؛ 74 سالگی، قیام امام حسین (علیه السلام)، شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و نهایتا در سن 75 سالگی شاهد واقعه کربلا و شهادت در رکاب اباعبدالله الحسین (علیه السلام) (ن.ک. القصیر، 1431: 57 - 59).

ص: 67

1- «فی مجالس المؤمنین. عن روضة الشهداء أنه قال: حبیب رجل ذو جمال و کمال و فی يوم وقعة کربلاء کان عمره 75 سنة» (امین، 1406: 4، 554).

با توجه به جلالت قدر حبيب بن مظاهر، نام ایشان به دو طریق در زیارت نامه ها ذکر شده است؛ گاه به همراه دیگر شهدای کربلا با الفاظ عام و گاهی با ذکر نام. تعداد زیادی از زیارت نامه ها با الفاظ عام از شهدای کربلا از جمله حبيب بن مظاهر یاد کرده اند؛ به نحوی که می توان گفت زیارت نامه هایخطاب به امام حسین (علیه السلام) نیست مگر اینکه به یاران آن حضرت با الفاظ عام سلام داده شده است. اما زیارت نامه هایی که ضمن آنها نام حبيب بن مظاهر آمده است عبارتند از: زیارت ناحیه مقدسه⁽¹⁾ و زیارت رجیة امام حسین (علیه السلام)⁽²⁾. در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: «السَّلام علی حبيب بن مظاهر الاسدی» (سید بن طاووس، 1377: 3، 78) و در زیارت رجیة این سلام با تفاوت در نام پدر حبيب بن مظاهر با عبارات «السَّلام علی حبيب بن مُظَهَّر» و بدون ذکر لقب «الاسدی» آمده است (مجلسی، 1403: 98، 339-341). در زیارات مختلفی که نام انصار ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) و به ویژه حبيب بن مظاهر، ذکر شده، عباراتی آمده است که منزلت و مقام آنان را آشکار نموده و پاداش بکاء بر ایشان را مراتب بالای رضوان الهی و نجات از عذاب دوزخ دانسته است.

5-3-2. حبيب بن مظاهر در بیان بزرگان

مصنفین علوم حدیث، رجال، تراجم، تاریخ و انساب سخنانی درباره حبيب بن مظاهر گفته اند که نشانگر علو مرتبه او نزد بزرگان علوم دین است. از جمله این تعابیر «مشکور» (حلی، 1381: 135)؛ «مخلصا شکورا» (بصری، 1422: 98)؛ «کان کثیرون

ص: 68

1- . این زیارت از زیارات منتسب به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه و الشریف) است که برای قرائت در روز عاشورا و دیگر روزها وارد شده است. در بین زیارات مربوط به امام حسین (علیه السلام) دو زیارت با عنوان «ناحیه مقدسه» وارد شده است. زیارتی که در آن نام شهدای کربلا ذکر شده است غیر مشهور و با عنوان «زیارت الشهداء» نیز شناخته می شود. در زیارت ناحیه مقدسه مشهور، بعد از سلام بر پیغمبران سلف، اهل بیت (علیهم السلام)، سیدالشهدا (علیه السلام) و یارانشان؛ توصیف امام حسین (علیه السلام) و ذکر مصائب آن حضرت آمده است (ابن مهدی، 1419: 496).

2- . این زیارت که برای قرائت در اول ماه رجب و نیمه شعبان وارد شده است، شامل سلام هایی بر امام حسین (علیه السلام) و 87 تن از یاران ایشان است. زیارت دیگری با عنوان «زیارت رجیة» (قمی، بی تا: 136) وجود دارد که قرائت آن برای زیارت ائمة هدی (علیه السلام) در همه روزهای ماه رجب وارد شده است.

يختمون القرآن في كل يوم ختمه، منهم حبيب بن مظاهر الأسدي» (حائري، 1385: 2، 442)؛ «من خواص أصحاب أمير المؤمنين و الحسن و الحسين صلوات الله عليهم» (نمازی شاهرودی، 1414: 2، 302)؛ «الشجعان» (زرکلی، 1980: 2، 166)؛ «كان من أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام، و يظهر من الروایات أنه كان من خاصته، و حملة علومه»، «و كان حبيب صاحب لواء الحسين عليه السلام»؛ «كان جليل القدر، عظيم الشأن، قائدا، شجاعا، و كان من حفظة القرآن»؛ «هو سيد أصحاب الإمام الحسين عليه السلام، الذي كان لواؤهم بيده يوم كربلاء، و هو العالم العارف المتفاني في حب أهل بيت نبيه صلى الله عليه و آله و سلم» (القصير، 1431: 187-188) می باشد که جایگاه حبيب بن مظاهر را از نظر اخلاص، انس با قرآن و عترت، شجاعت و علو مرتبه علمی به انحاء و عبارات مختلف بیان کرده است.

3. بینامتنی شخصیت حبيب بن مظاهر در سخنان امام حسين (عليه السلام)

اشاره

مهم ترین بخش بینامتنی، روابط بین متون است که در مباحث قبل بیان شد با این حال بعضی از ناقدان به اعتبارها و سطوحی دیگر، اشکالی از بینامتنی مطرح نموده اند که غالبا به نحوه حضور متن پنهان در متن حاضر، ناظر است. در یکی از این تقسیم بندی ها به بینامتنی ذاتی یا داخلی، در مقابل بینامتنی خارجی⁽¹⁾، اشاره می شود که در آن متن پنهان و متن حاضر هر دو از آثار یکفرد است. بینامتنی ذاتی یا داخلی نیز شامل گونه های مختلف از جمله بینامتنی ساختاری⁽²⁾، بینامتنی مضمونی⁽³⁾ و بینامتنی

ص: 69

1- . انواع این سطح تقسیم بندی، که ناظر به نسبت و نحوه کوچ متن غایب به متن حاضر است، شامل: بینامتنی طبیعی (انتقال متن از روی عادت و عرف)، داخلی (بازآفرینی متن در آثار دیگر یک نویسنده)، خارجی (بینامتنی متن با متون دیگران)، آشکار (کوچ آشکارای متن غایب به متن حاضر) و ناخودآگاه (بهره مندی ناخودآگاه از متون دیگر در متن حاضر) است (میرزایی و واحدی، 1388: 307-308).

2- . در این نوع، جزئی از متن غایب (کلمه، عبارت یا جمله)، در متن حاضر بازآفرینی می شود (همان) که خود به دو قسم می باشد؛ در قسم اول کلمه یا عباراتی از متن غایب به همان شکل و معنا در متن حاضر به کار می رود و در قسم دوم این انتقال با تغییرات صرفی یا نحوی، همراه با تقدم و تأخر و یا زیادت و نقصان صورت می گیرد.

3- . در بینامتنی مضمونی، مشترکات مفهومی و مضامینی که با یکدیگر تعامل دارند، و رای حضور لفظی محسوس و صریح متن غایب، بحث و بررسی می شود (مسبوق، 1392: 218). در این قسم از بینامتنی، پردازش سخن به گونه ای است که پیوند مفهومی میان متن غایب و حاضر برای خواننده، قابل فهم است (شاهرخی و دیگران، 1397: 216) و مفاهیم در کالبد عبارات دیگری به کار می رود.

شخصیت‌ها است که تمامی این اقسام در سخنان امام حسین (علیه السلام) وجود دارد. این نوشتار ناظر به بینامتنی ذاتی یا داخلی شخصیت حبیب بن مظاهر در سخنان امام حسین (علیه السلام) است. در بینامتنی شخصیت‌ها مخاطب در اثنای سخن، به شخصیت‌های شناخته شده ارجاع داده می‌شود (شیخ الرئیس و خلیفه شوشتری، 1398: 150). در این قسم از بینامتنی، سخنان امام (علیه السلام) در مواضع و موقعیت‌های مختلف، پیرامون شخصیت‌های مثبت و منفی اثرگذار در شکل‌گیری نهضت عاشورا احصاء می‌شود و در نتیجه آن، می‌توان به نقش کلی این گونه شخصیت‌ها در سرنوشت ملت‌های مختلف در طول تاریخ دست یافت.

3-1. سخنان امام حسین (علیه السلام) درباره حبیب بن مظاهر

اشاره

در شناخت بینامتنی شخصیت‌ها، در سخنان امام حسین (علیه السلام) نام حبیب بن مظاهر، ظهور قابل‌اعتنایی دارد و گاهی امام (علیه السلام) در خطبه‌ها و خطابه‌هایشان در مواضع مختلف بعد از خروج از مکه به سمت کوفه و استقرار در کربلا از او سخن گفته، اقدامات او را مورد تأیید قرار داده و نهایتاً او را به صفاتی خاص توصیف نموده است، به نحوی که می‌توان او را از محبوب‌ترین اصحاب نزد آن حضرت به حساب آورد. در ادامه به ذکر سخنان امام حسین (علیه السلام) پیرامون حبیب بن مظاهر می‌پردازیم.

3-1-1. پرچم داری حبیب بن مظاهر

بنا بر نقل اغلب تاریخ‌نگاران متقدم و متأخر از جمله: طبری به نقل از ابو مخنف (1)، دینوری (2)، بلاذری (3) و ابن اثیر، (4) حبیب بن مظاهر را فرمانده و پرچم‌دار جناح چپ لشکر

ص: 70

- 1- «و عبأ الحسین أصحابه، و صلی بهم صلاة الغداة، و كان معه اثنان و ثلاثون فارسا و اربعون راجلا، فجعل زهير بن القين في ميمنة أصحابه، و حبیب بن مظاهر في میسرة أصحابه» (طبری، 1387: 5، 422).
- 2- «و عبأ الحسین (علیه السلام) أيضا أصحابه، و كانوا اثنین و ثلاثین فارسا و اربعین راجلا، فجعل زهير بن القين علی میمنته، و حبیب بن مظهر علی میسرته...» (دینوری، 1368: 256).
- 3- «و عبأ الحسین أصحابه (عند) صلاة الغداة و كان معه اثنان و ثلاثون فارسا و أربعون راجلا، فجعل زهير بن القين في میمنة أصحابه، و حبیب ابن مظهر في میسرة أصحابه» (بلاذری، 1394: 3، 187).
- 4- «و عبأ الحسین أصحابه و صلی بهم صلاة الغداة، و كان معه اثنان و ثلاثون فارسا، و أربعون راجلا، فجعل زهير بن القين في میمنة أصحابه، و حبیب بن مظهر في میسرته» (ابن اثیر، 1385: 4، 59).

اباعبدالله الحسين (عليه السلام) دانسته اند. در نقلی آمده است نزد امام (عليه السلام) دوازده پرچم قرار داشت که آن حضرت یک پرچم را به حضرت ابوالفضل العباس (عليه السلام) و ده پرچم دیگر را به رئیس گروه های مختلف از اصحاب دادند. یکی از یاران امام (عليه السلام) درخواست کرد که ایشان یک پرچم باقی مانده را به او بدهد. امام حسين (عليه السلام) به او فرمود: تو مرد خوبی هستی و لیکن این پرچم از آن شخصدیگری است. سپس فرمود: «اعني بذلك الرجل الفاخر، والعنصر الطاهر حبيب بن مظاهر» (قصیر، 1431: 83 به نقل از البلاذی: 88-89). در این سخن امام حسين (عليه السلام) به صاحب لواء بودن حبيب بن مظاهر در سپاه خویش اشاره فرموده و او را با تعبیری چون: «الرجل الفاخر» و «العنصر الطاهر» می ستایند و پس از الحاق حبيب به سپاه امام (عليه السلام) او را پرچم دار میسرۀ سپاه خویش قرار دادند. نام حبيب بن مظاهر در روایاتی که مربوط به پرچم داری ایشان است بدون تغییر ذاتی آمده است. از این رو رابطه بینامتنی این متون «نقی جزئی» است.

2-1-3. نامه امام حسين (عليه السلام) به حبيب بن مظاهر

یکی از نخستین متونی که نام حبيب بن مظاهر در آن ذکر شده است، نامه امام حسين (عليه السلام) در مسیر کوفه، پس از دریافت خبر شهادت مسلم بن عقیل است. در متن این نامه آمده است: ««من الحسين بن علي بن أبي طالب إلى الرجل الفقيه حبيب بن مظاهر... أما بعد، يا حبيب، فأنت تعلم قرابتنا من رسول الله صلى الله عليه وآله، وأنت أعرف بنا من غيرك وأنت ذو شيمه وغيرة، فلا تبخل علينا بنفسك يجازيك جدّي رسول الله صلى الله عليه وآله يوم القيامة» (موسوعة الامام الحسين (عليه السلام)، 1378: 15، 514). در این نامه، امام حسين (عليه السلام) حبيب بن مظاهر را با عنوان «مردی فقیه» یاد می کند که نشانگر جایگاه والای او نزد امام (عليه السلام) است. مضمون این نامه در قولی دیگر با عبارات زیر آمده است: «بسم الله الرحمن الرحيم من الحسين بن علي الى حبيب بن مظاهر الاسدي، اما بعد يا حبيب: فقد اتينا العراق، وقد بانت الخيانة من اهل الكوفة، كما خانوا بأبي، و

أخى من قبل، فإن كنت تريد السعادة الأبدية، والدولة السرمدية فبادر إلينا، واث لنصرتنا فى كربلاء» (القصير، 1431: 81 به نقل از البلاذى: 89). در این متن امام حسین (علیه السلام) به آشکار شدن خیانت مردم کوفه اشاره کرده و سعادت ابدی را در نصرت از نهضت خویش می دانند. در متن نامه اول، نتیجه نصرت امام (علیه السلام)، پاداش الهی و در متن نامه دوم، سعادت ابدی و دولت سرمدی دانسته شده است. در نتیجه، رابطه بینامتنی در این دو نامه، «نفی متوازی» است؛ چه اینکه متن غایب در متن حاضر، بدون تغییر ذاتی با دامنه معنایی بیشتر و الفاظ مصداقی تر بیان شده است و بهترین پاداش الهی همانا سعادت ابدی و حیات جاودانه انسان در رضوان الهی است.

3-1-3. استجازه استنصار از بنی اسد توسط حبیب بن مظاهر و پاسخ امام حسین (علیه السلام)

در ششم محرم که سپاهیان عمر سعد به سی هزار نفر رسید (مجلسی، 1389: 744)، حبیب بن مظاهر نزد امام حسین (علیه السلام) آمد و جهت یاری خواستن از تیره ای از قبیله بنی اسد، که در نزدیکی کربلا ساکن بودند، اجازه خواست. امام (علیه السلام) در جواب فرمودند: «قد أذنت لك يا حبيب» (ابن اعثم، 1411: 5، 90). حبیب بعد از دریافت اجازه از امام (علیه السلام)، توانست نود نفر از دلاوران این طایفه از بنی اسد را با خود همراه کند؛ ولی با خبرچینی یکی از منافقان آن قبیله، عمر سعد با خبر شد و با ارسال لشکری آنها را منهزم و پراکنده ساخت و نتوانستند به لشکریان امام حسین (علیه السلام) پیوندند (بلاذری، 1394: 3، 180). در این متن، فقط نام حبیب ذکر شده و نسبت به متون غایب که نام ایشان با ذکر پدرشان «مظاهر» آمده است، دارای اختلاف است. این میزان تفاوت، بیانگر وجود رابطه «نفی جزئی»، بین این متن با متون غایب در سخنان امام حسین (علیه السلام) پیرامون حبیب بن مظاهر است.

3-1-4. خطاب امام حسین (علیه السلام) به حبیب بن مظاهر در شب عاشورا

از حضرت زینب (علیها السلام) نقل شده است که امام حسین (علیه السلام) در شب عاشورا، پس از تجدید عهد با بنی هاشم، اصحاب خویش را مورد خطاب قرار داده و فرمودند: «أین حبیب بن مظاهر؟ أین زهیر؟ أین هلال؟ أین الأصحاب؟» پس از این ندا، یاران آن

حضرت، در حالیکه حبیب بن مظاهر لبیک گویان مقابل آنها بود، پیش آمدند و امام (علیه السلام) خطبه خواندند و طی آن بیعت خویش را از آنها برداشتند. پس از این خطبه، بنی هاشم و یاران آن حضرت هر یک به گونه ای ابراز وفاداری کردند و به تبع آن امام حسین (علیه السلام) جایگاه آنها را در بهشت نشان داده و برایشان دعا کردند (ن.ک. موسوعه الامام الحسین (علیه السلام)، 1378: 3، 178). در ابتدای این خطبه امام (علیه السلام) حبیب بن مظاهر را مورد خطاب قرار می دهند چه اینکه او سید الانصار است و در پاسخ به ندای آن حضرت نیز، حبیب است که از همه سبقت گرفته و می گوید: «لبیک یا ابا عبدالله». تنها اختلاف در روایاتی که امام حسین (علیه السلام) نام حبیب بن مظاهر را ذکر کرده اند، زیادت و یا نقصانی است که در ذکر نام او به نظر می آید؛ چه اینکه گاهی صرفاً ایشان با نام «حبیب» و غالباً با تعبیر «حبیب بن مظاهر» مورد خطاب قرار گرفته است. لذا رابطه بینامتنی این روایت با متون غایب رابطه «نفی جزئی» است؛ چرا که متن غایب با تغییری جزئی در متن حاضر ظهور و بروز پیدا کرده است.

5-1-3. اشاره امام حسین (علیه السلام) به سؤال حبیب بن مظاهر درباره امام سجاد (علیه السلام)

یکی از سخنان امام حسین (علیه السلام) که در آن نام حبیب بن مظاهر آمده است، نقلی است که آن حضرت از سؤال او و زهیر بن قین درباره امام زین العابدین (علیه السلام) سخن به میان آورده است. طبق این روایت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) می فرماید: «یسألنی زهیر بن قین و حبیب بن مظاهر، عن علی، فیقولان: «یا سیدنا، علی إلی ما یکون من حاله؟» فأقول مستعبراً: «لم یکن الله لیقطع نسلی من الدنیا، و کیف یصلون إلیه، و هو أبو ثمانية أئمة» (خصیبی، 1419: 205). با توجه بهمتن این روایت، حبیب بن مظاهر و زهیر بن قین از سرنوشت امام زین العابدین (علیه السلام) بعد از شهادت بنی هاشم و اصحاب، ابراز نگرانی می کنند و امام حسین (علیه السلام) در پاسخ به آنها به تعلق امر الهی به حفظ حضرت سجاد (علیه السلام) و ادامه سلسله جلیله امامت از نسل ایشان اشاره می فرماید. بنا بر آنچه در عنوان قبل بیان شد، رابطه بینامتنی این روایت با متون پنهان ماقبل خود رابطه «نفی جزئی» است و نام حبیب بن مظاهر، در متون غایب نسبت به این متن، غالباً بدون زیادت و نقصان و گاهی با زیادت، لقب الاسدی و در بعضی متون بدون ذکر نام پدر ایشان، آمده است.

وقتی حبيب بن مظاهر به شهادت رسید، امام حسين (علیه السلام) نزد او آمد و بنا بر نقل برخی از منابع تاریخی در چهره سیدالشهدا (علیه السلام) آثار انكسار پدید آمد (موسوعه الامام الحسين (علیه السلام)، 1378: 3، 593) و فرمود: «عند ذلك لله احتسب نفسی و حُمة أصحابی» (1) (طبری، 1387: 5، 440)، «لله دُرٌّ ك یا حبيب، لقد كنتَ فاضلاً تختم القرآن في ليلة واحدة» (قمی، 1379: 246). در این روایت، امام حسين (علیه السلام) به جهت اهتمام حبيب بن مظاهر در ختم هر شب قرآن، او را می ستاید و او را به عنوان شخصیتی فاضل، مورد خطاب قرار می دهد. در متن این دو روایت منقول، رابطه بینامتنی «نقی متوازی» مشاهده می شود؛ به این جهت که متن غایب در متن حاضر، با ذکر مصادیق دیگر در فضیلت حبيب بن مظاهر باز خوانی می شود و به جنبه حمایتگری او، که در متن غایب آمده است، فضیلت ختم قرآن هر شب حبيب بن مظاهر افزوده می شود. این سخنان امام (علیه السلام) در متون دیگر با تغییرات کمی از جهت الفاظ آمده است؛ مثلاً در مقتل مكرم (1426: 253) جمله «و استرجع كثيرا» آمده است و در ینابيع الموده (2)، تعبیر روایت با تقدم و تأخر ذکر شده است.

7-1-3. استنصار از حبيب بن مظاهر بعد از شهادت او توسط امام حسين (علیه السلام)

بعد از شهادت بنی هاشم و اصحاب، امام حسين (علیه السلام) یاران شهید خود را مورد خطاب قرار دادند. در ابتدای نام یاران، پس از فراخواندن مسلم بن عقیل و هانی بن عروه، نام حبيب بن مظاهر را ذکر کرده و فرمودند: «...یا حبيب بن مظاهر، و یا... اَيُّهَا الْكِرَامُ! وَادْفَعُوا عَنْ حَرَمِ الرَّسُولِ الطُّغَاةَ اللَّثَامَ، وَلَكِنْ صَدَّرَعَكُمْ وَاللَّهِ رَيْبُ الْمُؤْمِنِينَ... وَإِلَّا لَمَا كُنْتُمْ عَنْ دَعْوَتِي تَقْصُرُونَ... فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (3) (موسوعه الامام الحسين (علیه السلام)، 1378: 4، 276). در این خطابه، امام (علیه السلام) یاران شهید خود، به ویژه حبيب بن مظاهر را با تعبیر «ایها

ص: 74

1- «جان خود و حامیان اصحاب خود را نزد خدا می دانم».

2- «وقال الحسين: «يرحمك الله يا حبيب، لقد كنت تختم القرآن في ليلة واحدة وأنت فاضل» (قندوزی، 1422: 3، 71).

3- «...ای حبيب بن مظاهر... از حريم پیامبر خدا در برابر بیدادگران ددمنش، جانانه دفاع کنید. چه باید کرد که همه کشته شدید... وگرنه شما از دعوت من سر باز نمی زدید... پس همه ما از خداییم و همه به سوی او باز می گردیم».

الکرام» می ستاید و به ایثارگری و وفاداری آنها در دفاع از حرم اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می کند. این سخن امام (علیه السلام) در متون مختلف با اندکی تقدم، تأخر، زیادت، نقصان و یا تغییر ذکر شده است. در تمام این متون، با توجه به اینکه متن غایب در متن حاضر با کمترین تغییری باز آفرینی شده است و لفظ و معنا بین متون موافقت دارد، رابطه بینامتنی بین آنها «نفی جزئی» است.

نتیجه

یافته های این پژوهش نشان می دهد که:

— اقسام بینامتنیت در سخنان امام حسین (علیه السلام) مشتمل بر سه شکل ساختاری، مضمونی و شخصیت ها است که بین آنها بینامتنی شخصیت ها در شناخت دقیق تر و صحیح تر نهضت آن حضرت حائز اهمیت است.

— در بین شخصیت های اثرگذار در نهضت عاشورا بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر در سخنان امام حسین (علیه السلام) از بسامد قابل توجهی برخوردار است که نشانگر جایگاه ویژه او نزد امام (علیه السلام) و نهضت آن حضرت است.

— برجسته ترین رابطه بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر در سخنان امام حسین (علیه السلام)، بین متون حاضر و متون غایب، «نفی جزئی» است.

— با توجه به اقتضای ذاتی بینامتنی شخصیت ها، مصداقی از رابطه «نفی کلی» بین سخنان امام حسین (علیه السلام) در شخصیت حبیب بن مظاهر به دست نیامد.

— در سخنان امام حسین (علیه السلام) مصداقی که در موضوع بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر به دست آمد در روایات مربوط به: «پرچم داری حبیب بن مظاهر»، «نامه امام حسین (علیه السلام) به حبیب بن مظاهر»، «استجازه استنصار از بنی اسد توسط حبیب بن مظاهر و پاسخ امام حسین (علیه السلام)»، «خطاب امام حسین (علیه السلام) به حبیب بن مظاهر در شب عاشورا»، «اشاره امام حسین (علیه السلام) به سؤال حبیب بن مظاهر درباره امام سجاد (علیه السلام)»، «سخن امام حسین (علیه السلام) درباره حبیب بن مظاهر هنگام شهادت او» و «استنصار از حبیب بن مظاهر بعد از شهادت او توسط امام حسین (علیه السلام)» می باشد.

— قرآن کریم

— ابن اثیر، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی الکریم (1385ق)، الکامل، بیروت، دار صادر - دار بیروت.

— ابن اعثم، ابومحمد احمد (1411ق)، الفتوح، بیروت، دار الأضواء.

— ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (1407ق)، البداية و النهاية، بیروت، دارالفکر.

— ابن مشهدی، محمد بن جعفر (1419ق)، المزار الکبیر، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.

— امین مقدسی، ابوالحسن، حسن خلف و سعدالله همایونی (1389ش)، «روابط بینامتنی نهج البلاغه با آثار امین الريحانی»، تهران، پژوهشنامه نقد ادب عربی، سال دهم، شماره 18.

— امین، سید محسن (1406ق)، أعيان الشيعة، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.

— بصری، احمد بن عبدالرضا (1422ق)، فائق المقال فی الحديث و الرجال، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

— البلادی، حسن (1425ق)، عاشوراء و نساء الشيعة، قم، انتشارات انوار الهدی.

— بلاذری، احمد بن یحیی (1394ق)، أنساب الأشراف، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.

— حائری، محمد مهدی (1385ق)، شجرة طوبی، نجف، منشورات المطبعة الحيدرية و مطبعتها.

حلی، حسن بن یوسف (1381ش)، ترتیب خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.

— حموی، یاقوت بن عبدالله (1995م)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.

— خزعلی، انسیه (1430ق)، «التناص الديني فی الأدب اللبناني المعاصر» (شعر حرب

تموز نموذجا»، دراسات فى العلوم الانسانيه، السنه 16، العدد 4.

— خصيبى، الحسين بن حمدان (1419ق)، الهداية الكبرى، بيروت، مؤسسة البلاغ.

— دينورى، ابوحنيفه احمد بن داود (1368ش)، الأخبار الطوال، قم، منشورات الرضى.

— زركلى، خيرالدين (1980م)، الأعلام، بيروت، دار العلم الملائين.

— سماوى، محمد (1377ش)، إِبصار العين فى أنصار الحسين (عليه السلام)، قم، مركز الدراسات الإسلامية لممثلية الولي الفقيه فى حرس الثورة الإسلامية.

— سمعانى، ابوسعيد عبدالكريم بن محمد بن منصور التميمي (1382ق)، الأنساب، حيدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانية.

— سيد بن طاووس، على بن موسى (1377ق)، الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة فى السنة، قم، مكتب الإعلام الإسلامى، مركز النشر.

— سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر (1420 ق)، تدريب الراوى فى شرح تقريب النواوى، بيروت - لبنان، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

— شاهرخى، فرنگيس، اسماعيل صادقى و محمدرضا سنگرى (1397ش)، «بررسى انواع روابط بينامتنى اشعار احمد عزيزى و قرآن كريم»، فصلنامه علمى پژوهشى كاوش نامه، سال نوزدهم، شماره 36.

— شيخ الرئيس، على و محمد ابراهيم خليفه شوشترى (1398ش)، «بينامتنيت_ واژگاني و شخصيتى «رائيه» ابن عرندس با قرآن كريم»، فصلنامه علمى پژوهشى ادب عربى، سال دوازدهم، شماره 2.

— طباطبايى، سيد محمد حسين (1387ش)، مجموعه رسائل، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم.

— طبرى، محمد بن جرير (1387ق)، تاريخ الأمم و الملوك، بيروت، دار التراث.

— طوسى، ابوجعفر محمد بن حسن بن على الطوسى (1415ق) رجال الطوسى، قم، جامعه مدرسين.

— عزام، محمد (1387ش)، كتاب الكترونيكى النص الغائب، قم، موسسه فرهنگى و اطلاع رسانى تبيان.

- _____ _ القصير، علی (1431ق)، حیاة حبیب بن مظاهر الأسدی، كربلاء، قسم الشؤون الفكرية و الثقافية فی العتبة الحسینیة المقدسة.
- _____ _ قمی، عباس (1379ش)، نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم، قم، المكتبة الحیدریة.
- _____ _ (بی تا)، کلیات مفاتیح الجنان، قم، انتشارات اسوه.
- _____ _ قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (1422ق)، ینایع المودة لذوی القربی، قم، منظمة الاوقاف و الشؤون الخیریة، دار الأسوة للطباعة والنشر.
- _____ _ کلینی، محمد بن یعقوب (1362ش)، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه.
- _____ _ مجلسی، مولى محمد باقر بن محمد تقی (1389ش)، محن الابرار، تهران، آرام دل.
- _____ _ (1403ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- _____ _ مسبوق، سید مهدی (1392ش)، «روابط بینامتنی قرآن با خطبه های نهج البلاغه»، تهران، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال دهم، شماره 20.
- _____ _ مفید، محمد بن نعمان (1413ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
- _____ _ مقرر، عبدالرزاق (1426ق)، مقتل الحسین (علیه السلام)، بیروت، مؤسسة الخرسان للمطبوعات.
- _____ _ موسوعة الامام الحسین (علیه السلام) (1378ش)، گروهی از نویسندگان، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- _____ _ میرزایی، فرامرز و ماشاءالله واحدی (1388ش)، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، کرمان، دوفصلنامه نشر پژوهی ادب فارسی، سال شانزدهم، شماره 22.
- _____ _ نمازی شاهرودی، علی (1414ق)، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران، مطبعة حیدری.

سروده سعید العسلی

دکتر سید مهدی نوری کینقانی⁽¹⁾

تاریخ دریافت: 14/05/00 تاریخ پذیرش: 21/08/00

چکیده

در دیوان شعر عاشورایی، وصف یاران امام حسین (علیه السلام) گستره وسیعی را به خود اختصاص داده و چکامه های بسیاری در شعر پارسی و عربی به مدح، ثنا و توصیف این بزرگواران اختصاص دارد. یکی از این دلاورمردان، حبیب بن مظاهر است که وصف او در منظومه «حماسه کربلاء» جلوه ویژه ای یافته است. این منظومه سروده سعید العسلی (1348-1414ق)، شاعر معاصر لبنانی است که در بیش از 6000 بیت به سیره امام حسین (علیه السلام) و یارانش پرداخته و حماسه آفرینی امام (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) و اصحابش را به زیبایی ترسیم کرده است. در مقاله حاضر سیمای حبیب بن مظاهر در این حماسه سترگ واکاوی و تبیین شده است. شایان ذکر است که شاعر در هفت چکامه و با تعبیری ادبی و آمیخته با زیبایی های بلاغی و تصاویر شعری به مهمترین

ص: 79

اوصاف حبیب چون محبوبیت نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام)، زهد و پارسایی، بینش و بصیرت، شجاعت و فداکاری پرداخته است.

کلیدواژه ها: حبیب بن مظاهر، «حماسه کربلاء»، سعید العسلی، عاشورا.

1- مقدمه

اشاره

شعر و ادب عاشورایی همگام با خود نهضت عاشورا شکل گرفت و در طول این هزار و چند صد سال روز به روز بالیده و پر شورتر گشته است، همان گونه که نهضت حسینی هر روز جان های مشتاق را در سرتاسر عالم به سوی خود می کشاند و به قول اندیشمند مسیحی آنتوان بارا «هیچ حماسه انسانی، چه در گذشته و چه در حال، به اندازه حماسه شهادت طلبانه کربلا موجب همدردی و درس آموزی نشده است و این حماسه بزرگتر از آن بود که در معنای محدود لفظی بگنجد و برتر از آن بود که با معیارهای بشری سنجیده شود. انقلابی بود به مراتب بالاتر از یک حماسه» (بارا، 1381: 47). شاید نخستین بارقه های شعر عاشورایی همان رجزهایی باشد که امام حسین (علیه السلام)، ذریه و اصحاب ایشان در میدان شهادت بر زبان جاری ساختند تا در روزگاران بعد الهام گر مرثیه سازان و چکامه سرایان عاشورایی باشد.

عاشورا از حوادث مهمی است که تحول چشمگیری در ادبیات عرب به خصوص ادبیات و شعر مذهبی ایجاد کرد. این واقعه با تأثیر در جان های شیفته اهل بیت، ادبیات و شعر مذهبی را وارد مرحله جدیدی کرد و شاعران با قلم نافذ و کلام شیوای خود به دفاع از حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) و بیان مظلومیت آنان برخاستند (انصاری، 1392: 20). هر ورق از دیوان شعر عاشورایی به وصف و ستایش عاشقی دل سوخته از این شیدایان حسینی مزین گشته است؛ از ذریه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) یعنی وجود مبارک سید الشهداء (علیه السلام)، حضرت زینب کبری (علیها السلام)، علی اکبر (علیه السلام)، سقای آب و ادب گرفته تا اصحاب و یاران باوفای ایشان مانند زهیر بن قین، نافع بن هلال و... یاران امام حسین (علیه السلام) پارسایان و کاملانی دلیر بودند که در انسانیت و آزادگی گوی سبقت را از

همگان ربوده بودند. «اینان نخبه های جهان انسانیت بودند و بشریت باید به داشتن چنین فرزندانی افتخار کند. اینها از مظاهر فریبنده دنیا چشم پوشیدند و حجت خداوند و فرزند پیغمبر را یاری کردند و از هدف مقدس و انسانی وی حمایت نمودند» (هاشمی نژاد، 1386: 234).

یکی از این دلاورمردان ارجمند، حبیب بن مظاهر است؛ پیری شیدا که شاعران پارسی و عربی فراوان در مدح عظمت و وصف شجاعتش چامه ها و چکامه ها ساخته اند. «حبیب بن مظاهر از شهدای والا قدر کربلا و از طایفه بنی اسد، کوفی و از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. او در هر سه جنگ صفین، نهروان و جمل در رکاب امام علی (علیه السلام) شرکت داشت و از اصحاب خاص امیرالمؤمنین به شمار می رود. در نهضت مسلم بن عقیل در کوفه، وی از کسانی بود که برای بیعت با مسلم کوشش کرد. وی نزد امام حسین (علیه السلام) موقعیت والایی داشت و امام (علیه السلام) او را به عنوان فرمانده جناح چپ سپاه خویش تعیین کرد» (محدثی، 1387: 151، 152).

مقاله حاضر با استفاده از شیوه توصیفی _ تحلیلی به اوصاف این یار صدیق امام حسین (علیه السلام) در آینه شعر سعید العسلی، پرداخته است. سعید بن عبدالحسن بن محمد عسلی عاملی، ادیب و شاعر معاصر لبنانی، در بنت جبیل زاده و پرورش یافت. دیوان های شعری و آثار ادبی و علمی متعددی نظیر «مولد النور»، «أبوطالب کفیل الرسول» و کتاب هایی چون الفروسية العربية فی الجاهلیة و الإسلام از وی به یادگار مانده است (جبوری، 2003: 42/3). حماسه زیبای او در مورد امام حسین (علیه السلام) به نام «ملحمة کربلاء»، از شیوایی، استحکام و جاذبه خوبی، برخوردار است. «سعید العسلی این ملحمة را در سال 1985 میلادی در بیش از 6000 بیت سروده است. وی آنگونه که خود بیان می کند، رنج بسیاری را برای تنظیم ملحمة و هماهنگی کامل آن با حوادث تاریخی واقعه عاشورا متحمل گردیده است. هدف نویسنده به تصویر کشیدن زندگی امام حسین (علیه السلام) از لحظه ولادت تا شهادت با همه جزئیات آن است» (محمدزاده، 1383: 640/1).

در خصوص سیمای حبیب بن مظاهر در شعر فارسی و عربی و نیز در شعر سعید العسلی تاکنون پژوهشی انجام نشده است اما درباره سعید العسلی و منظومه «حماسه کربلاء» پژوهش‌هایی نظیر «بررسی ادبی و هنری ملحمه کربلاء اثر سعید العسلی»⁽¹⁾؛ «نگاهی به عناصر ادبی در منظومه حماسی کربلاء اثر سعید العسلی»⁽²⁾؛ کتاب امام حسین (علیه السلام) در شعر معاصر عربی⁽³⁾؛ «بررسی شعرقصی حسینی در ملحمه کربلا سعید العسلی»⁽⁴⁾؛ «تحلیل گونه‌های مختلف بینامتنی قرآن و میراث ادب عربی، در «حماسه کربلاء» سروده سعید العسلی»⁽⁵⁾، به انجام رسیده است.

2- سیمای حبیب در «حماسه کربلاء»

اشاره

سید العسلی در «حماسه کربلاء» شرح حال حبیب بن مظاهر را در هفت چکامه زیبا می‌آورد و به شیوه داستانی، مروری بر زندگی حبیب، فضایل، سیره و اخلاق او دارد. عناوین هریک از قصاید به ترتیب «حبیب فرزند مظاهر»، «پیوستن حبیب به حسین (علیه السلام)»، «حبیب و همسرش»، «حبیب و نشان»، «حبیب و بیرق»، «نماز خوف» و سرانجام «شهادت حبیب» است.

2-1. حبیب، محبوب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

در نخستین چکامه ای که سعید العسلی در معرفی حبیب و اوصافش می‌آورد، در تعبیری شاعرانه از زبان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌گوید که من حبیب را بسیار دوست می‌دارم و این عشق، عیب نیست و سپس از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) علت این عشق به حبیب را به زیبایی بیان می‌دارد:

ص: 82

1- . سید مهدی نوری کیزدقانی، پایان نامه ارشد دانشگاه تهران، 1386.

2- . عبدالحسین فقهی و سید مهدی نوری کیزدقانی، مجله ادب عربی دانشگاه تهران، 1391.

3- . اثر دکتر خزعلی که در ضمن بحث از ملاحم حسینی، به این ملحمه نیز پرداخته است.

4- . پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه، بی تا.

5- . سید مهدی نوری کیزدقانی، مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره 14، 1398.

ولذا كان النبي يُحبه *** و تَصَمَّمَهُ مِنْ جَانِحِيهِ رِحَابُ
 و يقول إن حبيبَ نَجَلٍ مَظَاهِرٍ *** أَحَبَّتَهُ وَ الْحُبُّ لَيْسَ يِعَابُ
 و لأنه يهوى الحسینَ أَحبه *** و علیه أعطف و الهوى غلابُ
 و یرد عن آل النبي بسيفه *** كيدَ الطغاة و عزمُهُ وثابُ
 و تسيل من أجل الحسین دماؤه *** فوق الرمال كأنه المیزا
 بُصدق لرسول فأن نجل مظاهر *** ورعٌ فقیهٌ طاهرٌ أوابُ(1)

(العسيلي، 1986: 361)

گفتنی است اشاره شاعر در اینجا به ماجرای است که در آن نقل می کنند: «روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با اصحابش در راهی می رفتند که دیدند کودکانی در حال بازی هستند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نزد کودکی نشست و میان دوچشمانش را بوسید و او را در آغوشش نشاند و بسیار بوسید. وقتی علت را جویا شدند حضرتش فرمود من دیدم این کودک با حسین بازی می کند و خاک زیر پای حسین را برمی دارد و بر چهره و چشم خود می مالد، پس من نیز او را دوست دارم چون فرزندم حسین را دوست دارد و جبرئیل مرا خبر داد که این کودک در روز عاشورا حسین را یاری خواهد کرد؛ آن طفل حبيب بن مظاهر بود» (موسوی زنجانی، 1402: 119).

1-2. محبوب سید الشهداء (علیه السلام)

حبيب بن مظاهر محبوبیتی خاص نزد سید الشهداء (علیه السلام) داشت. وی نمونه ای تمام و کمال و سرمشقی کم نظیر در شاگردی مدرسه اهل بیت (علیهم السلام) است. او جزو معدود کسانی است که با دعوت مکتوب و مستقیم امام (علیه السلام) به کربلا می رود. رابطه او با امام (علیه السلام) به خصوص در کربلا رابطه ای درنیافتنی و وصف نشدنی است (شجاعی، 1390 ب: 54).

ص: 83

1- . برای همین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) او را دوست می داشت و با آغوش باز پذیرای او بود و می فرمود: حبيب پسر مظاهر را دوست دارم و این عشق عیب نیست. زیرا او حسین را دوست دارد و نسبت به او مهربان است و عشق بر همه چیز غالب آید. او در آینده با شمشیرش و عزمی استوار کید دشمنان را از خاندان پیامبر دفع می کند. خونس به خاطر حسین چون ناودانی بر صحرای کربلا جاری می شود. آری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) راست گفت، به راستی که فرزند مظاهر فقیهی پاک و عابد است.

سعید العسلی در قسمت های مختلف حماسه اش به محبوبیت این یار باوفا نزد امام حسین (علیه السلام) اشاره دارد. در قصیده ای با عنوان «حبيب و الراية» صحنه ای را که امام (علیه السلام) در جمع یارانش منظر حبيب است به زیبایی ترسیم می کند. امام علم ها را میان یاران تقسیم کرده و تنها یک پرچم باقی مانده است که هرکس تمنا دارد این پرچم بدو رسد اما امام (علیه السلام) منتظر حبيب خویش است تا بیرق را بدو سپارد:

مكثَ الحسینُ بانتظار صدیقه *** والعینُ ترقبُ فدفداً وقفارا

من بعد ما عقدت علی أصحابها *** رایاتِ عزّ جاورت أقمارا

بقیا هنالك رایة ولحملها *** ولمجدها یتسابقون غیاری

قال الحسینُ لرایتی حمّالها *** وفؤاده لا یرهب الأقدارا(1)

(العسلی، 1986: 366)

تا این که حبيب از دور نمایان می شود و چون به مقابل امام (علیه السلام)، می رسد بوسه بر خاک می زند و زینب کبری (علیها السلام) از رسیدن او شادمان می شود:

و هوّی بُعیدَ وصوله فوق الثری *** مترجّلاً والدمعُ بلّ عذارا

والأرضُ قبّلها أُمّامَ إمامه *** من ثمّ صافحَ بعده الأنصارا

(همان)

علمت به أمّ المصائب زینب *** ورأت هنالك فرحةً و حوارا

قالت خذوا منی سلاماً عاطراً *** لحبيب یحمل روضةً معطارا(2)

(همان)

ص: 84

1- . حسین (علیه السلام) به انتظار دوستش درنگ کرد در حالی که چشم به صحراها داشت. این پس از آن بود که برای یاران خویش پرچم های عزتی را معین کرد که با ماه های آسمان پهلوی می زد. تنها یک پرچم ماند که غیورمردان برای حمل آن بر هم سبقت می گرفتند. حسین (علیه السلام) فرمود که این پرچم حامل خود را دارد در حالی که قلبش از سرنوشت بیمناک نبود.

2- . زن پس که به امام (علیه السلام) رسید از اسب پیاده شد و بر خاک افتاد و بر رخسارش اشک هویدا شد و در برابر امامش زمین را بوسید و سپس با یاران امام (علیه السلام) مصافحه کرد. ام المصائب حضرت زینب (علیها السلام) که از آمدن او مطلع گشت شادمان شد و گفت از جانب من سلامی عطرآگین و حامل بوستانی خوشبوی به حبيب برسانید.

صحنه ای که سعید العسلی در آن گریه اندوهبار سیدالشهداء (علیه السلام) بر حبیب را به تصویر می کشد، گواهی دیگر بر محبوبیت این پاکباز راه عشق دارد:

وبکی الحسین علی الحبيب بحسرة *** ودموعه قد بليت الأردانا(1)

(همان، 372)

به گواهی منابع حبیب چنان محبوب سید الشهداء (علیه السلام) بود که «کشته شدنش حسین (علیه السلام) را در هم شکست» (ابومخنف، 1380: 181).

3-2. علم و بصیرت

بی شک یکی از اوصاف مردان الهی علم و آگاهی است. آن هم علمی که به ایشان قدرت تشخیص و تمیز حق از باطل را می دهد. این علم ریشه در تقوا دارد که خداوند فرمود: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال/ 29) و هدیه ای است از جانب الهی که به خوبانی ارزانی می شود که قابلیت هدایت دارند: «ولیس العلم بکثرة التعلم إنما هو نور یقذفه الله فی قلب من یرید أن یرید» (مجلسی، 1403: 67/ 140).

حبیب بن مظاهر یکی از اولیاء الهی بود که دانشی از این گونه داشت. دانشی الهی که او را به مقام مولایش آگاه ساخته و مطیع امر ولی اعظم الهی گردانیده بود. مرحوم محدث قمی (1414: 26/ 2) می نویسد: «از روایات معلوم می شود که وی از اصحاب خاص امیر مؤمنان و حاملان علوم وی بود» و در منابع آمده است که حضرت امیر (علیه السلام) او را از علم منایا و بلایا آگاه ساخته بود (بیضون، 1427: 82/ 2) و جریانی هم که درباره گفتگوی حیرت انگیز میان او و میثم تمار نقل می کنند، از همین علم خاص خبر می دهد. در این گفتگو هریک از این دو بزرگوار از کیفیت شهادت دیگری در آینده خبر می دهد (نک. بحرانی، 1413: 334/ 17). العسلی (1986: 361) در شعرش به زیبایی به این دانش ربانی حبیب که توأم با پارسایی است و آن را از مولایش علی (علیه السلام) فرا گرفته اشاره می کند:

ص: 85

1- . حسین (علیه السلام) با حسرت بر حبیب گریست، چنان که اشک های حضرتش سرآستین ایشان را خیس کرد.

هو عالمٌ من أصفیاء المرتضى *** وله بذلك يشهدُ المحرابُ (1)

همچنان که فقاہت و دانش دینی او را یادآور می شود:

صدق الرسولُ فإنَّ نجلَ مَظاہر *** ورعٌ فقیہٌ طاهرٌ أوَّابُ

(همان)

وچه زیباست وقتی می بینیم که این «فقه» و بینش ژرف او در علم دین از زبان مبارک سید الشهداء (علیه السلام) در نامه به وی آشکار می شود آنجا که فرمود: «مِنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَى الرَّجُلِ الْفَقِيهِ حَبِيبِ بْنِ مُظَاهِرٍ» (احمدی میانجی، 1426: 146/3).

4-2. شجاعت

شجاعت از اوصاف مردان خدا است چرا که «آن که از خدا بترسد خداوند هراس از بندگانش را از دل او می زداید و از همه چیز ایمن است» (ری شهری، 1384: 3/15). یاران شیدای حسین بن علی (علیه السلام) مظهر شجاعت بودند. «شجاعت عاشوراییان ریشه در اعتقادشان داشت. آنان که به عشق شهادتمی جنگیدند از مرگ ترسی نداشتند تا در مقابله با دشمن سست شوند» (محدثی، 1384: 75). حبیب بن مظاهر نیز با آن که سنی از او گذشته بود و کهنسال بود اما در میدان نبرد بسیار شجاع ظاهر گشت و به قول شاعر پارسی:

چنان رزمی نمود آن پیر هشیار *** که بر نام آوران تنگ آمدی کار

(ابن طاووس، 1377: 68)

او در نبردهای پیشین در رکاب شهسوار عرب و اسدالله الغالب شمشیر زده بود. و جزو شرطة الخميس در سپاه علی (علیه السلام) بود (قرشی، 1413: 219/3) به قول یکی از نویسندگان «شمشیر حبیب آنچه در دست دارد نیست، شمشیر حبیب خاطره دلاوری های او در رکاب علی (علیه السلام) است. پیکر حبیب یک مثنوی رشادت صفین است. طنین گام های اسب حبیب، خاطره کشته های دشمن را برایش تداعی می کند» (شجاعی، 1390 الف: 60). العسلی (1986: 361)، حبیب را در میدان چناه شجاع می داند که دوست و

ص: 86

1- . او دانشمندی بود از یاران برگزیده امام علی (علیه السلام) که محراب بر این پاکی و دانش او گواهی می دهد.

دشمن گواه این رشادت اوست:

وله بمیدان الکفاح بسالة*** شهدت لها الأعداء والأصحاب(1)

در توصیف وی، حبیب در میدان چنان حمله می برد که گویا بر شمشیرش سیلی آتشین جاری است که چون آتشفشان فوران می کند:

و حبیب يختطف النفوس بصارم*** شقّ الرؤوس و مزّق الأبدانا

و كأن فوق السيف سيلاً قد همي*** ناراً فبات لهيبها برکانا(2)

(العسيلي، 1986: 371)

شاعر در تصویری حماسی و با جان بخشی به اشیاء و به اصطلاح دانشمندان بلاغت صنعت تشخیص، دلیری حبیب را چنان می داند که گویا شمشیرهای دشمنان از ضربات او در هراسند:

و هوت عليه سيوفهم و كأنها*** عند النزول تخاف منه طعانا(3)

(همان)

5-2. زهد و عبادت

حبیب بن مظاهر از پارسایان و عابدانی بود که طعم شیرین عبادت را با جان و دل چشیده بود. سعید العسيلي (1986: 361) او را زاهدی معرفی می کند که زهدش خردها را به تحیر و می دارد و هر شب کلام الله را ختم می کند:

جمّ المدارك زاهد متعبداً*** وبزهده تتحير الألباب

هو يختم القرآن كلّ عشيّة*** وختامه مسك وفيه ثواب(4)

اشارت العسيلي در ابیات بالا- به مطلبی است که در کتاب های تاریخی و سیره درباره حبیب آمده است که «حبیب مردی با کمال و جمال و پیر کهن سال بود. و قرآن

ص: 87

1- . او را در آوردگاه، شجاعتی است که دوست و دشمن بدان گوهی دهند.

2- . حبیب جان های دشمنان را می ستاند، با شمشیری که سرها را می شکافد و پیکرها را پاره می کند. گویا بر روی شمشیرش سیلی آتشناک جاری است که شعله اش چون آتشفشان است.

3- . شمشیرهای دشمن بر او فرود آمد و گویا این شمشیرها هنگام فرود از ضربات او در هراسند.

4- . دارنده تمام اوصاف کمال و پارسایی که خردها از زهد وی به شگفت می آید. او در هر شب قرآن را ختم می کند و پایانی خوش دارد با پاداشی سترگ.

مجید به تمام حفظ داشت هر شب ختم کلام الله کردی و بعد از ادای نماز خفتن تا دمیدن صبح قرآن را تمام کردی» (کاشفی، 1382: 380) و چه نیکوست ختم قرآنی که با معرفت امام (علیه السلام) همراه باشد همچنان که سید الشهداء (علیه السلام) «به پیروی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حاملان قرآن را، سرشناسان بهشتیان در رستخیز اعلام می کرد» (سیدی، 1394: 265).

6-2. شیدای امام (علیه السلام)

در تصویری که العسلی ارائه می دهد عشق و ارادت حبیب به مولایش حسین (علیه السلام) چنان است که وقتی نامه امام (علیه السلام) به حبیب می رسد او را شادمان می سازد، چون سرمه ای که توتیای دیدگان باشد:

ورد الکتاب فزاده استبشارا *** و علی الحروف بمقلتیه آغازا

وتلقفتها عینہ وکأنها *** کحل یعالج میلہ الأبصار(1)

(العسلی، 1986: 362)

به راستی که گویا با این نامه ثروتی عظیم بدو داده اند لذا آن را بر دیده می نهد و چون گلی عطرآگین می بوید:

کم ضمَّها بجفونه کم شمَّها *** شمَّاً و خال بأنَّها أزهارا(2)

(همان)

همین محبت و ارادت اوست که وقتی او را امان دادند و با زر وعده کردند تا دست از یاری حسین (علیه السلام) بکشد گفت: ما را نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چه عذری باشد که حسین (علیه السلام) کشته شود و ما نظاره گر باشیم و تیر و شمشیرها را با جان و دل پذیرفت (نک. کشی، 1363: 1/ 293).

7-2. یقین و صلابت ایمان

از جمله اوصاف حبیب بن مظاهر قدرت ایمان و یقین اوست. امری که باعث شد

ص: 88

1- . نامه حضرت که بدو رسید بر شادی اش افزود و با اشتیاق آن را خواند و بر چشم نهادش چنانکه گویا سرمه ای است که دوی دیدگان اوست.

2- . چقدر آن نامه را بر چشم هایش نهاد و با عشق بوید و آن را گلی تصور کرد.

حتی لحظه ای در حقانیت مولایش حسین شک نکند و با صلابت در برابر دشمنان دین بایستد. از جمله مواضعی که صلابت و قدرت ایمان حبیب را نشان می دهد پاسخی است که به حصین بن تمیم می دهد. «گفته اند: وقتی حسین (علیه السلام) برای ادای نماز ظهر از آنان مهلت خواست، حصین بن تمیم به آنحضرت گفت: نمازت پذیرفته نیست! حبیب در پاسخ او گفت: خیال کردی نماز خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پذیرفته نیست و از تو الاغ(1) پذیرفته است! حصین بر او حمله کرد و حبیب نیز بر او حمله ور شد، حبیب با شمشیر به صورت اسب حصین کوبید و اسب بر سر سم بلند شد و او بر زمین افتاد، یارانش حمله کرده و او را از چنگ حبیب نجات دادند» (سماوی، 1381: 132).

شاعر این صحنه را به زیبایی در حماسه خود به تصویر کشیده است و با هنر شاعرانه خود آن را پرورده است:

قال الخبيثُ وإنَّ صلاتكم *** طولَ الزمانِ تعانقُ البُطلانا

و عليه ردّ حبیبٍ نجلٍ مظاهر *** كالليث يهدر إن رأى الحملانا

يا ويل أمك إن آل محمد *** فيهم عرفنا الحق والفرقانا

وصلاتهم جبريل قد صلی بها *** خلف الرسول وسبّح الرحمانا

وزعمت أنك يا خبيث على الهدى *** وقد امتلأت بكيدهم أضغانا(2)

(العسيلي، 1986: 369)

سعید العسيلي از زبان حال حبیب، حصین را به سخره می گیرد و تشبیه او به حیواناتی چون بوزینه و الاغ را توهین به این حیوانات می داند، بلکه او را افعی شیطان صفت می خواند:

و لقد أهنتَ القردَ إن أشبهته *** وأهنتَ إن شبهتَ فيك أтана

ص: 89

1- . در برخی منابع به جای حمار، خَمَار (دائم الخمر) آمده است.

2- . آن خبیث گفت که نماز شما در طول روزگار باطل است. حبیب چون شیری که با دیدن آهوان غرش کند، به او پاسخ داد که وای بر تو! ما حق را در خاندان محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) یافتیم و ایشان معیار تشخیص حق از باطل هستند و خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و پس از او جبرئیل بر آنها درود فرستاده است؛ اما تو با دلی سرشار از کینه آنها گمان میبری که بر راه هدایت هستی؟

نتیجه

مقاله حاضر سیمای حبیب بن مظاهر، یار باوفای سید الشهداء (علیه السلام) را در منظومه «حماسه کربلاء» سروده سعید العسلی بررسی کرده است. در این خصوص شایان ذکر است که اشعار وی درباره حبیب، هم به لحاظ حجم و هم کیفیت پرداختن به موضوع قابل توجه و از دیگر شاعران متمایز است. العسلی هفت چکامه مجزا را به حبیب بن مظاهر اختصاص داده و سعی کرده جایگاه معنوی و فضایل این پیر میدان عشق را به زیبایی برای خوانندگان ترسیم کند. وی هم به اوصاف ظاهری حبیب چون پیکار شجاعانه در میدان و چالاکی و بی باکی اش اشاره می کند و هم فضایل روحی و معنوی ایشان را مانند زندگی پاک و سالم، بصیرت، زهد و تقوا، اطاعت محض از امام حسین (علیه السلام) و دفاع از حق و حقیقت را به تصویر می کشد. سیمای حبیب در منظومه «حماسه کربلاء»، سیمای پیرمردی شیدا و آگاه است که با علم و آگاهی، راه سعادت خود را برمی گزیند و مظاهر فریبنده جهان و مشغله های زندگی او را از یاری امامش باز نمی دارد؛ دل داده ای که در طول عمر پر برکت خود چنان سالم زیسته و از قیود ظاهری و باطنی دنیا رها شده که به محض فراخوان امامش ندای او را لبیک می گوید و خانواده نیز او را تشویق و یاری می کنند و لذا لحظه ای درنگ نمی کند تا سرانجام به لطف الهی خود را به مرادش می رساند و به سعادتابدی نائل می شود.

ص: 90

1- . اگر تو را به بوزینه مانند کنند اهانتی به آن حیوان است و نیز اگر به الاغ تشبیه شوی توهین به اوست! تو چون افعی هستی که در هر قسمت از بدنش شیطانی نهفته است.

- قرآن کریم.
- ابن طاووس، علی بن موسی (1377ش)، لهوف منظوم یا معارج المحبة، ترجمه علی حائری محلاتی، تصحیح عقیقی بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام.
- ابومخنف کوفی (1380)، نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، ترجمه جواد سلیمانی، قم، دانشگاه شهید محلاتی.
- احمدی میانجی، علی (1426ق)، مکاتیب الأئمة (علیهم السلام)، تصحیح مجتبی فرجی، قم، دار الحديث.
- انصاری، نرگس (1392ش)، حسین زبانی دیگر، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نور الله (1413ق)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، قم، مؤسسة الإمام المهدي (عجل الله تعالی فرجه و الشریف).
- بیضون، لیب (1427ق)، موسوعة كربلاء، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- جبوری، کامل سلمان، معجم الأدباء من العصر الجاهلی حتى سنة 2002 م، بیروت، دارالكتاب العمیه، 2003 م (دوره 6 جلدی).
- ری شهری، محمد (1384)، میزان الحکمة، قم، دار الحديث.
- سماوی، محمد بن طاهر (1381ش)، سلحشوران طف، ترجمه عباس جلالی، قم، زائر.
- سیدی، حسین (1394ش)، یک غنچه، صد زخم، نگاهی نوبه زندگی و شخصیت امام حسین (علیه السلام)، قم، معارف. — شجاعی، سید مهدی (1390ش - الف)، از دیار حبیب، تهران، نیستان.
- ————— (1390ش - ب)، مردان و رجزهایشان، تهران، کتاب نیستان.
- العسلی، سعید (1986م)، كربلاء، بیروت، دار الزهراء.
- قرشی، باقر شریف (1413ق)، حیاة الإمام الحسین (علیه السلام)، قم، مدرسه علمیه ایروانی.
- قمی، عباس (1414ق)، سفینه البحار، قم، اسوه.
- کاشفی سبزواری، ملا حسین (1382ش)، روضه الشهداء، قم، نوید اسلام.

_ کشی، محمد بن عمر (1363ش)، اختیار معرفة الرجال، تحقیق مهدی رجایی، قم، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام).

_ مجلسی، محمد باقر (1403ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

_ محدثی، جواد (1384ش)، پیام های عاشورا، قم، زمزم هدایت.

_ محدثی، جواد (1387ش)، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف.

_ محمدزاده، مرضیه (1383ش)، دانشنامه شعر عاشورایی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.

_ موسوی زنجانی، ابراهیم (1402ق)، وسیلة الدارين فی أنصار الحسين (عليه السلام)، بیروت، مؤسسة الأعلمی.

_ هاشمی نژاد، عبدالکریم (1386ش)، درسی که حسین (عليه السلام) به انسان ها آموخت، تهران، نشر شاهد.

بارا، آنتوان (1381ش)، امام حسین (عليه السلام) در اندیشه مسیحیت، ترجمه فرامرز میرزایی و علی باقر طاهری نیا، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.

مریم رضایی سرشت (1) دکتر مهدی نور محمدی (2)

تاریخ دریافت: 24/07/00 تاریخ پذیرش: 22/11/00

چکیده

درباره زندگی امامان در گزارش های تاریخچه‌ی حدیثی اختلاف وجود دارد. این اختلاف اقوال گاه موجب حتک حرمت می شود و گاه این مسئله دستاویز غرض ورزان قرار می گیرد. از این روست ضروری است تا در استفاده از اخبار دقت علمی لحاظ شود. شیرخوارگی امام حسین (علیه السلام) از جمله اخباری است که در منابع تاریخی - حدیثی شیعه و سنی با اختلاف نقل شده است. چگونگی شیرخوارگی امام حسین (علیه السلام)، پرسش اصلی نگارنده است. این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی با جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای به مطالعه گزارش های تاریخی - حدیثی پرداخته و در نظر دارد، نقل های ناهمگون و نادرست کنار گذاشته شوند تا در صورت اعتبار از نظر سند و محتوا، آن اقوال

ص: 93

1- . کارشناسی ارشد تاریخ تشیع و فارغ التحصیل سطح سه درگرایش تاریخ اسلام. m.rezaeiseresht@yahoo.com

2- . دکتری تاریخ تشیع اثنی عشری. M.noormohammadi1351@gmail.com

مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین با فرض تردید این اخبار نمی توان منکر این واقعیت شد. به نظر می رسد با وجود اختلاف سنی اندک بین حسنین (علیهما السلام) احتمال دارد که امام (علیه السلام) در دوران بیماری مادر با اعجاز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تغذیه و بعد از بهبودی، مجدد توسط مادر تغذیه شده اند. همچنین زنانی در منسب دایگی به دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کمک می کردند.

کلیدواژه ها: امام حسین (علیه السلام)، حضرت فاطمه (علیها السلام)، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، شیر خواری.

مقدمه

یکی از مشکلات اساسی در حوزه گزارش های تاریخی - حدیثی مسئله صحت و اعتبار گزاره ها است. فرایند نقد، از مسائل مهم پژوهش های تاریخی است و نزد پژوهشگران و محققان اهمیت بسزایی دارد؛ چرا که سبب اصلاح اطلاعات می شود. لذا بدین وسیله گزاره های تاریخی به منظور دستیابی به اطلاعات درست در بوتۀ سنجش و ارزیابی قرار می گیرد تا توسعه علمی محقق شود. باید یادآور شد که اختلاف در آثار تاریخی - حدیثی امری اجتناب ناپذیر است. گاه اختلاف و تناقض در اخبار مربوط به زندگی حضرات معصومین، مشاهده می شود. این دسته از اخبار نزد اندیشوران و عالمان به عنوان اخبار ضعیف شناخته شده و در مجامع علمی نیز اعتبار لازم را ندارند. بنابراین پژوهشگران و محققان رسالت بزرگی را برعهده دارند تا با بررسی داده های تاریخی و روایی، سره را از ناسره تفکیک کنند؛ در غیر این صورت اخبار ضعیف و نادرست می تواند به عنوان ابزاری در دست دشمنان و معاندان اسلام قرار گیرد تا برخی با تکیه به این دسته از اخبار و اسناد، حرمت شکنی کرده و اعتقادات مسلمانان و به خصوص شیعیان را به تمسخر گرفته و شبهاتی را برای تخریب باورهای عقیدتی در فضای فکری و علمی مطرح کنند. لذا بررسی این دسته از اخبار حائز اهمیت و ضروری به نظر می رسد.

زندگی امام معصوم (علیه السلام) نوع و نحوه اخبار مربوط به مقاطع زندگی آنها همیشه مورد توجه محققان بوده است. ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) به دلیل جایگاه ویژه اش نزد همگان -

مسلمان و غیر مسلمان- همیشه مورد علاقه و احترام بوده؛ زیرا شخصیت حماسه ساز او، هویت و ماندگاری اسلام را برای مسلمانان رقم زده است. یکی از مسائل مورد توجه در زندگی امام حسین (علیه السلام)، موضوع شیرخوارگی حضرت است. از یک طرف اقوال متعددی توسط مورخان و محدثان شیعه و عامه در این خصوص نقل شده و از طرف دیگر به دلیل اختلاف پاره ای از این اخبار، اعتبار گزاره های تاریخی و حدیثی که با باورهای عقیدتی- دینی مردم در ارتباط است، گاه مورد هجمه قرار گرفته است؛ لذا لازم است جهت رفع ابهام و شفاف سازی، اخبار و گزارش های تاریخی- حدیثی بررسی و تبیین شود تا بدین وسیله در راستای تقویت نقش سازنده اخبار مربوط به زندگی ائمه (علیهم السلام) گامی علمی برای آحاد مردم مسلمانان برداشته شود. چنین فعالیت های علمی، لازمه مقابله با هجمه های معاندین است. نگارنده در نظر دارد با بررسی گزارش های مربوط به شیرخوارگی امام حسین (علیه السلام)، اتفاق و اختلاف گزاره های تاریخی- حدیثی و گاه تعارض آنها را تبیین و نظر صحیح در این مسئله را ارائه نماید.

نگاشته های بسیاری درباره حسین بن علی (علیه السلام) توسط مورخان، محدثان و متکلمان تألیف شده است. زندگی نامه، سیره نویسی، فضائل نگاری و مقتل نویسی از جمله تألیفاتی است که از سده های دوم آغاز و تا کنون ادامه دارد؛ اما درباره موضوع مورد نظر، پژوهشی مستقل صورت نگرفته، بلکه اخبار پراکنده ای در سایت ها و منابع خبری و یا اشاره ای اجمالی در قسمتی از آثار پژوهشگران معاصر وجود دارد. کتاب نهضت عاشورا (تحریف ها و شبهه ها) (1) از جمله آنهاست که در آن مطالبی درباره اعجاز در شیرخوارگی امام حسین (علیه السلام) ذکر شده و سه احتمال برگرفته از کتاب اصول کافی و منتهی الامال مختصراً در دو صفحه بدون تحلیل و نقد آورده شده است. همچنین می توان به مقاله «پژوهشی درباره نام، سن و کیفیت طفل شیرخوار امام حسین (علیه السلام)» (2) اشاره کرد، این مقاله به نقد دیدگاه برخی منابع معاصر درباره سن و کیفیت طفل شیرخوار پرداخته و مرتبط با

ص: 95

1- . این کتاب توسط محققین گروه تاریخ مرکز مطالعات حوزه، کاری از مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه، به سال 1381 نگارش شده است.

2- . محسن رنجبر، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، زمستان 1385، شماره 12.

عنوان مذکور نیست. نوشتار حاضر در نظر دارد گزارش های شیرخوارگی حضرت را با تأکید بر منابع تاریخی و حدیثی مورد نقد و ارزیابی قرار دهد.

1. نقد منابع

نقد علمی یک اثر یا متن به فرایند ارزیابی و سنجش علمی و بررسی سره از ناسره می انجامد. در این حالت کاستی ها و نارسایی های علمی اثر به صورت روشمند و منطقی بیان می شود. برخی قائلند که تجزیه کردن سخن به این معناست که انسان عناصر درست آن را بگیرد و عناصر نادرست را الغاء کند و اینقدر قدرت تشخیص داشته باشد که بگوید از این سخن کدام قسمت درست و کدام قسمت نادرست است. این همان مطلبی است که در روایات تعبیر به نقد و انتقاد شده است (مطهری، 1390: 22/542). در نقد منابع؛ ارزیابی، سنجش و راست آزمایی اخبار مورد توجه است. در این حالت ضمن مقایسه اخبار، برخی از آنها از دور خارج می شوند. بنابراین، نقد تاریخی به دستیابی یک واقعیت تاریخی که تا حدودی قابل قبول باشد، کمک می کند. این مقایسه اخبار مشکوک و ضعیف را کنار زده و به حقیقت، نزدیک می شود. از آنجا که محتوای گزارش های تاریخی مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) توسط صحابه، تابعین و تابع تابعین جمع آوری و تدوین شده، تحلیل این دسته از اخبار ضروری به نظر می رسد. در تأیید گزاره های تاریخی لازم است، نقد از دو زاویه مورد بررسی قرار گیرد: اول نقد بیرونی که به اصالت سند منبع - زمان، مکان، محیط، نویسنده - می پردازد، و دیگر نقد درونی به لحاظ محتوا و میزان حقیقت یابی آنچه در آن موجود است، صورت می پذیرد (دغیم و جهامی، 2006: 2943-2/2944). بدین وسیله صحت و سقم اخبار در دو بخش سند و متن، تبیین می شود.

2. بررسی گزاره های تاریخی

اشاره

تحلیل رویدادها در پژوهش تاریخی جایگاه مهمی دارد؛ زیرا دست یابی به اطلاعات درست، در گرو ارزیابی و نقد گزارش های تاریخی است. به عبارتی محققان ضمن نقد کاستی ها، اخبار را نشان داده و در واقع نوعی ارزشیابی را با هدف روشن شدن آنچه در اثر

تقایص یا مزایای پدید آمده، تبیین می کنند (حنفی، 1420: 895). بنابراین ضروری است به هنگام اختلاف و تناقض در اخبار به تحلیل آنها همت گماشت. همانطور که اشاره شد، تفاوت در نقل اخبار و گزاره های تاریخی و روایی، حقیقتی انکارناپذیر است. برخی حوادث تاریخی با اختلاف اقوال و روایات مواجه اند و این تفاوت در گزارش های شیعه و اهل سنت بسیار دیده شده است. یکی از این اختلاف اخبار مربوط به گزاره های ثبت شده درباره اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است که در مسأله شیرخوارگی حضرت با اخبار متعددی توسط علمای شیعه و عامه مواجه ایم که نیازمند بررسی و تتبع است.

2-1. گزارش های شیرخوارگی امام حسین (علیه السلام)

اشاره

همانطور که درباره تولد او اقوال متعدد نقل شده، درباره شیرخوارگی ایشان نیز تفاوت در اخبار وجود دارد. به طور کلی سه نوع خبر توسط علمای شیعه و عامه نقل شده است.

2-1-1. تغذیه از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

در این خصوص دو گونه گزارش نقل شده است برخی چنین نقل کردند: «امام صادق (علیه السلام) فرمود: ... امام حسین (علیه السلام) از فاطمه (علیها السلام) و از هیچ زن دیگر شیر نخورد، بلکه او را خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می آوردند و آن حضرت انگشت ابهامش را در دهان او می گذارد و او به اندازه ای که دوز و سه روزش را کفایت کند، از آن می مکید، پس گوشت حسین (علیه السلام) از گوشت و خون رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روئید». در روایت دیگر آمده است که امام رضا (علیه السلام) فرمود: «حسین (علیه السلام) را نزد پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می آوردند و آن حضرت زبانش را در دهان او می گذاشت تا می مکید و به همان اکتفا می کرد و از هیچ زنی شیر نخورد» (کلینی، 1362: 1/465-464؛ ابن بابویه، 1404: 51). این روایت چنین ادامه پیدا می کند که به غیر از راویان بخش نخست برخی فقط ناقل قسمت پایانی روایت هستند: «فرزندی شش ماهه متولد نشد جز عیسی بن مریم (علیه السلام) و حسین بن علی (علیه السلام)» (ابن بابویه، 1404: 52؛ کلینی، 1362: 1/465؛ ابن قولویه، 1356: 57؛ ابن بابویه، 1385: 1/206؛ مجلسی، 1363: 23/272).

از میان محدثان و مورخان برخی خبر فوق را تفکیک کرده اند. عده ای تنها خبر شیر خوردن از انگشت ابهام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را ذکر کردند (ابن قولویه، 1356: 57؛ ابن شهر آشوب،

1379: 4/50) و دیگران به خبر شیر خوردن از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اشاره کردند، به گونه ای که آن مولود می مکید تا سیراب می شد (ابن بابویه، 1385: 1/206؛ ابن بابویه، 1376: 136؛ کرکی حائری، 1418: 2/97؛ فتال نیشابوری، 1423: 355/1؛ بحرانی اصفهانی، 1413: 17/24). بدین وسیله این گروه با استناد به این دسته از اخبار مدعی شدند که حسین (علیه السلام) از فاطمه و یا هیچ زن دیگری شیر نخورده و فقط توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تغذیه می شد. به همین دلیل گفته شده که خون و گوشت حسین (علیه السلام) از خون و گوشت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

2-1-2. تغذیه از شیر ام ایمن

برخی از منابع نقل دیگری را با این مضمون بیان کردند: «امام صادق (علیه السلام) فرموده است: همسایگان ام ایمن به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و گفتند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)! دیشب ام ایمن تا سپیده دم نخوابید و گریست و تمام شب را گریه می کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کسی را پیش او فرستادند که بیاید و چون آمد فرمودند: ای ام ایمن! خدایت نگریاند. همسایگان پیش من آمدند و گفتند دیشب تا صبح گریه کرده ای. خداوند چشمت را گریان نکند، چه چیزی موجب گریستن تو بوده است؟ گفت: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)! خواب سختی دیدم و به همان سبب تا صبح گریستم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خواب خود را برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان کن که خدا و رسول او دانایانند. گفت: بر من گران است که آن را نقل کنم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آن چنان که در خواب دیده ای نیست. اکنون برای من بگو. گفت: دیشب در خواب دیدم که پاره ای از تن شما در خانه من افتاده است. فرمودند: ای ام ایمن! چشمت راحت بخوابد. فاطمه (علیها السلام) حسین را خواهد زایید و تو او را پرورش خواهی داد و به او شیر خواهی داد و بدین گونه پاره ای از تن من در خانه تو خواهد بود. گوید چون فاطمه (علیها السلام) حسین (علیه السلام) را زایید، روز هفتم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور فرمودند سر کودک را تراشیدند و هم وزن موهای او نقره صدقه دادند و او را عقیقه فرمودند، سپس ام ایمن امام حسین (علیه السلام) را در برد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیچید و او را به حضور ایشان آورد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آفرین بر حامل و محمول. ای ام ایمن! این تأویل خواب تو است» (ابن بابویه، 1376: 82؛ خرگوشی

نیشابوری، 1424 : 4/50؛ فتال نیشابوری، 1423 : 1 / 345-355؛ مجلسی، 1363 : 43/234؛ جزائری، 1427 : 1/76؛ بحرانی اصفهانی، 1413 : 17/23-22). لازم به ذکر است در این گزارش مورخان و محدثان، خبر خود را به نقل از شیخ صدوق ذکر کرده اند که به اعتباری، خبر واحد است.

2-1-3. تغذیه از شیر ام الفضل

آنچه در بیشتر منابع به آن اشاره شده، این روایت است که: «ام الفضل همسر عباس به عبدالمطلب به پیامبر (علیه السلام) گفت: در خواب دیدم قطعه ای از پیکر شما در خانه من است- تعبیر آن چیست؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خواب خوبی دیده ای، فاطمه پسری می زاید و تو او را با شیر پسر قثم شیر خواهی داد. چون حسین متولد شد ام الفضل شیر دادن او را بر عهده گرفت. همچنین مالکبن اسماعیل از شریک، از سماک، از قابوس، از ام الفضل برای ما نقل کرد که می گفته است هنگامی که حسین بن علی (علیه السلام) متولد شد به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گفتم: کودک را به من لطف کنید و بسپرید. من او را با شیر پسر قثم شیر می دهم و پرستاری می کنم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنان فرمود» (ابن سعد، 1418 : 8/218، 10/371؛ کوفی، 1412 : 2/199؛ زیوری، 1999 : 24-25؛ ابن اعثم، 1411 : 4/323؛ حاکم نیشابوری، 1411 : 3/194؛ مفید، 1413 : 2/129؛ ابوبکر بیهقی، 1405 : 468-6/469؛ طبرسی، 1417 : 1/425-426؛ ابن عساکر، 1415 : 14/196-197؛ سبط بن الجوزی، 1418 : 210؛ گنجی الشافعی، 1404 : 418؛ ابن عدیم، 1423 : 27-28؛ ابن نما حلی، 1406 : 16؛ ابن صباغ، 1422 : 2/760؛ کاشفی، 1382 : 306؛ حر عاملی، 1425 : 1/409؛ مرعشی تستری، 1409 : 11/11؛ محدث نوری، 1384 : 1/256؛ قمی، 1421 : 49-50). اکثر مورخان اهل سنت، ناقل این خبر هستند.

3. نقد سندی

اشاره

آنچه در اینجا مد نظر است، شناسایی منبع حدیث و بررسی اظهار نظر رجال شناسان در مورد راویان و محدثان است. در این مرحله سند حدیث از نظر اوصاف راوی نظیر وثاقت، عدالت، ضبط راویان، اتصال و انقطاع، قبول و رد حدیث بررسی می شود

(هاشمی موسوی، 1430: 83). به عبارتی روایت صحیح از غیر آن، اتصال یا عدم اتصال گروه راویان، اقرار راوی در مورد خبر و نظایر اینها شناسایی می شود. وجود هریک از این موارد می تواند، اعتبار حدیث را خدشه دار کند؛ اما بروز آن به این معنا نیست که به صورت کلی اعتبار حدیث از بین می رود؛ بلکه باید از نظر محتوا هم مورد بررسی قرار گیرد و با هوشیاری بیشتر با این دسته از اخبار و احادیث رویه روشد.

1-3. ضعف سند

اشاره

به آن دسته از نواقص و اشکالاتی گفته می شود که اعتبار حدیث بدین وسیله خدشه دار می شود.

1-1-3. ضعف در سند تغذیه امام (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

ضمن بررسی های صورت گرفته گزارش های مربوط به تغذیه امام حسین (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، کلینی (1362: 1/ 464-465) به نقل از امامان معصوم (علیهم السلام) چنین آورده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الزِّيَّاتِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ جَبْرِئِيلَ نَزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم) فَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِمَوْلُودٍ يُوَلِّدُ مِنْ فَاطِمَةَ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ يَا جَبْرِئِيلُ وَعَلَى رَبِّي السَّلَامُ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ يُوَلِّدُ مِنْ فَاطِمَةَ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَعَرَجَ ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ فَقَالَ يَا جَبْرِئِيلُ وَعَلَى رَبِّي السَّلَامُ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَعَرَجَ جَبْرِئِيلُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقَرِّبُكَ السَّلَامَ وَيُبَشِّرُكَ بِأَنَّهُ جَاعِلٌ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَالْوِلَايَةَ وَالْوَصِيَّةَ فَقَالَ قَدْ رَضِيتُ ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَيَّ فَاطِمَةَ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُنِي بِمَوْلُودٍ يُوَلِّدُ لَكَ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ مَنَى تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَالْوِلَايَةَ وَالْوَصِيَّةَ فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ أَنِّي قَدْ رَضِيتُ فَحَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشَدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي فَلَوْ لَا أَنَّهُ قَالَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي لَكَانَتْ ذُرِّيَّتُهُ كُلُّهُمْ أُمَّةً وَلَمْ يَرْضَعْ الْحَسَّيْنِ مِنْ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَلَا مِنْ أُتْنَى

كَانَ يُؤْتَى بِهِ النَّبِيُّ فَيَضَعُ إِنْهَامَهُ فِي فِيهِ فَيَمَضُّ مِنْهَا مَا يَكْفِيهَا الْيَوْمَيْنِ وَالثَّلَاثَ فَنَبَتَ لَحْمُ الْحَسَنِ (عليه السلام) مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ وَدَمِهِ وَلَمْ يُولَدْ لِسَيِّدَةِ أَشَدِّ هَرٍ إِلَّا عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ (عليه السلام) وَالحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام). وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) أَنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) كَانَ يُؤْتَى بِهِ الْحُسَيْنُ فَيَلْقِمُهُ لِسَانَهُ فَيَمَضُّهُ فَيَجْتَرِي بِهِ وَلَمْ يَرْتَضِعْ مِنْ أُنْثَى».

در سلسله حدیث کلینی عبارت «...عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا...» نشان می دهد که این حدیث ضعیف است؛ زیرا راوی مجهول الحال در آن وجود دارد (مركز اطلاعات و مدارك اسلامي، 1389: 441). همچنین مرسل است؛ زیرا که راویان آن همگی یا برخی در سلسله سند ساقط شده و به جای او از تعبیر «عن بعض» یا «بعض اصحابنا» استفاده شده است. در ضمن مرفوع نیز است؛ چون یک یا چند نفر از وسط یا انتهای سند حدیثی حذف شده است (ولایی، 1387: 182)؛ بنابراین غیر قابل اعتماد و مبهم است.

همچنین علی بن بابویه درباره مسئله شیر خوردن حضرت، فقط به دو موضوع «الف و ج» به نقل از «علی بن حسان وسطی از عبدالرحمن بن کثیر هاشمی» اشاره کرده است (ابن بابویه، 1404: 52) ولی عبدالرحمن بن کثیر هاشمی را نجاشی (1407: 235/1) در رجالش ضعیف دانسته و کشی (1348: 452/1) نیز قائل است که علی بن حسان الوسطی ثقه، ولی علی بن حسان هاشمی، کذاب و واقفی است. علامه حلی (1411: 87-96) آورده که اشتباه از سوی ابن بابویه و نویسندگان نسخه صورت گرفته است. در اینجا علی بن حسان هاشمی به «واسطی» تبدیل شده و عبدالرحمن بن کثیر هاشمی، عموی علی بن حسان هاشمی است (ابن غضائری، 1364: 1/77). تأمل برانگیز است که دیگر علماء بدون غور و مذاقه، ناقل این خبر بودند. به احتمال زیاد ثقه بودن نویسندگان اثر دلیلی بر اعتماد دیگر عالمان شده و بدون کنکاش، ناقل روایت شدند (کاشفی سبزواری، 1382: 306؛ مرعشی تستری، 1409: 564؛ حر عاملی، 1425: 1/245، 246-315؛ مجلسی، 1363: 23/272، 44/198).

3-1-2. ضعف در سند تغذیه امام (علیه السلام) از ام ایمن

در روایات مربوط به تغذیه امام حسین (علیه السلام) از ام ایمن تفاوت وجود دارد. گرچه دیگر

راویان از صدوق نقل خبر داشتند؛ اما در خبر فتال نیشابوری و خرگوشی تفاوت در نقل بعضی از کلمات مشاهده می شود، مانند: «فاخبرنی به جای أَخْبَرُونِی، یعظم به جای تَعْظُم، حذف کلمه لَهَا قبل از إِنَّ الرَّؤْیَا لَیْسَتْ...» (فتال نیشابوری، 1423: 1/345-355) از تغییرات در حدیث است. در خبر خرگوشی هم «فاخبرنی به جای أَخْبَرُونِی، یعظم به جای تَعْظُم» و اضافه شدن کلمه «بذلک» در عبارت «...رسوله أعلم بذلک، فقلت: یعظم...» وجود دارد (خرگوشی نیشابوری، 1424: 4/50).

3-1-3. ضعف در سند تغذیه امام (علیه السلام) از ام الفضل

درباره گزارش مربوط به ام الفضل آنچه تأمل برانگیز است، تفاوت در نوع اقوال است که در منابع متقدم توسط راویان متعدد ذکر شده است. ابن سعد (1418: 10/371-372) ضمن اینکه ماجرا را از راویان متعدد نقل کرده، متذکر شده خبر منقطع و ضعیف - خبر شماره 336 و 337- است. «حاتم بن ابی صغیره. عن سماک: أن أم الفضل امرأة العباس قالت: یا رسول الله رأیت فیما یری النائم كأن عضوا من أعضائك فی بیتی؟ فقال: خیرا رأیت. تلد فاطمة غلاما فترضعیه بلبان ابنک قثم. قال: فولدت الحسین فکفلته أم الفضل...». وجود «سماک بن حرب» در سلسله راویان دلیلی بر عدم اعتماد به این خبر شمرده شده (همان، 10/131)، با استناد به اقوال متفاوتی که در مورد سماک بیان شده، می توان اذعان کرد که احادیث او مشکوک و مضطرب است (ذهبی، 1382: 2/233، ح 3548).

یکی دیگر از متقدمین، محمد بن سلیمان کوفی (1412: 2/199) است که این گزارش را با راویان دیگر نقل کرده است. «حدَّثنا أحمد بن علی قال: حدَّثنا الحسن بن علی قال: أخبرنا علی قال: أخبرنا محمد بن فضیل عن السری بن إسماعیل: عن الشعبي قال: کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم یمرّ علی بیت أم الفضل إذا أتى المسجد فیسلم علیها فمرّ علیها یوما فنکت رأسها فأنکر [النبی] ذلک منها فقال: مالک یا أم الفضل؟ فقالت: لا والله إلا أنّی رأیت رؤیا شقّت علی!! قال: ما هی؟ قالت: عضو من أعضائك رأیته فی بیتی. فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلّم نعم فاطمة حبلی تلد

غلاما تجعله عندک فترینه». این خبر نیز تردید برانگیز است؛ زیرا یکی از روایان خبر- السری بن اسماعیل- توسط برخی از رجال حدیث، ضعیف معرفی شده است (ابی حاتم رازی، 1217: 4/283، 2/117؛ ابن عدی، 1418: 4/537).

همچنین ابن ماجه در سنن (بی تا: 1293/2) و حاکم نیشابوری در مستدرک الصحیحین (1411: 194/3) ضمن نقل روایت، آن را ضعیف و منقطع دانسته اند. برخی از رجالیون عامه، شخصیت عطاء بن عجلان که در سلسله روایان ذکر شده، ضعیف و کذاب شمرده (عقیلی مکی، 1404: 3/402؛ ابی حاتم رازی، 1217: 6/335؛ ابن عدی، 1418: 7/78). به عبارتی این دسته از اخبار- ضعیف و منقطع- به گونه ای است که یک راوی یا بیشتر، از سلسله حذف و یا یک فرد مبهم و مجمل در آن وجود دارد. برخی از محدثان و مورخان این گزارش را بدون ذکر روایان آن ذکر کردند و برخی دیگر اکثرا از علمای متقدم- با همان کیفیت- نقل خبر داشتند، به اعتباری اخبار آنان متأثر از اخبار متقدمین خالی از اشکال نیست و در اکثر گزارش آنها «سماک بن حرب» در سلسله روایان ذکر شده است؛ لذا از این جهت تردید برانگیز است.

در احادیث خبر شیردادن ام الفضل به امام حسن (علیه السلام) واژگان متفاوت نقل شده است. اختلاف اقوال با این عبارات نقل شده است: «صدوق: ...بَعْضُ أَعْضَائِكَ مُلْقًى فِي بَيْتِي...»، «دولابی: ...عضوا من أعضائك في بيتي...»، «طبرانی با دو روایت متفاوت چنین نقل کرده: ...إِنِّي رَأَيْتُ بَعْضَ جَسَدِي فِي...؛ ..رَأَيْتُ فِي الْمَدَامِ كَأَنَّ عَضْوًا مِنْ أَعْضَائِكَ فِي بَيْتِي، أَوْ قَالَتْ: فِي حُجْرَتِي...»، «ابن اثیر... رأيت كأن عضوا من أعضائك في بيتي...»، «مجلسی: در دو روایت، ...عَضْوًا مِنْ أَعْضَائِكَ فِي حَجْرِي...؛ ...عَضْوًا مِنْ أَعْضَائِكَ فِي بَيْتِي...» ضمن تکرار عضوی از اعضاء در اخبار، برخی بدون استفاده به ماجرای خواب، فقط شیر دادن ام الفضل را نقل کردند. جالب است که تفاوت در عبارات به گونه ای نیست که فقط در منابع متأخر دیده شود؛ بلکه در منابع متقدم نیز مشاهده می شود.

همچنین در خبر شیر خوردن امام حسین (علیه السلام) از ام الفضل همین تفاوت در واژه های حدیث نیز دیده شده است. تفاوت ها در منابع عبارتند از: «ابن سعد: ...رأيت فيما يري

النائم كان عضوا من أعضائك في بيتي خيرا رأيت....»، «كوفي:...أنتي رأيت رؤيا شئت على عضو من أعضائك رأيته في بيتي...»، «ابن اعثم در الفتوح: ...رأيت كأن قطعة من جسدك قد قطعت فوضعت في حجرى...»، «حاکم نیشابوری: ...رأيت كأن قطعة من جسدك قطعت ووضعت في حجرى...»، «شيخ مفيد: ...رأيت كأن قطعة من جسدك قطعت ووضعت في حجرى فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) خيراً رأيت...»، «طبرانی: ...رأيت بعض جسدك في بيتي...»، «ابوبکر بیهقی: ...رأيت كأن قطعة من جسدك قطعت ووضعت في حجرى...»، «ابن عساکر: ...رأيت كأن بضعة منك قطعت فوضعت في حجرى...»، «سبط بن الجوزی: ...کأن عضوا من أعضائك سقط في بيتي...»، «گنجی الشافعی: ...رأيت كأن عضوا من أعضائك انقطع فوقع في حجرى...»، «ابن عديم: النائم، أن عضوا من أعضاء النبي في بيتي...»، «ابن نما حلی: ...رأيت في النوم قبل مولده كأن قطعة من لحم رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) قطعت ووضعت في حجرى فقصص الرؤيا على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فقال إن صدقت رؤياك فإن فاطمة س تلد غلاماً وأدفعه إليك لترضيه...». در برابر واژه: «نائم، عضو، بیت و خیر» معادل هایی مانند: «رویا، جسد، قطعه یا بعض از آن و حجره» قرار گرفته است. تغییرات و اضافات در اخبار کاملاً مشهود است، به خصوص نقل ابن نما حلی، حتی به جای کلمه «خیر»، «صدقت رویاک» ذکر شده است. مضمون خبر مربوط به ام الفضل به دلیل تفاوت در مضمون و عبارات، مشکوک و تردید برانگیز است؛ لذا اعتبار لازم را برای پذیرش دارا نیست.

2-3. خبر ضعیف

در رویکرد فقهی «... خبر واحد به صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می شود» (فرهنگ فقه، 1426: 3/593)؛ اما در اینجا منظور، خبری است که از آن علم قطعی و یقینی در مسئله ای را به وجود آورد، به گونه ای که خبر مورد نظر توسط اکثر محدثان، مورخان و علما ثبت و تأیید شود.

در مورد اخبار مربوط به تغذیه حضرت توسط پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) برخی، علت عدم شیر خوردن امام حسین (علیه السلام) از مادرشان را بیماری و خشک شدن شیر حضرت فاطمه (علیها السلام) و

دستور خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در هنگام ولادت برشمردند (ابن شهر آشوب، 1379: 4/50). تأمل برانگیز است چنین خبری را تنها ابن شهر آشوب عالم سده شش گفته و برخی از علمای سده های متأخر به نقل از او خبر را ذکر کردند (کرکی حائری، 1418: 2/96؛ مجلسی، 1363: 43/254؛ جزائری، 1427: 1/97؛ بحرانی اصفهانی، 1413: 11/902)؛ گرچه ایشان مورد تأیید دیگر علماست ولی تأیید نگارنده به تنهایی کفایت نمی کند. پذیرش تنها یک خبر از معصوم یا غیر معصوم زمانی می تواند یقین آور باشد که شواهد و قراینی مبنی بر اثبات آن وجود داشته باشد، در این صورت پذیرش عمومی علما را به دنبال دارد و در غیر این صورت تردید برانگیز است.

گفتنی است، این خبر توسط علمای سده های نخستین ذکر نشده؛ بلکه اولین نقل به سده شش (ابن شهر آشوب متوفای 588) بازمی گردد. به عبارتی تا سده شش کسی به دنبال دلیل عدم شیرخوردن حضرت از مادرشان نبوده، همچنین به غیر از تأخیر در نقل خبر، فاصله زمانی چهار تا شش قرن بین مؤلفان این خبر - کرکی حائری متوفای سده ده، مجلسی متوفای 1111، جزائری متوفای 1112، بحرانی اصفهانی متوفای سده دوازده - کمی تأمل برانگیز است. بنابراین علاوه بر ضعف در سند که ذکر شد، نقل خبر فقط توسط یک عالم سده شش و عدم تطور زمانی و وجود قرائن قطعی اعتبار خبر را خدشه دار می کند.

4. نقد محتوایی

اشاره

یکی از مسائل مهم در بررسی محتوا این است که چه میزان می توان به آن اعتماد کرد؛ لذا باید در محتوای گزاره ها دقت کرد تا اطمینان از درستی آن حاصل شود. گرچه نقد محتوایی هنگام نقد اخبار صحیح السند، بیشتر به کار می رود؛ اما به طور کلی در مورد مفاد و پیام خبر کاربرد دارد.

4-1. عدم حضور ام الفضل در مدینه

به استناد منابع تاریخی در آن زمان، عباس بن عبدالمطلب در مکه بوده و بالتبع همسرش - ام الفضل - همراه او بود. پس حضور ام الفضل به هنگام تولد حسین (علیه السلام) در مدینه منتفی است. «عباس پس از پرداخت فدیة و آزادی در غزوه بدر، به مکه برگشت».

بارها از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خواست به مدینه بازگردد؛ اما حضرت چنین پاسخ داد: «یا عم، اقم مکانک الذی أنت به، فإن الله تعالى یختم بک الهجرة کما ختم بی النبوة» (بلاذری، 1417: 1/355؛ ابن اثیر، 1409: 3/61). همچنین گزارش های دیگر مبنی بر حضور عباس در مکه به هنگام فتح آن، که مربوط به سال های آخر رسالت حضرت است، توسط مورخان نقل شده است (ابن هشام، بی تا: 2/346؛ ابن سعد، 1414: 2/82-83؛ ابن اثیر، 1385: 2/223). با توجه به اخبار مورخان مسئله حضور عباس بن عبدالمطلب و همسرش ام الفضل در مدینه منتفی است.

4-2. عدم تطابق سن ام ایمن برای شیردهی امام حسین (علیه السلام)

نکته قابل توجه در مورد شیرخوارگی امام (علیه السلام) از ام ایمن، این است که ام ایمن پرستار دوران کودکی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (ابن سعد، 1418: 1/93)، از نظر سنی در موقعیتی نیست که در هنگام تولد امام حسین (علیه السلام) فرزند داشته باشد. به عبارتی در زمان تولد امام (علیه السلام) فرزند شیرده نداشته است. حتی اسامه بن زید- فرزند مشترک ام ایمن و زید بن حارث - از نظر سنی بزرگتر از حضرت بودند؛ زیرا اولاً اسامه در مکه متولد شده (ابن سعد، 1418: 4/45) و ثانیاً سن اسامه هنگام رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نوزده سال ذکر شده است (واقعی، 1409: 3/1125). به عبارتی می توان بیان کرد که او در سال چهارم بعثت در مکه به دنیا آمده، در حالی که امام حسین (علیه السلام) سال چهارم هجرت در مدینه متولد شده است. لذا تفاوت و تعارض در خبر وجود دارد. پس با این تفاوت سنی، ام ایمن فقط می تواند در مراقبت و نگه داری حضرت کمک حال حضرت فاطمه (علیها السلام) باشد. از طرف دیگر نقل دو ماجرا مشابه در مورد دو شخصیت متفاوت - ام ایمن و ام الفضل - در باره موضوعی واحد- شیر دادن امام حسین (علیه السلام)- منطقی به نظر نمی رسد.

4-3. عدم تطابق سن قثم بن عباس با امام حسین (علیه السلام)

در خبری ذکر شده که یکی از افرادی که در مراسم تغسیل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حاضر بوده، قثم بن عباس بود. وی آخرین وداع کننده با پیکر مطهر حضرت و آخرین کسی است که از قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیرون آمده است (ابن سعد، 1410: 2/232؛ بلاذری، 1417: 1/577؛ ابن

عبدالبر، 1412: 1304/3؛ ابن کثیر، 1407: 5/270؛ ابن اثیر، 1409: 4/92). برخی این قول را آورده اند: تغسیل حضرت را فقط علی و فضل انجام دادند و بقیه - عباس، أسامة بن زید، قثم بن العباس و سعد- فقط شاهد مراسم تغسیل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند (مقریزی، 1420: 14/566).

در این منابع خبر به گونه ای است که قثم به عنوان یک صحابی و مردی بالغ در مراسم حضور داشته؛ اما خبری دیگر اشاره دارد که او اواخر عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و به هنگام رحلت ایشان بالای هشت سال داشت (ابن حجر عسقلانی، 1415: 5/321). از آنجا که شرکت در چنین مراسم مهمی می بایست توسط صحابه خاص، خویشان نزدیک و بالغ و آگاه به مسائل انجام شود، پس خبر مربوط سن اندک با توجه به تنها یک ناقل و فاصله زمانی مورخ آن (متوفای قرن نه) قابل اعتماد نیست. از طرف دیگر پذیرش حضور قثم در مراسم تغسیل حضرت، می تواند هم سن بودن او با حسنین (علیهم السلام) و حتی مسئله رضیع بودن او را خدشه دار کند؛ زیرا امام حسن (علیه السلام) به هنگام رحلت جد بزرگوارشان هشت و امام حسین (علیه السلام) هفت سال - سال سوم و چهارم هجری- داشتند.

عسقلانی (1415: 5/230-321) با زیر سؤال بردن قثم، به عنوان صحابی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، شخصیت او را خدشه دار کرده، در حالی که اخبار صحابی بودن قثم در منابع تاریخی و حدیثی متواتر است. مانند آنچه که ابن هشام (بی تا: 2/443) نقل کرده: «هنگام فرار لشکر اسلام در جنگ هوازن تنها چند تن از مهاجر و انصار و خویشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند که بجای ماندند که یکی از آنها قثم بن عباس بود». و یا حضور در مراسم تغسیل که به آن اشاره شد. بنابراین وجود چنین اخباری می تواند بیانگر عدم هم سانی در سن و بزرگتر بودن او نسبت به حسنین (علیهم السلام) باشد.

4-4. تعارض در اخبار

- در خبر مربوط به تغذیه از ام ایمن آنچه مهم به نظر می رسد، این است که ناقل خبر تنها شیخ صدوق است و دیگر محدثان همه به نقل از صدوق این خبر را آورده اند. گرچه راویان این خبر همه ثقه و مورد اعتماد رجالیون اند؛ اما از آنجا که تواتر در نقل خبر وجود

ندارد، تردید برانگیز است. همچنین صدوق در خبرش بدون اشاره به کلمه «لبن» فقط به «فتریه و تلییه» اشاره کرده: «... يَا أُمَّ أَيْمَنَ تَلِدُ فَاطِمَةَ الْحُسَيْنِ فَتَرْبِيَنَّهُ وَ تَلِيَنَّهُ فَيَكُونُ بَعْضُ أَعْصَانِي ...» (ابن بابویه، 82: 1376)؛ ولی علامه مجلسی در توضیح «... فَتَرْبِيَنَّهُ وَ تَلِيَنَّهُ...» به «ای تسقینه اللبن» ارجاع داده است. به عبارتی به کلمه «لبن» استناد کرده و این کلمه اضافه شده است.

- در خبر مربوط به ام الفضل، عده ای این روایت را به تولد امام حسن (علیه السلام) نسبت داده اند (دولابی، 106: 1418؛ صدوق، 82: 1376؛ طبرانی، 3/20: 1415، 23؛ ابن اثیر، 1409: 1/488؛ محب الدین طبری، 120: 1356؛ شافعی ایجی، 471: 1428؛ ابن طولون، بی تا: 64؛ دیار بکری، بی تا: 1/168؛ امین عاملی، 1403: 1/562؛ مجلسی، 1363: 43/242، 255). در حالی که همین واقعه در نسبت به امام حسین (علیه السلام) نیز نقل شده است.

- برخی حتی در نسبت این خبر به امام حسن (علیه السلام) یا امام حسین (علیه السلام) تردید کردند (ابن ماجه، بی تا: 2/1293). تردید توسط محدثی از سده سوم، تأمل برانگیز است.

- همان طور که اشاره شد، عده ای این روایت را ضمن دو حدیث، هم درباره امام حسن (علیه السلام) و هم امام حسین (علیه السلام) نقل کردند (ابن حجر عسقلانی، 1415: 5/320-321، 8/450؛ اربلی، 1421: 1/492، 498، 512، 553).

- برخی بدون اشاره به ماجرای خواب، فقط شیر دادن ام الفضل از شیر قثم را مطرح کردند (ابن صوفی، 1422: 194؛ خوارزمی، 1423: 1/210، 232؛ موصلی، 1424: 101؛ ابن عنبه، 1417: 171). - گرچه تعدادی از این منابع اشاره دارند که ام الفضل، حسین (علیه السلام) را از شیر فرزندش قثم، شیر داده ولی برخی بدون اشاره به نام فرزند، خبر را نقل کردند (حموی، 1363: 95؛ طبری، 1379: 2/571؛ کوفی، 1412: 2/199؛ ابن کثیر، 1407: 6/230) با این خبر، امام (علیه السلام) فقط برای مراقبت و نگه داری به ام الفضل سپرده شده است.

5. فضیلت سازی عباسیان

برخی با طرح این شبهه که مهدی (عجل الله تعالی فرجه و الشریف) از اولاد عباس بن عبدالمطلب است کردند، به دنبال فضیلت سازی برای عباسیان بودند. آنها برای بالا بردن جایگاه جدشان در برابر دیگران به ساخت روایت اقدام کردند. برخی از منابع اهل سنت این روایت را ذکر کردند که حسین (علیه السلام) از فرزندان عباس است (ابن حماد، 1424: 257؛ متقی، 1410: 14/264، ح 38666). شیر دادن ام الفضل زوجه عباس می تواند یکی از دلایل ساخت چنین نقلی باشد و با این استناد، حتی پافراتر گذاشته و گفتند که مهدی (عجل الله تعالی فرجه و الشریف) از فرزندان اوست. ذهبی آورده که این روایت جزو احادیث ساختگی است (ابن حجر الهیتمی، 1417: 2/478). محدث نوری هم به چنین شبهه ای پاسخ داده است (محدث نوری، 1384: 1/256). ساخت چنین اخباری برای خرسندی خلفای عباسی متداول بود، همانطور که در دوران خلفای بنی امیه انجام می گرفت. فضیلت سازی، یکی از تدابیر سیاسی خلفای عباسی برای پایداری و استواری حکومتشان بود.

6. نظر اندیشوران معاصر درباره این اقوال

برخی از محققان معاصر معتقدند: ام الفضل مادر فضل بن عباس، مربی امام حسین (علیه السلام) بوده، او نیز حضرت را شیر نداده است. آنچه صحیح به نظر می رسد و در اخبار وارد شده این است که امام حسین (علیه السلام) جز از مادرش فاطمه زهرا (علیها السلام) و گاهی از انگشت مبارک رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و بعضا از آب دهان آن حضرت، شیر نوشیده است (سماوی، 1419: 93).

اگر بخواهند در پاسخ به این خبر، توجیهی مبنی بر دایگی ام الفضل ارائه شود، باید یادآور شد، در خصوص دایگی حضرت نیز زنان دیگری از جمله مادر عبدالله بن یقطر حمیری (رسان، 1406: 152؛ سماوی، 1419: 93؛ قاضی نعمان مغربی، 1409: 3/245؛ مفید، 1413: 83؛ ابن اثیر، 1385: 4/93؛ ابوالصلاح حلبی، 1404: 399؛ ابن حجر عسقلانی، 1415: 5/8؛ طبرسی، 1417: 1/446؛ بلاذری، 1417: 3/168؛ قطب راوندی، 1409: 2/550؛ شهید الأول، 1410: 154؛ ابن الجوزی، 1412: 5/340؛ مجلسی، 1363:

98/341؛ قمی، 1421: 584) و همچنین مادر قیس بن ذریح به عنوان دایه در منابع تاریخی و حدیثی نقل شده که قابل بررسی است (مرعشی تستری، 1409: 33/473؛ سماوی، 1419: 93؛ ابن الجوزی، 1412: 6/80؛ قمی، 1421: 584). بنابراین توجیه ذکر شده پاسخ کامل، جامع و کافی نیست.

نتیجه

بررسی گزارش های شیرخوارگی امام حسین (علیه السلام) توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، ام ایمن و ام الفضل نشان می دهد که این دسته از اخبار هم در سند و هم در محتوا دارای نواقص و اشکالاتی است؛ لذا این اخبار از نظر اعتبار و صحت تأیید نمی شوند. بررسی شد که هر سه خبر مربوط به نحوه تغذیه امام (علیه السلام) با ضعف سندی مواجه است. عدم حضور ام الفضل در مدینه، عدم تطابق سن ام ایمن برای شیردهی و عدم تطابق سن قثم بن عباس با امام حسین (علیه السلام) و تعارض در اخبار از جمله موارد نقد محتوایی بشمار می آید. مفاد این اخبار ضمن نقد و بررسی های صورت گرفته متزلزل و فاقد اعتبارند. با منتفی شدن مسئله شیر دادن توسط ام ایمن و ام الفضل، دایگی آنها منتفی نمی شود؛ زیرا با وجود فرزندان خردسال داشتن دایه که یکی از سنت های فرهنگی- اجتماعی رایج اعراب آن زمان برای برخی از بزرگان و رؤساء است، الزامی به نظر می رسد. گرچه اخبار مربوط به تغذیه از زبان یا انگشت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دلیل ضعف خبر منتفی است و موضوع شیر دادن یک صفت زنانه بشمار می آید؛ ولی نمی توان فقط با تکیه به این خبر آن را رد کرد؛ چرا که وجود گزارش های فرابشری و خارق العاده پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) گرچه غیر متعارف است و با نظام عادی جهان همخوانی ندارد؛ اما عقل این دسته از گزارش های فرابشری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را رد نکرده است. اخباری نظیر شق القمر، جوشیدن آب از میان انگشتان حضرت، شفای برخی از صحابه که در غزوات مجروح می شدند و موارد بسیاری که مستندات قرآنی، تاریخی و کلامی بر آن اذعان دارد. (1) پس در جمع اخبار می توان چنین برداشت کرد،

ص: 110

1- . اطلاعات بیشتر در پایان نامه سطح سه نگارنده با عنوان: «گزارش های فرابشری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در منابع تاریخی و کلامی تا سده پنجم»، سال دفاع 1398.

ضمن اختلاف سنی اندک بین حسنین (علیهم السلام) و احتمال بیماری حضرت فاطمه (علیها السلام)، امام حسین (علیه السلام) در دوران بیماری مادر با اعجاز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تغذیه و بعد از بهبودی، حسین (علیه السلام) توسط مادر تغذیه شده است و زنانی نیز در منسب دایگی در خدمت دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به ایشان کمک کردند.

- ابن اثير، عز الدين أبو الحسن علي بن محمد الجزري (1385)، الكامل في التاريخ، بيروت، دار الصادر.
- ————— (1409)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، بيروت، دار الفكر.
- ابن اعثم كوفي، أبو محمد أحمد بن علي (1411)، الفتوح، بيروت، دار الأضواء.
- ابن الجوزي، أبو الفرج جمال الدين عبد الرحمن (1412)، المنتظم في تاريخ الأمم والملوك، بيروت، دار الكتب العلمية.
- ابن بابويه، علي بن حسين بن موسى (1404)، الإمامة و التبصرة من الحيرة، قم، مدرسة الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه و الشريف).
- ابن بابويه، محمد بن علي (1376)، الامالي، چاپ ششم، تهران، نشر كتابچی.
- ————— (1385)، علل الشرايع، قم، مكتب الحيدريه.
- ابن حجر الهيتمي، أحمد بن محمد بن علي (1417)، الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، تحقيق عبدالرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، لبنان، مؤسسة الرسالة.
- ابن حجر عسقلاني، شهاب الدين أبو الفضل أحمد (1415)، الإصابة في تمييز الصحابة، بيروت، دار الكتب العلمية.
- ابن حماد، امام الحافظ نعيم (1424)، الفتن و الملاحم، تحقيق ابوعبدالله ايمن محمد محمد عرفه، قم، مكتبة الحيدريه.
- ابن سعد، محمد (1418)، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.
- ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي (1379)، المناقب، قم، علامه.
- ابن صباغ مالكي (1422)، الفصول المهمة في معرفة الأئمة (عليهم السلام)، قم، دار الحديث.
- ابن صوفي نسابه، نجم الدين أبو الحسن علي بن أبي الغنائم محمد عمري علوي (1422)، المجدي في أنساب الطالبين، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

— ابن طولون، شمس الدين محمد (بى تا)، الأئمة الاثنا عشر، قم، رضى.

— ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد (1412)، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، تحقيق على محمد البجاوى، بيروت، دار الجيل.

— ابن عدى، أبو أحمد بن عدى الجرجانى (1418)، الكامل فى ضعفاء الرجال، تحقيق عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض شارك فى تحقيقه: عبد الفتاح أبو سنة، بيروت — لبنان، الكتب العلمية.

— ابن عديم، ابوالقاسم كمال الدين عمر بن احمد حلبى (1423)، ترجمة الإمام الحسين (عليه السلام)، قم، دليل ما.

— ابن عساكر، ابو القاسم على بن حسن بن هبة الله شافعى دمشقى (1415)، تاريخ مدينة دمشق، بيروت، دار الفكر.

— ابن عنه حسنى، سيد احمد بن على بن الحسين بن على بن مهنا (1417)، عمدة الطالب فى أنساب آل أبى طالب، قم، انصاريان.

— ابن غضائرى، احمد بن حسين (1364)، رجال، قم، مؤسسه اسماعيليان.

— ابن قولويه قمى، شيخ ابو القاسم (1356)، كامل الزيارات، نجف، دار المرتضوية.

— ابن كثير دمشقى، عماد الدين اسماعيل (1407)، البداية و النهاية، بيروت، دار الفكر.

— ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن يزيد قزوینى (بى تا)، سنن، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، قاهره، دار احياء الكتب العربيه.

— ابن نما حلى، نجم الدين جعفر بن محمد بن جعفر بن هبة الله (1406)، مثير الأحران، قم، مدرسة الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه و الشريف).

— ابن هشام، عبد الملك بن هشام الحميرى المعافرى (بى تا)، السيرة النبوية، تحقيق مصطفى السقا و ابراهيم الأييارى و عبد الحفيظ شلبى، بيروت، دار المعرفة.

— ابوالصلاح حلبى، تقى بن نجم بن عبيدالله (1404)، تقريب المعارف، قم، الهادى.

— ابوبكر بيهقى، احمد بن الحسين بن على بن موسى الخُسَرْوَجَرْدَى الخراسانى (1405)، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، بيروت، دار الكتب العلمية.

— أبى حاتم رازى، أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمى

الحنظلي (1271)، الجرح والتعديل، بيروت، دار إحياء التراث العربي.

— إربلي، ابوالحسن علي بن عيسى بن ابي الفتح (1421)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، قم، رضى.

— امين عاملي، سيد محسن (1403)، أعيان الشيعة، بيروت، دار التعارف.

بحراني اصفهاني، شيخ عبد الله (1413)، عوالم العلوم و المعارف، مستدرکـ حضرت زهرا تا امام جواد (عليها السلام)، قم، مؤسسة الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه و الشريف).

— بلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر (1417)، انساب الأشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت، دار الفكر.

— جزائري، سيد نعمت الله (1427)، رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي.

— حاكم نيشابوري، أبو عبد الله (1411)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.

— حر عاملي، محمد بن حسين (1425)، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بيروت، اعلمى.

— حفني، عبد المنعم (1420)، المعجم الشامل لمصطلحات الفلسفة، مكتبة مدبولي، مصر - قاهره.

— حموي، محمد بن اسحاق (1363)، أنيس المؤمنين، تهران، بنياد بعثت.

— خرگوشي نيشابوري، ابوسعيد (1424)، شرف المصطفى، مکه، دار البشائر الإسلامية.

— خوارزمي، موفق بن احمد (1423)، مقتل الحسين (عليه السلام)، چاپ دوم، قم، انوار الهدى.

— دغيم، سميح و جيار جهامي (2006)، الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربي و الإسلامي (تحليل و نقد)، لبنان - بيروت، مكتبة لبنان ناشرون.

— دولابي، ابوبشر محمد بن احمد (1418)، الذرية الطاهرة، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسين.

ديار بکري، شيخ حسين (بی تا)، تاريخ الخميس في أحوال أنفس النفيس، بيروت، دار الصادر.

— ذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز (1382)، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق علي محمد البجاوي، بيروت — لبنان، دار المعرفة للطباعة والنشر.

— رسان، فضيل بن زبير (1406)، تسمية من قتل مع الحسين (عليه السلام)، چاپ دوم، قم، آل البيت.

— زبيري، مصعب بن عبد الله (1999)، نسب قريش، تحقيق ليفي بروفنسال، قاهره — مصر، دارالمعارف.

— سبط بن جوزي، شمس الدين ابوالمظفر يوسف بن قز اوغلي بن عبدالله بغدادی (1418)، تذكرة الخواص، قم، منشورات الشريف الرضي.

— سماوي، محمد بن طاهر (1419)، إبصار العين في أنصار الحسين (عليه السلام)، قم، دانشگاه شهيد محلاتي.

— شافعي الإيجي، احمد بن جلال الدين (1428)، فضائل الثقلين من كتاب توضيح الدلائل على ترجيح الفضائل، تهران، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية-المعاونية الثقافية.

— شهيد الأول، شمس الدين محمد (1410)، المزار، قم، موسسه امام مهدي (عجل الله تعالى فرجه و الشريف).

— طبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي (1415)، المعجم الكبير، تحقيق حمدي بن عبد المجيد السلفي، القاهرة، مكتبة ابن تيمية.

— طبرسي، فضل بن حسن بن فضل (1417)، إعلام الوري بأعلام الهدى، قم، آل البيت. — طبري، عماد الدين حسن بن علي (1379)، مناقب الطاهرين، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.

— عقيلى مكي، أبوجعفر محمد بن عمرو بن موسى بن حماد (1404)، الضعفاء الكبير، تحقيق عبد المعطي أمين قلعي، بيروت، دار المكتبة العلمية.

— علامه حلي، حسن بن يوسف (1411)، رجال، قم، دار الذخائر.

— فتال نيشابوري، محمد بن حسن بن علي بن احمد بن علي (1423)، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، قم، دليل ما.

— فرهنگ فقه، جمعی از پژوهشگران زیر نظر سيد محمود هاشمي شاهرودی (1426)، قم،

مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت (عليهم السلام).

— قاضى نعمان مغربى، ابوحنيفة محمد بن نعمان (1409)، شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، قم، جامعه مدرسين.

— قطب راوندى، سعيد بن عبدالله (1409)، الخرائج و الجرائح، قم، مدرسة الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه و الشريف).

— قمى، شيخ عباس (1421)، نفس المهموم، نجف، المكتبة الحيدرية.

— كاشفى سبزوارى، ملا حسين (1382)، روضة الشهداء، چاپ سوم، قم، نويد اسلام.

— كركى حائرى، سيد محمد (1418)، تسليية المجالس و زينة المجالس، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية .

— كشى، محمد بن عمر (1348)، رجال، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.

— كلينى، محمد بن يعقوب (1362)، الكافى، چاپ دوم، تهران، الاسلاميه.

— كوفى، محمد بن سليمان (1412)، مناقب الإمام أمير المؤمنين على بن أبى — طالب (عليه السلام)، قم، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.

— گنجى شافعى، محمد بن يوسف (1404)، كفاية الطالب فى مناقب على بن أبى طالب، چاپ دوم، تهران، دار إحياء تراث أهل البيت (عليهم السلام).

— متقى، على بن حسام الدين (1410)، كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال، تحقيق بكرى حيانى - صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة.

— مجلسى، محمد باقر (1363)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، تهران، اسلاميه.

— محب الدين طبرى، أحمد بن عبدالله بن محمد (1356)، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى (عليهم السلام)، قاهره، مكتبة القدسى.

— محدث نورى، ميرزا حسين (1384)، نجم الثاقب فى أحوال الإمام الغائب، چاپ دهم، قم، مسجد جمكران.

— مرعشى تسترى (شوشترى)، القاضى نورالله (1409)، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم، مكتبة آية الله المرعشى النجفى.

- مركز اطلاعات و مدارك اسلامي (1389)، فرهنگ نامه اصول فقه، قم، دفتر تبليغات حوزه علميه.
- مطهری، مرتضی (1390)، مجموعه آثار، قم، صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (1413)، الاختصاص، قم، كنگره شيخ مفید.
- ————— (1413)، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم، كنگره شيخ مفید.
- مقریزی، تقی الدين أحمد بن علی (1420)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقيق محمد عبدالحميد النميسي، بيروت، دار_الكتب العلمية.
- موصلي، شرف الدين ابی محمد عمر بن شجاع الدين محمد بن عبدالواحد (1424)، مناقب آل محمد المسمى بالنعيم المقيم لعثرة النبأ العظيم، بيروت، مؤسسة الأعلمی.
- نجاشی، احمد بن علی (1407)، رجال، قم، انتشارات جامعه مدرسين.
- واقدی، محمد بن عمر (1409)، مغازی، تحقيق مارسدن جونز، بيروت، مؤسسة الأعلمی.
- ولايی، عيسى (1387)، فرهنگ تشريحي اصطلاحات اصول، چاپ ششم، تهران، نشر نی.
- هاشمی موسوی، سيد علی حسن مطر (1430)، اثبات صدور الحديث بين منهجي نقد السند و نقد المتن، قم، منشورات ناظرين.

دکتر محمدحسین مردانی نوکنده

عاشورا و امام حسین (علیه السلام) از دیدگاه اندیشمندان غیر مسلمانان

1- ماهاتما گاندی، رهبر بزرگ انقلاب هندوستان: من برای هند چیز تازه‌ای نیاوردم؛ فقط نتیجه‌ای را که از مطالعات و تحقیق‌هایم درباره تاریخ زندگی قهرمانان کربلا به دست آورده بودم، ارمغان ملت هند کردم. اگر بخواهیم هند را نجات دهیم واجب است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی (علیه السلام) پیمود.

2- توماس کارلایل، مورخ مشهور انگلیسی: بهترین درسی که از تراژدی کربلا می‌گیریم این است که حسین (علیه السلام) و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند. آنها با عمل خود روشن کردند که تفوق عددی در جایی که حق با باطل روبه‌رو می‌شود، اهمیتی ندارد. پیروزی حسین (علیه السلام) با وجود اقلیتی که داشت باعث شگفتی من است.

3- واشینگتن ایروینک، تاریخ‌نویس آمریکایی: برای امام حسین (علیه السلام) ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن در برابر اراده یزید نجات بخشد، لیکن مسئولیت پیشوای اسلام اجازه نمی‌داد که یزید را به عنوان خلیفه بشناسد. او به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی‌امیه به سرعت خود را برای قبول هر ناراحتی و فشاری آماده ساخت. در زیر آفتاب سوزان سرزمین خشک و در روی ریگ‌های تقطیده عربستان، روح حسین (علیه السلام) فناپذیر است. ای پهلوان و ای نمونه شجاعت و ای شه‌سوار من؛ ای حسین (علیه السلام).

4- مُسیو ماربین، مورخ آلمانی: اگر در کلمات و گفتار حسین (علیه السلام) درست دقت شود،

معلوم خواهد شد که هدف و آرمان حسین (علیه السلام) جلوگیری از ستم بود و این همه قوت قلب و از خودگذشتگی را در راه مقصود عالی خویش خرج کرده است. حتی در آخرین دقایق زندگی طفل شیرخوار خود را قربانی حق و حقیقت نمود و با این عمل اندیشه فلاسفه و بزرگان عالم را متحیر ساخت.

5- توماس ماساریک، سیاستمدار و جامعه شناس: گرچه کشیشان ما هم از ذکر مصایب حضرت مسیح، مردم را متأثر می سازند، ولی آن شور و هیجانی که در پیروان حسین (علیه السلام) یافت می شود، در پیروان مسیح یافت نخواهد شد و گویا سبب این باشد که مصایب مسیح در برابر مصایب حسین (علیه السلام) مانند پر کاهی است در مقابل کوهی عظیم.

6- إدوارد براون، مستشرق معروف انگلیسی: آیا قلبی پیدا می شود که وقتی درباره کربلا سخن می شنود، آغشته به اندوه نگردد؟ حتی غیر مسلمانان نیز نمی توانند پاکی روحی را که در این جنگ تحت لوای اسلام انجام گرفت، انکار کنند.

7- فردریک جمس، متفکر و نویسنده مسیحی: درس امام حسین (علیه السلام) و هر قهرمان شهید دیگری، این است که در دنیا اصول ابدی عدالت، ترحم و محبت وجود دارد که تغییر ناپذیرند و اینکه هرگاه انسان برای حفظ این صفات، مقاومت کند و در راه بقای آن پافشاری نماید، آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند.

8- چارلز دیکنز، نویسنده انگلیسی: اگر منظور امام حسین (علیه السلام) جنگ در راه خواسته های دنیایی بود، من نمی فهمم چرا خواهران و زنان و اطفالش به همراه او بودند؟ پس عقل چنین حکم می کند که او فقط برای اسلام، فداکاری خویش را انجام داد.

9- آنتون بارا، دانشمند مسیحی: اگر حسین (علیه السلام) از آن ما بود، در هر سرزمینی برای او بیرقی برمی افراشتیم و در هر روستایی برای او منبری برپا می کردیم و مردم را با نام حسین (علیه السلام) به مسیحیت فرا می خواندیم.

10- گیون، مورخ معروف انگلیسی: با آن که مدتی از واقعه کربلا گذشته و ما هم با صاحب واقعه هم وطن نیستیم، با این حال مشقات و مشکلاتی که حضرت حسین (علیه السلام) تحمل کرد، احساسات سنگ دل ترین خواننده ها را نیز بر می انگیزد، چندان که نوعی عطوفت و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می یابد.

11- نیکلسون، خاورشناس معروف: بنی امیه سرکش و مستبد بودند، قوانین اسلامی را نادیده انگاشتند و مسلمین را خوار کردند... اگر تاریخ را بررسی کنیم معلوم می شود که دین بر ضد فرمان فرمایی تشریفاتی قیام کرد و حکومت دینی در مقابل امپراتوری ایستادگی نمود. بنابراین تاریخ از روی انصاف حکم می کند که خون حسین (علیه السلام) به گردن بنی امیه است.

12- موریس دوکبری، نویسنده شهیر فرانسوی: اگر مورخان ما حقیقت این روز (عاشورا) را می شناختند و درک می کردند که عاشورا چه روزی است، این عزاداری را مجنونانه نمی پنداشتند؛ زیرا پیروان حسین (علیه السلام) به واسطه عزاداری اومتوجه می شوند که پستی و زبردستی و استعمار را نباید قبول کرد؛ زیرا شعار امام و آقای آنها تن ندادن به ستم بود.

13- گاسپار دروویل، نظامی فرانسوی: وی در سفرنامه خود می نویسد؛ سرگذشت غم انگیز امام حسین (علیه السلام) و یارانش اذهان نیمی از جهان اسلام را به خود مشغول داشته است. گذشت قرن های بسیار که هرکدام فاجعه ها و غم های خود را به همراه دارد این داغ را بی اثر نکرده است و احساسی را که یادآوری آن واقعه برمی انگیزد تخفیف نداده است.... حتی دشمنان حسین (علیه السلام) با دیدن مقاومت بردبارانه او و از خودگذشتگی یارانش به رحم آمدند. وقایع ثبت شده روز هولناک دهم محرم چنان از عواطف پاک انسانی سرشار است که مردم را متأثر می کند و تأثر آنها را از نسلی به نسلی دیگر منتقل می کند.

دکتر محمدرضا فخر روحانی(1)

السید سلمان هادی آل طعمه، تاریخ مساجد کربلاء و حسینیاتها، العتبة الحسينية المقدسة، کربلا: 1422ق/ 2021م.

نام کربلا همواره تداعی کننده مکان زیارتی بسی ارجمند در نزد همه مؤمنان است. اولین مکان زیارتی کربلا، قبور شریف شهدای عاشورا و به خصوص حضرت امام حسین (علیه السلام) بوده است، با این همه کربلا پر از مساجد و تکایایی کوچک و بزرگ است که در سرتاسر شهر و در کوچه پس کوچه های آن منتشر هستند. محقق ارجمند معاصر، جناب آقای دکتر سید سلمان هادی آل طعمه، طی چند سال کار میدانی و بازدید از 123 مسجد و 38 حسینیه، با متولیان آنها مصاحبه کرده، اسناد تاریخی شهر کربلا را به دقت خوانده و حتی آیات قرآنی و نقوش سردر مساجد را یادداشت کرده، همه را با ذکر جزئیات و نشانی دقیق مکانی و تاریخچه تأسیس شان ثبت و ضبط کرده است. قابل توجه این که ایشان در این پژوهش توجه خود را به بخش های قدیمی شهر کربلا معطوف کرده است، زیرا مساجد و حسینیه های این مناطق به نوعی تاریخچه اجتماعی- فرهنگی شهر کربلا را نشان می دهند.

ص: 123

این کتاب در 199 صفحه نگارش شده است و نشان می دهد که چه تعداد و کدام یک از حسینیه های کربلا در گذر تاریخ محو شده بودند. به جز تعداد اندکی از حسینیه ها که به دلیل طرح های توسعه شهری بخشی از محوطه آنها داخل خیابان افتاد، مابقی آنها بی هستند که بعد از انتفاضه سال 1991م و به دستور صدام حسین تخریب شدند.

تخریب کردن حسینیه ها معانی مختلفی دارد. یکی از دلایل آن این است که اساسا حسینیه محل تجمع افرادی است که مقتدا و الهام بخش آنان حضرت امام حسین (علیه السلام) است. با توجه به رویکرد منفی و معاندانه حزب بعث عراق و به خصوص شخص صدام حسین با آموزه های شیعی، تخریب حسینیه ها عین دشمنی وی با اندیشه مقاومت پرورانه شیعی بود.

درباره هر کدام از مساجد و حسینیه هایی که ذکر آنها در کتاب رفته است، تصویر و اطلاعات زمینه ای سودمندی داده شده است. این معلومات نشان می دهد که نه فقط اهالی کربلا، بلکه اهالی دیگر شهرهای عراق و نیز ایرانیان تا چه اندازه در تأسیس، تعمیر و توسعه مساجد و حسینیه های کربلا نقش و اهتمام داشته اند.

جالب این که از میان غیر عراقی ها، یک حسینیه را تهرانی ها و دو حسینیه را اصفهانی ها در کربلا تأسیس کرده اند. با توجه به افزایش زوار از کشورهای دیگر، انتظار می رود که محله های جدیدتر کربلا دارای مساجد و حسینیه های فراوان تری باشد و سهم مهمی را هم غیر عراقی ها در این مهم ایفا کرده باشند. شاهد چنین حدسی، تعدد و تکثر موب های عزاداری از دیگر شهرهای عراق به سوی کربلا است.

با توجه به اهمیت و تأثیر عاشورا و امام حسین (علیه السلام) در جوامع بشری به ویژه جامعه امروز اسلام، جمعی از دردمندان صاحب قلم و اندیشه ور که ترکیبی از اساتید حوزه و دانشگاه هستند، با نیتی الهی و به دور از نگرش های سیاسی و زودگذر، بر آن شدند که انتشار فصل نامه پژوهش نامه معارف حسینی را با رویکردی علمی در مرحله اول برای مخاطبان داخل کشور و در گام بعدی برای دنیای اسلام آغاز نمایند.

فصل نامه علمی _ تخصصی پژوهش نامه معارف حسینی ضمن قدردانی از تلاش های صورت گرفته در تبلیغ و ترویج فرهنگ حسینی، در صدد است در حوزه های ذیل به ترویج و گسترش فرهنگ حسینی بپردازد:

1. شخصیت و ویژگی های سیدالشهداء (علیه السلام) به عنوان امام، اسوه و الگو

2. معارف و احادیث گزارش شده از امام حسین (علیه السلام) یا مرتبط با ایشان

3. تبیین تاریخی و تاریخ تحلیلی نهضت عاشورا و حماسه کربلا

4. سیره و سبک زندگی سیدالشهداء (علیه السلام)

5. تحلیل عصری و روزآمد از سیره حسینی و نهضت عاشورا

6. معرفی توصیفی، تحلیلی و انتقادی منابع و مصادر مرتبط با امام حسین (علیه السلام) و نهضت عاشورا

7. ادب و هنر عاشورایی

8. سایر موضوعات مرتبط با معارف حسینی

از تمامی علاقه مندان و نویسندگان محترم درخواست می شود که مقالات علمی خود را بر اساس فرمت تعریف شده نشریه، به سامانه فصل نامه ارسال نمایند.

ای که از روز ازل ما را جدا کردی حسین *** یک نگه کردی و ما را مبتلا کردی حسین

حق اشتراک سالیانه 000/200/3 ریال

هزینه اشتراک فصل نامه را به شماره حساب 0111650896001 بانک ملی به نام کانون فرهنگی تبلیغی فرات واریز نمایید.

آدرس پستی مجله: خیابان پیروزی، خیابان شهید هادی بنایی، کوچه نهم،

پلاک 16، طبقه سوم، فصل نام پژوهش نامه معارف حسینی کدپستی: 1735813677

تلفن: 021-33328769 همراه: 09113701235

ص: 127

مشخصات متقاضی

نام خانوادگی: نام:

جنسیت: زن £ مرد £ _ میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل: تاریخ و شماره فیش بانکی: مبلغ واریز شده:

متقاضی اشتراک از شماره: آدرس پستی و کد پستی:

..... صندوق

پستی: تلفن: همراه:

.....

امضای متقاضی

مشخصات مؤسسه متقاضی دریافت فصل نامه

نام مؤسسه: واحد درخواست کننده: آدرس پستی:

.....

.....

صندوق پستی: تلفن: همراه:

تاریخ و شماره فیش بانکی: مبلغ واریز شده:

.....

امضای مسئول و مهر مؤسسه

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتال و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهل بیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی
خاتمیه اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

